یا لثارات الحسین

چهارشنبه ۲۱ مهر ۱۳۸۹ - ۵ ذی‌القعده‌الحرام ۱۴۳۱

انصار حزب‌الله

سال هفدهم/ شماره۵۹۳ /۲۰۰ تومان

دهه کرامت و میلاد مسعود
حضرت امام رضا(علیه‌السلام)
مبارک باد

یادکردی از شهید
حاج مرتضی گرکانی

مرد مردستان

صفحه۱۲

در گفت‌وگو با ۴ تن از نمایندگان مجلس مطرح شد

وضع حجاب وخیم است

صفحه۴

حجت‌الاسلام محمدتقی رهبر: بنده این مطالب را اینجا می‌گویم بلکه گوش مسئولین باز شود. من روز پنج‌شنبه از طرف هواپیمایی آسمان عازم سفر بودم وقتی وارد هواپیما شدم فکر کردم مهماندارها قصد شرکت در مراسم عقد و عروسی دارند! که من در آنجا صدای اعتراضم بلند شد. همه اینها در حالی است که برخوردی از سوی هیچ نهادی مشاهده نمی‌شود.

جواد آرین‌منش: در مورد حجاب، سخنان و گزارشهای مردم، خطبا و همچنین ائمه جمعه و برخی مسئولین حکایت از این دارد که در برخی از کلانشهرها به ویژه شهر تهران و مخصوصا بخشهای شمالی آن، حجاب و پوشش در وضعیت نگران‌کننده است و در برخی موارد هنگام رانندگی به طور کامل کشف حجاب انجام می‌شود.

لاله افتخاری: یکی از بحث‌هایی که ما قصد مطرح کردن آن را داریم در مورد مجازاتهاست؛ چرا که بعضا برخی مجازاتهای تعیین شده در قانون در مورد جرایم عفاف و حجاب بازدارندگی ندارند. ما به هیچ وجه اعتقادی به کار فرهنگی صرف نداریم؛ چرا که اساسا عده‌ای برای هنجارشکنی مدیریت می‌شوند و مامور به این کار هستند.

ستار هدایت‌خواه: من صراحتا به وزیر کشور گفتم که نیروی انتظامی صحبت‌های آقای احمدی‌نژاد در آن مصاحبه را بهانه قرار داده و می‌گوید دست ما را بسته‌اند و ایشان این مساله را رد کرد و عنوان کرد که در برخی موارد برخوردهایی صورت گرفته که مساله‌ساز شده است.

جوانان ساده‌لوح در دام فرقه‌های نوظهور

صفحه۶

ختم پرونده جعلی وقف دانشگاه آزاد

صفحه۷

اعتراض سینماگران متعهد به روند خانه سینما

«خانه سینما» را بر سر ضدانقلاب خراب کنید!

صفحه۸

حسین فدایی در جلسه هفتگی انصار حزب‌الله

افراد فاسد و قدرت‌طلب در جریان اصولگرا رخنه کرده‌اند

صفحه۵

ستایش قلم برای قهرمان وزنه‌برداری جهان

صفحه۱۰

آیا مسیر سینمای ایران تغییر می‌کند؟

سرد شدن استقبال از فیلم‌های گیشه‌ای

صفحه۸

طی یک سال گذشته، تورم چطور کاهش یافت؟

چشم‌بندی یا نتیجه سیاستهای اقتصادی

صفحه۹

قهر معاون وزیر از مراسم رقص و توهین به رئیس‌جمهور

صفحه۲

سردار احمدی مقدم:

رفت‌وآمد نیروهای رسانه‌ای فتنه‌گران به خارج با هماهنگی خاتمی بود

فرمانده نیروی انتظامی گفت: خاتمی با استقبال از رفت‌وآمد نیروهای رسانه‌ای فتنه‌گران از آنان خواسته تا با وی در تماس باشند.

فرمانده نیروی انتظامی در خصوص نیروهای رسانه‌ای فتنه‌گران تصریح کرد: زمانی که آنها برای کمک به رسانه‌های ضدانقلاب از جمله بی‌بی‌سی به خارج از کشور می‌رفتند در جلسه خداحافظی با سیدمحمد خاتمی دیدار کرده و تصمیم خود را برای خروج از ایران به اطلاع وی رساندند.

وی در همین زمینه ادامه داد: خاتمی ضمن استقبال از این موضوع از آنها خواست تا با وی در تماس باشند.

خشم ضد انقلاب از آمادگی حوزه برای استقبال از رهبر معظم انقلاب

یکی از سایت‌های کلیدی حامی جریان فتنه که از خارج از کشور اداره می‌شود، در مطلبی ایجاد بخش ویژه برای سفر رهبر معظم انقلاب به قم در یک سایت خبری حوزه و انعکاس نظرات علما و اساتید حوزه علمیه در رابطه با سفر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را مورد حمله قرار داده است.

این سایت با ذکر بخش‌هایی از سخنان اساتید برجسته حوزه علمیه قم و اطلاعیه جامعه مدرسین در مورد آمادگی برای استقبال شایسته از رهبر انقلاب، به نقد این سخنان پرداخته و سعی در غیر مهم جلوه دادن آن نموده است.

بر اساس این گزارش سایت مذکور که سابقه حمله و زیر سوال بردن مسایل دینی و ارکان نظام را دارد، در موضعی خنده‌آور، ستایش اساتید برجسته حوزه علمیه از رهبر معظم انقلاب را از مصادیق مدح و ستایش‌های مذموم و «مورد نکوهش اولیای دین» دانسته است(!).

پیام رهبر معظم انقلاب به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز:

مسجد باید منبر معارف اجتماعی و سیاسی باشد

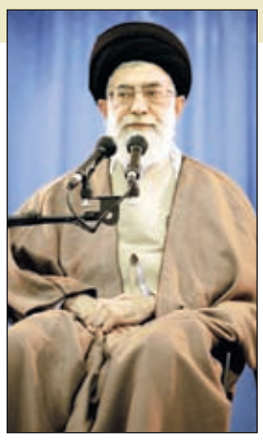

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در پیامی به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز فرمودند: مساجد باید مدرّس تفسیر و حدیث و منبر معارف اجتماعی و سیاسی و کانون موعظه و پرورش اخلاق باشد.

متن پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز که با حضور محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور و استانداران سراسر کشور در بیرجند برگزار شد، به شرح ذیل است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

پدید آوردن هویتی به‌نام مسجد، نخست در قبا و سپس در مدینه در شمار زیباترین و پرمغزترین ابتکارهای اسلام در آغاز تشکیل جامعه اسلامی است: خانه خدا و خانه مردم؛ خلوت انس با خدا و جلوت حشر با مردم؛ کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه علم و جهاد و تدبیر دنیوی؛ جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دوگانه‌های به هم پیوسته‌ای است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله آن با عبادتگاه‌های رایج ادیان دیگر را نمایان می‌سازد.

در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم، در هم می‌آمیزد و فرد و جامعه را به تراز اسلامی آن نزدیک می‌کند. مسجد، مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی هر دو جامعه در دیدگاه و اندیشه مکتب اسلامی است. با این نگاه، دل‌های ما برای مسجد می‌تپد و از شوق و احساس مسئولیت، لبریز می‌گردد. امروز در میان مساجد ما کم نیستند آنهایی که می‌توانند نمایی از این تصویر زیبا و شوق‌انگیز را به نمایش درآورند. حضور نسل جوان پاک‌نهاد ما و حضور روحانیون و معلمان آگاه و دلسوز، مسجدهایی را به درستی کانون ذکر و عبادت و اندیشه و معرفت ساخته و یادهای عزیز و گرانبها را در دل‌های ما برانگیخته است. لیکن تا این وظیفه به تمام و کمال گزارده نشود هیچ یک از ما نباید و نمی‌توانیم خطری که از کمبود مسجد و ضعف و نارسایی، جامعه و جوانان و خانواده‌ها و نسل‌های آینده را تهدید می‌کند، غافل بمانیم و خود را از برکات عظیمی که مسجد تراز اسلامی به کشور و نظام و مردم هدیه می‌کند محروم سازیم.

نخستین مطلب مهم، بنای مسجد و حضور روحانی شایسته در آن است. هم‌اکنون با وجود ده‌ها هزار مسجد در کشور، جای هزاران مسجد دیگر در روستاها، شهرها، شهرک‌ها و مجتمع‌های ساختمانی خالی است. دسترسی آسان به مسجد، نیاز ضروری مومنان و جوانان و نوجوانان ما است. روحانی پرهیزگار، خردمند، کارشناس و دلسوز در مسجد، همچون پزشک و پرستار در بیمارستان، روحیه و مایه حیات مسجد است. امامان جماعت باید آماده‌سازی خویش برای طبابت معنوی را وظیفه حتمی خود بدانند و مراکز رسیدگی به امور مساجد و حوزه‌های علمیه در همه جا آنان را یاری دهند. مساجد باید مدرّس تفسیر و حدیث و منبر معارف اجتماعی و سیاسی و کانون موعظه و پرورش اخلاق باشد. زمزمه محبت متولیان و مدیران و امنای مساجد باید دل‌های پاک جوانان را مجذوب و مشتاق کند. حضور جوانان و روحیه‌های بسیجی باید محیط مسجد را زنده و پرنشاط و آینده‌پو و لبریز از امید سازد. میان مسجد و مراکز آموزشی در هر محل همکاری و پیوند تعریف شده و شایسته‌ای برقرار گردد. چه نیکوست دانش‌آموزان برجسته و ممتاز در هر محل، در مسجد و در برابر چشم مردم و از سوی امام جماعت، تشویق شوند. مسجد باید رابطه خود را با جوانانی که ازدواج می‌کنند و به کسانی که به موفقیت علمی، اجتماعی، هنری و ورزشی دست می‌یابند، با صاحب همتانی که کمک به دیگران را وجهه همت می‌سازند، با غم‌دیدگانی که غمگساری می‌جویند و حتی با نوزادانی که متولد می‌شوند برقرار و مستحکم کند. مسجد باید در هر منطقه و محل، مأمن و مایه خیر و برکت باشد و به طریق اولی وسیله زحمت و آزار مجاوران نگردد.

پخش صداهای آزاردهنده به ویژه در شب و هنگام آسایش مردم، کاری ناروا و در مواردی خلاف شرع است. تنها صدایی که باید از مسجد در فضا طنین بیفکند بانگ اذان با صوت خوش و دلنواز است.

عمران مساجد و پرداختن به آرایه‌های معنوی و ظاهری آن، وظیفه همگان است. و هر کسی به اندازه توان و همت باید در آن سهیم گردد. مردم، شهرداری‌ها و دستگاه‌های دولتی هر یک در آن باید سهمی ایفا کنند و روحانی دانا و مسئولیت‌پذیر و پرهیزگار می‌تواند و می‌باید محور این منظومه تلاش مقدس باشد.

از خداوند متعال توفیق همگان را مسئلت می‌کنم و برای روحانی مجاهد و خدمتگزار، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای قرائتی دوام عمر و نشاط و توفیق روزافزون از خداوند می‌طلبم.

والسلام علیکم و رحمه‌الله
سید علی خامنه‌ای ۱۸ مهر ۸۹

فراخوان پیشنهادهای مردمی برای برپایی باشکوه سالگرد حماسه ۹ دی

قائم‌مقام شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی گفت: ستاد مردمی مراسم ۹ دی آماده دریافت پیشنهادهای مردمی و بهره‌مندی از نقطه نظرات کارشناسی اساتید حوزه و دانشگاه، فرهیختگان و صاحب‌نظران است.

«اصغر آب‌خضر» قائم‌مقام شورا در ارتباط با برگزاری مراسم سالگرد نهم دی ماه گفت: «نهم دی» روز پیوند امام و امت، روز پیوند مردم با ولایت، روز پیوند عاشورای حسینی و انقلاب خمینی است، مردم در این روز بر پیام‌رسای شهدا و امام شهدا و آرمان‌های انقلاب اسلامی مهر تأییدی دوباره زدند.

وی، از همه ملت فهیم و دلسوز ایران اسلامی به ویژه دانش‌آموزان، دانشجویان و جوانان غیور و برومند این آب و خاک و از تمامی اساتید حوزه و دانشگاه، فرهیختگان، نخبگان و صاحب‌نظران ارجمند خواست تا با ارسال پیشنهادات و نظرات کارشناسی و ارائه طریق به ستاد مرکزی حماسه نهم دی مستقر در این شورا به نشانی: میدان جهاد، خیابان دکتر فاطمی شرقی، حدفاصل وزارت کشور و سازمان آب تهران، نبش کوچه ششم، ساختمان شماره ۱۴۲، دفتر مرکزی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، صندو ق پستی ۱۴۱۴/۱۳۹ یا به نمابر این شورا به شماره: ۸۸۹۵۴۸۰۴ـ۶ و یا از طریق سایت فجر شورا www. fajr. ir یا پست الکترونیک info@fajr. ir و شماره پیامک ۳۰۰۰۸۸۵۷، ستاد را در برگزاری هر چه باشکوه‌تر این مراسم ملی، تاریخی و ماندگار یاری رسانند.

۳۰ هزار مسجد در کشور کم داریم

رئیس ستاد اقامه نماز گفت: در حال حاضر ۳۰ هزار مسجد در کشور کم داریم که این مشکل باید در طول سه سال باقی مانده عمر دولت احمدی‌نژاد حل شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی افزود: اگر جوانان جزء هیئت امنای مساجد باشند هم زمینه اشتغال و هم زمینه حضور بیشتر جوانان در مساجد و امور مربوط به مساجد فراهم می‌شود مثلا ما ۷۰۰ مسجد بین راهی ساخته‌ایم که برای هر مسجد دو خادم مشغول به کار شده‌اند و این بسیار خوب است.

نگاه هفته

● محسن مهدیان

صداقت با مردم در اجرای یک قانون

هدفمندسازی یارانه‌ها از چند روز دیگر آغاز می‌شود. قرار است آرزوی دیرینه دولت‌ها به دست دولت دهم محقق شود. هنوز از خاطره‌ها نرفته است روزهای پایانی دولت هشتم را که رئیس‌جمهور وقت صراحتاً از هدفمندسازی یارانه‌ها به عنوان آرمانش در آن سالها نام می‌برد.

مردم به خاطر دارند که ابتدای دهه ۷۰، اجرای این سیاست به دلیل نداشتن پشتوانه‌های تئوریک و اجرایی چگونه کام مردم را تلخ کرد و نهایتاً نیز متوقف شد. از این‌رو شجاعت و جسارت این دولت در برداشتن این بار بزرگ به حق ستودنی است.

اجرای این سیاست که تدبیری نیز برای عبور از تحریم جدید غربی‌ها علیه ایران است،بدون شک با «سنگ‌اندازی‌های اقتصادی» و «کارشکنی‌های سیاسی» همراه خواهد بود که بلاتردید توجه جدی مسئولین اقتصادی و سیاسی را می‌طلبد.

مدتهاست که رسانه‌های وابسته به «جریان سبز وطنی –آمریکایی» با تمام قوا رویکرد سیاسی خود را تغییر داده‌اند و بیش از ۷۰ درصد مباحث اصلی خود را به سیاه‌نمایی در خصوص وضعیت اقتصادی کشور اختصاص داده‌اند.

جریان فتنه سیاسی در قالب رسانه و برخی تحرکات امنیتی، تلاش دارد همزمان با اجرای این قانون، فشار چند جانبه‌ای را به دولت وارد و ضمن ایجاد آشوب و تکرار مجدد حوادث سال ۸۸، دولت را نیز وادار به عقب‌نشینی کند.

در این راه در جلسات متعدد، ضمن بررسی فرصت‌های پیش‌رو برای فتنه‌گری، صراحتاً اعلام کردند که باید طبقه متوسط و جریان کارگری را همراه کرد.

بازیگران فتنه طی ماه‌های گذشته متوجه شدند که از کشاندن مردم به خیابان‌ها ناتوانند و مهمترین علت این شکست را نیز حساب باز کردن روی دخترکان بی‌حجاب و پانکی‌های مرفه شمال شهر تهران دانستند. از این‌رو تلاش دارند پای جریان‌های کارگری را نیز به میدان باز کنند و با این تحلیل که جریان کارگری برای نان می‌آید و نه شهوت، قصد دارند جامعه را مجدداً به آشوب بکشند.

در این بین اخبار دقیق و تردیدناپذیری از تحرکات این جریان فتنه‌گر وجود دارد که مسئولین امنیتی می‌بایست نسبت به آن توجه بیشتری داشته باشند.

اما از سوی دیگر، نقش دولت نیز در این رابطه حائز اهمیت است.

دولت باید ضمن عبرت از تجربه‌های گذشته در اجرای سیاست‌های شوک درمانی، بسترساز واکنش‌های تند اجتماعی نشود.

این نگرانی وجود دارد که دولت با هدف توزیع یارانه نقدی بیشتر، ناگزیر به حذف یکباره و بخش قابل ملاحظه‌ای از یارانه‌ها شود که این اتفاق بلاتردید فتنه سبز را قرمز می‌کند و البته برخورد با فتنه قرمز که در آن پای طبقات متوسط و کارگری در میدان است بسیار پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر و گسترده‌تر از گذشته خواهد بود.

وارد کردن شوک اقتصادی بالاتر از سطح آستانه تحمل اجتماعی، می‌تواند دولت را وادار به عقب‌نشینی از اجرای این سیاست کند که این عقب‌نشینی حتماً عوارض سیاسی به همراه خواهد داشت و آتش آن دامن دولت‌های بعدی را هم خواهد گرفت.

بی‌صداقتی و دادن وعده‌های غیرمنطقی و بالا بردن سطح توقعات اجتماعی و حواله کردن توهم‌آلود اشکالات اقتصادی به گردن مخالفان سیاسی و منتقدین دلسوز چاره راه نیست.

کاهش شیب آزادسازی قیمت‌ها، اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف و صداقت با مردم، تنظیم عالمانه بازار، تقویت قوای انتظامی و امنیتی و فرهنگ‌سازی مناسب از مهمترین عوامل کنترل واکنش‌های تند اجتماعی است که دولت می‌تواند با درایت لازم، در اجرای بهینه این قانون توفیق کسب کند.

رونمایی از «به آفتابیِ صحیفه برگردیم»

مراسم رونمایی از لوح فشرده «به‌آفتابی صحیفه برگردیم» در محل چهارمین نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال و با حضور وحید جلیلی سردبیر ماهنامه «راه» برگزار شد.

این لوح فشرده حاوی بیش از ۵۰ سخنرانی و مقاله از دکتر محمد صادق کوشکی درباره موضوعاتی مانند انقلاب اسلامی و مبانی آن، اندیشه حضرت امام، مسائل جهان اسلام و صدور انقلاب اسلامی است که از سوی موسسه آرمان مشهد منتشر شده است!

فأن حزب‌الله هم‌الغالبون

آینده از آن حزب اللهی‌هاست
مقام معظم رهبری

جلسه هفتگی انصار حزب‌الله

با حضور عموم برادران برگزار می‌شود

سخنران: وحید جلیلی (کارشناس مسائل فرهنگی)

موضوع: رسانه ملی؛ بررسی کارنامه یک ساله

زمان: یکشنبه ۸۹/۷/۲۵ - ساعت ۱۶ الی ۱۸

مکان: خیابان جمهوری‌اسلامی- خیابان ۱۲ فروردین‌جنوبی-خیابان شهید کمال‌زاده- پلاک ۲۱

یادداشت هفته

● علی مسعودی

غفلت از جریان آمریکایی-وهابی در پاکستان

۲۰ مهرماه در تقویم مناسبتی ایران اسلامی به عنوان روزبلایای طبیعی نامگذاری شده است. ازجمله اهداف این نامگذاری علاوه بر مرور توانمندی‌ها و داشته‌ها در مدیریت بحران و عبور از گذرگاه غافلگیری و غفلت، بازخوانی سیاست گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در کمک‌رسانی به ملت‌ها در مواجهه با بلایای طبیعی است.

وقوع سیل پاکستان همچنان محور توجه افکار عمومی و رسانه‌های جهان قرار دارد. این حادثه جانگداز جان‌هزاران نفر را گرفت، منطقه وسیعی از پاکستان را تخریب و البته جهان اسلام را داغدار کرد.

به بهانه مناسبت تقویمی «روز بلایای طبیعی» نکاتی درباره چگونگی «آمادگی و مدیریت بحران» کشور در مواجهه با حوادث و اتفاقات طبیعی از یکسو و همچنین چگونگی همنوایی و کمک‌رسانی به مردم مصیبت‌زده پاکستان قلمی شده است.

این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که ایران اسلامی در گذر از ۸ سال دفاع مقدس و دوره بازسازی خسارات ناشی از جنگ تحمیلی به تجارب گرانسنگی دست یافته که اکنون بخشی از توانمندی‌و تجربیات خود را در اختیار دولت‌های متقاضی قرارمی‌دهد. استفاده از نیروی جوان و بومی سازی دانش‌فنی، ایران را در فهرست کشورهای توانمند در مواجهه با بلایای طبیعی قرار داده است. طبعا این توانمندی و آگاهی دیگر کشورها از آن، توقعی منطقه‌ای و بعضا جهانی از ایران اسلامی را در سطح افکارعمومی برانگیخته است. ازاین رو انتظار می‌رود ایران اسلامی با توجه به اصول و سیاست‌های خارجی خود مبنی بر کمک و حمایت محرومان جهان در مواجهه با اتفاقات و حوادث طبیعی در جهان پیشگام باشد. اما تکاپوی گسترده جریانی آمریکایی- وهابی در کشور پاکستان بیانگر این نکته است که ایران اسلامی آن گونه که انتظار می‌رود نتوانسته نقش محوری در این موضوع ایفا کند!

جریان منحرف سیاسی و ضددینی آمریکایی – وهابی نیزبا سوءاستفاده ازاین فرصت درصدد نفوذ به لایه‌های مختلف جامعه مصیبت زده پاکستان برآمده است.

در تحلیل «چرایی» این واقعیت باید اولا به عملکرد دولت در مواجهه با این مصیبت توجه داشت و ثانیا عملکرد رسانه‌ای در طرح موضوع و برانگیختن توجه عمومی در حمایت مالی و معنوی ازمردم مصیبت‌زده پاکستان را به بوته نقد کشید.

به باور بسیاری از کارشناسان در ورود به موضوع سیل پاکستان آهنگ کندی داشته‌ایم و تنها فرمان بغض‌آلود ولی امر مسلمین جهان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در نمازعید سعید فطر بر شتاب این آهنگ افزود. بنابراین باید به علل کم‌توجهی‌ها و غفلت‌ها رسیدگی شود زیرا جهان اسلام ازایران به عنوان ام‌القرای اسلامی توقع بیشتری دارد.

متاسفانه درباره رفتار رسانه‌ای نیز همچنان شاهد دودستگی‌ها در مواجهه با این موضوع بوده‌ایم. همچنان که برخی از رسانه‌ها کمترین تمایلی به طرح و پردازش این موضوع ازخود نشان نداده‌اند و تعداد معدودی ازرسانه‌ها نیز اخبار و گزارشهایی – البته به صورت پراکنده و نه منسجم- را درباره وضعیت حال مردم مصیبت‌زده پاکستان منتشر کرده‌اند.

مجموعه این عوامل سبب اولا کندی آهنگ حرکت درراستای کمک به مردم مسلمان پاکستان شده ثانیا جایگاه ایران اسلامی را به جایگاهی فرعی و نه اصلی مبدل کرده است.

به دیگر سخن؛ در شرایطی که آمریکا و همپالکی‌های این کشور درصدد یارکشی‌های سیاسی جدید علیه ایران اسلامی برآمده‌اند این گونه تعلل و غفلت، آنان را در دستیابی به اهداف شوم خود کمک می‌کند.

گزارشها و اخبار دریافتی از پاکستان موید این نکته است که جریان آمریکایی – وهابی با هزینه‌های بسیار زیاد درصدد ایجاد اختلاف و چنددستگی میان مسلمانان پاکستان است و با سوءاستفاده ازنیاز آنان می‌کوشد به هر نحو ممکن اردوگاه خود را فربه کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:

حجاج ایرانی با کاهش هزینه‌های خود به مردم پاکستان کمک کنند

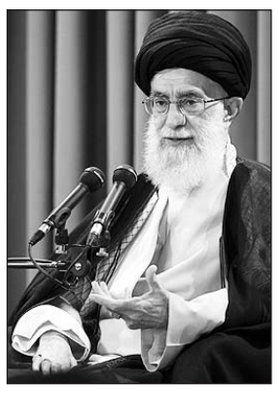

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران حج تأکید کردند: رفتار حجاج ایرانی باید مظهر همه ابعاد و تکالیف فردی – معنوی – عبادی – اجتماعی و سیاسی «فریضه عظیم و افتخارانگیز حج» باشد.

رهبر انقلاب اسلامی در این دیدار حج سالم و کامل را چشمه جوشانی برای بهره‌مندی امت اسلام و جامعه بشری خواندند و افزودند: با توجه به مشکلات و دردهای درونی امت اسلام و واقعیات جامعه بین‌المللی، برگزاری کامل و صحیح حج، از هر زمان دیگری مهمتر و ضروری‌تر است.

ایشان با یادآوری تلاش مستمر دشمنان اسلام برای ایجاد احساس حقارت، انفعال و ناامیدی درونی ملتهای مسلمان، افزودند: حرکت عظیم، دسته‌جمعی، صحیح و مسئولانه امت اسلامی در حج، می‌تواند احساس عزت، اقتدار و امید را به دنیای اسلامی باز گرداند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با اشاره به صف آرایی فرقه‌های مختلف «ضداسلامی و ضدحقیقت» در مقابل دین مبین اسلام افزودند: شرایط کنونی مانند جنگ احزاب است و تجلی وحدت و عظمت امت اسلامی در حج، می‌تواند روحیه جبهه دشمنان اسلام را در هم بشکند.

رهبر انقلاب اسلامی، تلاش بی‌وقفه و برنامه‌ریزی شده سلطه‌گران را برای پیدا کردن نقاط ضعف و نفوذ در دنیای اسلام، خاطرنشان کردند و افزودند: آنها، به دقت به دنبال برجسته کردن نقاط اختلاف امت اسلامی هستند و «حج وحدت بخش مسلمانان»، این تلاشها را ناکام خواهد گذاشت.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، وحدت را نیاز بسیار جدی دنیای اسلام برشمردند و افزودند: عوامل صهیونیستی و امریکایی، در کمین نشسته‌اند تا هرگاه مسلمانان به یکدیگر نزدیک شدند آنها را به بهانه‌های مختلف «مذهبی، قومی، تعصبات فرقه‌ای و بهانه‌های دیگر»، به جان یکدیگر بیندازند.

رهبر انقلاب اسلامی، علنی شدن دشمنی دستگاه استکبار با اسلام را عاملی برای هوشیاری دنیای اسلام خواندند و هشدار دادند: ملتها و دولتهای اسلامی متوجه و مراقب شیطنت‌ها و توطئه‌های تفرقه‌افکنانه دشمنان باشند چرا که در غیر این صورت، اسلام از دشمنان مستکبر ضربه خواهد خورد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تقویت گرایشهای انحرافی و افراطی نظیر قرامطه‌گری و ناصبی‌گری را در میان شیعه و سنی، از جمله روشهای دشمنان امت اسلامی برای ایجاد تفرقه و اختلاف دانستند و تأکید کردند: ملتها و دولتهای اسلامی با هوشیاری، نیاز عمیق دنیای اسلام را به تفاهم، همدردی و همکاری دریابند و به لوازم «وحدت» پایبند و وفادار باشند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح ظرفیت عمیق حج برای گفتگو و تفاهم درباره مسائل مهم دنیای اسلام از جمله مسئله فلسطین افزودند: صهیونیزم به عنوان یک حزب سیاسی که حتی مورد تبری و نفرت یهودیان است، بیش از ۶۰ سال است سرزمین اسلامی فلسطین و قبله اول مسلمانان را غصب کرده و هر روز جنایت می‌آفریند اما اکثر دولتهای اسلامی در قبال فریاد دادخواهی و کمک مسلمانان فلسطین ساکتند که حرکت عظیم حج می‌تواند در ریشه‌یابی این انفعال و اختلاف، و ایجاد حمایت یکپارچه مسلمانان از ملت فلسطین، کاملاً مؤثر باشد.

رهبر انقلاب اسلامی با انتقاد از فشارها و تضییقاتی که عده‌ای برای زیارت و عبادات زائران ایرانی در مکه و مدینه ایجاد می‌کنند افزودند: از این طرف هم عده‌ای به صورت عکس‌العملی، کارهایی ناصحیح انجام می‌دهند اما این فشارها و این عکس‌العملها، مخالف فلسفه و مصلحت حج است.

ایشان، حج زائران ایرانی را در مقایسه با ۳۰ سال قبل، بسیار غنی و پربارتر خواندند و در عین حال افزودند: این تحولات کافی نیست و باید به گونه‌ای عمل کرد که رفتار هر حاجی ایرانی، نشان دهنده رفتار صحیح «فردی – عبادی، اجتماعی و سیاسی» حج و مظهر همدلی و وحدت امت اسلامی باشد.

رهبر انقلاب اسلامی به عنوان یکی از ابعاد اجتماعی – سیاسی حج، به ضرورت کمک مسلمانان جهان به سیل زدگان پاکستان پرداختند و افزودند: مردم و دولت ایران به همسایگان پاکستانی کمکهایی کرده‌اند که خداوند پاداش خیر خواهد داد اما این کمکها کافی نیست و زائران ایرانی می‌توانند با کاهش هزینه‌های غیرلازم حج، از برادران و خواهران سیل‌زده پاکستانی، غمگساری کنند و با حرف و عمل، حجاج دیگر کشورها را نیز به یاری این مردم رنجدیده دعوت کنند.

نقل‌قول آیت‌الله جنتی از یک عالم در مورد رهبر انقلاب

دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر به نقل قولی از یکی از بزرگان که نام وی منتشر نشده در مورد آیت‌الله خامنه‌ای اشاره کرد و گفت: این عالم بزرگ در خصوص مقام معظم رهبری می‌فرماید «آیت‌الله خامنه‌ای سپهسالار لشکر مولایمان صاحب الزمان (عج) هستند».

آیت‌الله جنتی با تاکید بر اینکه امروز مهم‌ترین امر به معروف ما ولایت فقیه است، تصریح کرد: مهم‌ترین منکر امروز ما تضعیف اسلام و ولایت فقیه است، بزرگ‌ترین امر به معروف وحدت است و بزرگ‌ترین منکر اختلاف و تفرقه است.

ابطحی: تکلیف من را مشخص کنید

یکی از اعضای افراطی مجمع روحانیون مبارز در جلسه‌ای که با برخی اعضای مجمع و برخی اصلاح‌طلبان داشت ضمن افشای این مطلب گفته ابطحی در نامه‌ای به خاتمی خواستار روشن شدن نحوه عضویتش در مجمع و علت عدم دعوت به جلسات مجمع شده است.

این عضو مجمع روحانیون مبارز در این جلسه گفته است؛ بعد از حرف‌هایی که ابطحی در دادگاه زد بعضی از اعضای مجمع نسبت به او دچار تردید شده و دیگر حاضر نیستند وی را به مجمع دعوت کنیم و تهدید کرده‌اند اگر ابطحی به مجمع دعوت شود، آن‌ها از مجمع روحانیون مبارز کناره‌گیری خواهند کرد.

گفتنی است بعد از افشاگری‌های ابطحی در دادگاه و لو دادن پروژه فتنه حامیان موسوی به بهانه تقلب در انتخابات برخی از اعضای افراطی مجمع روحانیون نسبت به ابطحی موضع منفی پیدا کرده‌اند و به خاطر عدم رودررویی با وی به بهانه‌های مختلف مانع از تشکیل جلسات رسمی مجمع روحانیون مبارز شده‌اند و از سوی دیگر ابطحی ادعا می‌کند یک سری حرف‌های مهمی دارد که فقط حاضر است در جلسه رسمی اعضای مجمع روحانیون بیان کند.

پشت پرده دیدار بهزاد نبوی با هاشمی

بهزاد نبوی در جمع گروهی از اعضای سازمان مجاهدین، جزئیاتی از دیدارش با هاشمی رفسنجانی را بیان کرد.

یک عضو سازمان مجاهدین در این زمینه گفت: همزمان با سفر هاشمی رفسنجانی به بابل، بهزاد نبوی هم که در مازندران بوده است ضمن تماس با محمد هاشمی موفق به دیدار با هاشمی رفسنجانی می‌شود.

به گفته این عضو سازمان، بهزاد نبوی در ابتدای جلسه از دیدار هاشمی با خانواده زندانیان تشکر می‌کند و اضافه می‌کند به نظر ما طرح مطالبات باید با سکوت پیگیری شود و جنجال کمکی به حل مشکلات نمی‌کند.

این عضو سازمان در ادامه افزود: یکی از درخواست‌های بهزاد نبوی از هاشمی انجام رایزنی برای بازگشت مجدد سازمان مجاهدین به صحنه سیاسی بوده است. به گفته این عضو سازمان، هدف بهزاد نبوی از دیدار با هاشمی، رصد آخرین نظر نظام درباره انحلال سازمان و چرایی اتخاذ مواضعی از سوی هاشمی در حفظ ثبات و انسجام ملی بوده است.

پرداخت هزینه آرایشگاه همسر «متهم فراری» از اموال دانشگاه آزاد

نماینده مردم تهران گفت: اسناد مالی کشف شده در ساختمان هئیت امنای دانشگاه آزاد نشان می‌دهد که یکی از متهمان فراری با اموال دانشگاه آزاد هزینه آرایشگاه همسر خود را هم می‌پرداخته است.

حمید رسایی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سوال که «قرار بود اسناد محرمانه‌ای که از دانشگاه آزاد پیدا شده بود را به مردم نشان دهید، قضیه به کجا کشید؟»، تصریح کرد: «وزارت اطلاعات نمایشگاهی از این اسناد ترتیب داد و برخی از مسئولان نیز از آن بازدید کرده‌اند اما این که چرا تا به حال این نمایشگاه عمومی نشده به مسئولان برگزارکننده برمی‌گردد.»

وی در همین زمینه خاطرنشان کرد: «انتشار عمومی آن اسناد قابل توجه عموم خواهد بود از جمله محتوای یکی از نوارهای جلسه هیات امنا و همچنین اسناد مالی که در آن مشخص می‌شود یکی از متهمان فراری با اموال دانشگاه آزاد هزینه آرایشگاه همسر خود را هم می‌پرداخته است.»

حجت‌الاسلام‌والمسلمین سعیدی:

ارزش همسران شهدا به حفظ محور ارزشهای شهیدان است

نماینده مقام معظم رهبری در سپاه پاسداران گفت: آنچه باعث نگرانی خانواده شهدایی که در خط ولایت هستند شده این است که برخی خانواده‌های شهدا از گردونه پاسداری از خون شهدا خارج شوند.

حجت الاسلام علی سعیدی نماینده ولی فقیه گفت: ارزش همسر شهید و شخصیت هر فردی به این بستگی دارد که چه میزان پیوستگی خود به این محور را حفظ کرده است. ممکن است یک شخصیت در یک زمان ارزش داشته باشد؛ خانمی در زمانی همسر شهید بود ولی در عصر دیگری دچار تحول فکری شد و در وادی‌ای قرار گرفت که در جهت مقابل رهبری حرکت می‌کند. اینجا دیگر آن ارزش گذشته را ندارد.

تعداد صندلی‌های همیشه خالی در مجلس شورای اسلامی!

مجلس شورای اسلامی ۲۹۰ نماینده دارد که برای تشکیل جلسه علنی حضور حداقل دو سوم نمایندگان یعنی حضور ۱۹۴ نماینده در صحن مجلس الزامی است و حضور کمتر از این تعداد باعث می‌شود که جلسه مجلس حد نصاب و رسمیت نداشته باشد.

نوسان تعداد نمایندگان حاضر در صحن مجلس بین ۱۹۶ تا ۲۰۰ نفر تقریبا تبدیل به یک عادت در مجلس شده است و به صورت مکرر در مجلس شاهد آن هستیم.

بی نظمی در ورود و خروج نمایندگان به مجلس، تأخیر و غیبت نمایندگان باعث ایجاد وقفه در آغاز و ادامه جلسات می‌شود که علاوه بر آنکه بعضا جلسات مجلس را با تاخیر نیم ساعته و یا حتی ۴۵ دقیقه مواجه می‌کند، در برخی موارد هم باعث عدم تشکیل جلسات و یا تعطیلی زود هنگام جلسه مجلس می‌شود.

احتمال بررسی موضوع تحصیل آقازاده‌ها

سخنگوی کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس از احتمال بررسی موضوع دانشجویان ایرانی خارج از کشور و تحصیل برخی آقازاده‌ها در کشورهای دیگر خبر داد.

نورالله حیدری سخنگوی کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی با اشاره به آمار بالای دانشجویان ایرانی در خارج از کشور و تحصیل برخی آقازاده‌ها در کشورهای اروپایی اظهار داشت: درحال حاضر درصد قابل توجهی از آقازاده‌ها در خارج از کشور در حال تحصیل هستند که این موضوع قابل تأمل است.

وی افزود: البته فعلا در کمیسیون برنامه‌ای برای بررسی تحصیل آقازاده‌ها در خارج از کشور نداریم ولی احتمالا بررسی این موضوع در آینده در دستور کار کمیسیون قرار گیرد.

حیدری ادامه داد: نمایندگان مجلس معتقدند که تحصیل آقازاده‌ها در خارج از کشور اثرات منفی برای کشور به دنبال خواهد داشت. بر این اساس نمایندگان تاکید دارند که باید با این مسئله مقابله شود.

توصیه عفت مرعشی به مهدی هاشمی در دبی!

مهدی هاشمی که از وی به عنوان شاه‌کلید حوادث پس از انتخابات نام برده شده، در تماس‌های اخیر خود از انزوا در خارج کشور به شدت ابراز نگرانی کرده است.

مهدی هاشمی در تماسی با نزدیکان خود با ناراحتی از وضعیتی که در آن قرار دارد، تلویحا از بازگشت به کشور سخن به میان آورده و تکاپویی را در میان نزدیکان هاشمی برای جلوگیری از حضور وی در ایران به وجود آورده است.

در پی تداوم تماس‌های وی، عفت مرعشی مادر مهدی هاشمی برای رفع دلتنگی‌ها و تقویت روحیه از دست رفته پسرش به دبی سفر کرد تا شاید مانع از اجرایی شدن تصمیم مهدی شود. وی به مهدی توصیه کرده است تا به مقاومت خود ادامه دهد.

عفت مرعشی در بازگشت از دبی طی اظهاراتی مدعی شد که مهدی هاشمی با افتخار به ایران بازمی‌گردد!

یالثارات

صاحب امتیاز : انصار حزب‌الله

مدیر مسوول : عبدالحمید محتشم

زیر نظر هیات تحریریه عام انصار حزب‌الله

چاپ : رواق

محل توزیع : دکه‌های مطبوعاتی و نمازهای جمعه

آدرس: خیابان جمهوری اسلامی - خیابان ۱۲ فروردین جنوبی - خیابان شهید کمال‌زاده- پلاک ۲۱ - صندوق پستی : ۱۳۱۶۵/۱۷۴

تلفن و دورنگار: (۴ خط) ۶۶۴۶۷۸۸۳

دفاع حامیان فتنه ۸۸ از کاریکاتوریست هتاک

کورت وسترگارد، کاریکاتوریست هتاک دانمارکی، که در سال ۲۰۰۵ با انتشار کاریکاتورهایی درباره پیامبر اکرم(ص) خشم و نفرت بیش از ۱/۵ میلیارد نفر مسلمانان را برانگیخت، اخیرا از سوی مقامات غربی آنچه را «جایزه آزادی و آینده رسانه‌ها» نامیده شده، دریافت کرده است.

با این حال، بخشی از حامیان جریان فتنه ۸۸ به دفاع از این کاریکاتوریست برخواسته و هتاکی وی را در راستای «آزادی بیان» و حق او دانسته‌اند!

«نیک‌آهنگ کوثر» که اکنون مدیریت سایت ضدانقلاب خودنویس را برعهده دارد و با سایت‌های دیگر اپوزیسیون نظیر روزآنلاین نیز همکاری می‌کند، در یادداشتی در سایت خودش، نوشته است: من از حقوق کورت وسترگارد دفاع می‌کنم. وظیفه من این است.

«بی‌بی‌سی» هم حامی خانه سینما شد

شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی در برنامه‌ای به بررسی اختلاف میان خانه سینما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پرداخت و یک طرفه به تحلیل این مسئله پرداخت.

برنامه صفحه ۲ شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی به موضوع اختلافات خانه سینما وزارت ارشاد اختصاص داشت و میزگردی نیز با حضور حسن صلح‌جو و پرویز جاهد در این‌باره تشکیل شد.

در این برنامه همچنین شرکت‌کنندگان به حمایت از اظهارات اصغر فرهادی مبنی بر بازگشت سینماگران فراری پرداختند و دلیل عدم بازگشت این افراد به ایران را به دلیل اظهارتشان در انتقاد از مقامات حکومتی عنوان کردند.

نگرانی سبزها از سفر احمدی‌نژاد به لبنان

ارگان رسمی سبزها نسبت به سفر قریب الوقوع دکتر احمدی‌نژاد به لبنان ابراز نگرانی کرد.

به گزارش جهان، سایت جرس مدعی شد احمدی‌نژاد در این سفر دستورالعمل آغاز درگیری حزب الله با اسرائیل را با خود به منطقه خواهد برد. همه نگرانی‌ها ناشی از رفتن احمدی‌نژاد به لبنان از احتمال سنگ انداختن وی به خاک اسرائیل! هنگام حضور در مرزهای شمالی اسرائیل است.

آنچه در این میان جالب است آشکار شدن ماهیت صهیونیستی گردانندگان حلقه لندن (جرس) است که طی ماه‌های اخیر کوشیده بودند افتضاح شعار «نه غزه، نه لبنان» را بپوشانند و خود را طرفدار ملت فلسطین و شعار هم غزه هم لبنان، و ضد صهیونیست نشان دهند اما حالا از خاک اسرائیل! سخن می‌گویند. مهاجرانی سال گذشته ضمن حضور در واشنگتن در کنفرانس یکی از لابی‌های صهیونیستی شرکت و سخنرانی کرد که بنا بر افشاگری برخی محافل ضدانقلاب، در ازای این کار مبلغی را به عنوان دستمزد دریافت کرد.

سفیر انگلیس در پی دیدار با معاونین رئیس‌جمهور

سفیر انگلیس اخیرا درخواست کتبی خود را برای دیدار با وزرا و برخی از معاونان رئیس‌جمهور از جمله مهرداد بذرپاش، رئیس سازمان ملی جوانان ارسال کرده است.

به گزارش فارس به نقل از یک منبع آگاه، سایمون گس که برای انجام فعالیت‌های خود در کشورمان با تحریم مقام‌ها و افکار عمومی روبرو شده دور جدید تلاش خود را برای شکستن این تحریم‌ها و بازگشت مشروعیت از دست رفته نزد ملت ایران آغاز کرده است.

این درخواست‌ها درحالی صورت می‌گیرد که وی در جهت مشروعیت بخشیدن به حضور خود در ایران قصد دیدار با آیت‌الله یزدی، آیت‌الله خاتمی، مسئولان حزب موتلفه و زریبافان را داشت که با پاسخ منفی قاطعانه آنها روبه‌رو شد.

پیوستن حامی میرحسین به موسسه بوش

سایت جرج بوش از پیوستن یک عضو اتاق فکر میرحسین به یک موسسه آمریکایی خبر داد.

محسن سازگارا که سال‌ها قبل و در پی محکوم شدن در دادگاه خود را به دروغ دچار ناراحتی قلبی معرفی و به بهانه معالجه از کشور فرار کرد در جریان فتنه سال گذشته از حامیان موسوی و محرکین بروز اغتشاش در کشور بود. این عنصر وادادہ که زمانی به همراه بهزاد نبوی فعالیت سیاسی می‌کرد سال گذشته با افرادی مانند مهاجرانی و کدیور سایت جرس را برای حمایت از جریان فتنه راه‌اندازی کرد و همواره یکی از کارشناسان رادیو آمریکا در بررسی مسائل ایران بود.

سایت جرج بوش رئیس‌جمهور سابق آمریکا اعلام کرد محسن سازگارا ۵۵ ساله یک شهروند ایرانی و تبعید شده است (لفظ جدید برای فراریان از وطن) و سال‌ها برای آزادی و مردمسالاری در وطن خود تلاش کرده و هم‌اکنون در آمریکا زندگی می‌کند.

سازگارا هم گفته است مفتخرم که به عنوان یک عضو مهمان و به منظور پیشبرد آرمان آزادی بشر در سراسر جهان و بویژه میهنم ایران به موسسه جرج بوش می‌پیوندم و مشتاق همکاری با موسسه‌ای هستم که به پیشبرد برنامه آزادی بشر می‌پردازد.

هلاکت ۲ نفر از تروریست‌های حادثه سنندج

دو نفر از تروریست‌های میدان آزادی سنندج توسط نیروهای امنیتی به هلاکت رسیدند.

پس از تیراندازی مهاجمان ضد انقلاب و اقدامات پلیس، دو نفر از مهاجمان توسط نیروهای امنیتی به هلاکت رسیدند.

چندروزپیش این مهاجمان در میدان آزادی سنندج در تیراندازی به سمت خودروی نیروی انتظامی و کیوسک راهنمایی و رانندگی ۵ نفر را شهید و ۹ تن را مجروح کردند.

قهر معاون وزیر از مراسم رقص و توهین به رئیس‌جمهور

مراسم جشن ۴۵ سالگی تالار سنگلج در حالی شامگاه ۱۷ مهرماه برگزار شد که در ابتدای این جشن «حمیدرضا شاه آبادی»، معاون هنری وزیر ارشاد که از مدعوین و سخنرانان این مراسم نیز بود، جشن را به حالت قهر ترک کرد.

هر چند «اتابک نادری» مدیر تالار سنگلج ترک سالن توسط معاون وزیر را اینگونه تشریح کرد: ایشان بسیار عذرخواهی کردند اما مجبور بودند برای رسیدن به یک جلسه مهم برنامه را ترک کنند.

اما ماجرای ترک سالن توسط شاه آبادی به گونه‌ای دیگر بوده است: در ابتدای این برنامه قطعه‌ای پیش‌پرده‌خوانی اجرا شد که در این قطعه مسائل روز تئاتر و کشور با زبان طنزآمیز اجرا شد که مورد استقبال تماشاگران قرار گرفت. اما در لابلای انتقاداتی که به شکل ترانه توسط گروه نمایشی اجرا می‌شد یکی از سخنان رئیس‌جمهور که حالت ضرب المثل داشت و چندی پیش نیز سر و صدای زیادی به پا کرده بود، مورد تمسخر قرار گرفت و معاون وزیر ارشاد را مجبور به ترک سالن کرد.

نکته دیگر اینکه معاون هنری وزیر پس از روبرو شدن با مدیر این تالار، نسبت به حرکات موزون یکی از خانمهای بازیگر این قطعه نمایشی نیز اعتراض می‌کند و با عصبانیت از سالن خارج می‌شود.

آمد و شد مشکوک سینماگران ایرانی در سفارتخانه‌ها!

به دنبال بالا گرفتن اختلاف خانه سینما با معاونت سینمایی که با صدور بیانیه‌هایی از سوی طرفین دعوا زبانه آتش اختلافات بالا گرفت، شنیده شده است در کش و قوس این اختلافات، برخی سینماگران از این اختلافات سوء استفاده کرده‌اند.

پس از جمع آوری امضا از سوی برخی هنرمندان سینما در حمایت از مدیران خانه سینما، خبرها حکایت از آن دارد که برخی از سینماگران با سفیر انگلیس در ایران دیدار داشته‌اند.

همچنین طبق اخبار واصله، برخی از سینماگران نیز از مدت‌ها پیش با سفارتخانه‌های دیگری همچون فرانسه در ارتباط بوده و سعی در جذب حمایت‌های مالی این کشور دارند تا پروژه‌های سینمایی خود را در راستای اهداف این سفارتخانه و با کمک مالی آنها در ایران کلید بزنند!

توزیع وصیت‌نامه کوروش در مساجد یزد

اخیرا برگه‌هایی که به عنوان 'وصیت‌نامه کوروش' منتشر شده، به همراه تقدیر و تشکر از مشایی در مساجد برخی شهرهای کشور توزیع شده است.

به گزارش مشرق، اخیرا برگه‌هایی موسوم به وصیت‌نامه کوروش در میان نمازگزاران مساجد برخی شهرهای کشور بویژه تهران و یزد توسط افراد ناشناسی به صورت گسترده توزیع شده است.

براساس این گزارش، در پایان این برگه که به عنوان «وصیت‌نامه کوروش» نامگذاری شده، از تلاش‌های شبانه روزی مشایی و بقایی به خاطر برگرداندن منشور کوروش به کشور از طرف دوستداران کوروش تقدیر و تشکر ویژه شده است!

آغاز فعالیت زود هنگام جریان انحرافی اصولگرایان

ستاد انتخاباتی جریان انحرافی اصولگرایان، رسما فعالیت خود را با انتصاب رئیس ستاد و قائم مقام آن، کلید زد.

به گزارش جوان آنلاین جریان انحرافی اصولگرایان که در بخشی از فعالیت‌های خود دارای تماس با اصلاح‌طلبان و نیروهای تکنوکرات می‌باشد، بیش از ۴ ماه است که ستادهای انتخاباتی خود را تشکیل داده است.

تولید S-۳۰۰ در خاک ایران

یک مقام روس مدعی شد ایران با کمک چین موفق شده است سامانه اس -۳۰۰ روسیه را مشابه‌سازی کند.

به گزارش البرز، روسیا الیوم گزارش داد؛ مدیر شرکت روس تکنولوژی گفت: ایران هم اکنون به سامانه موشکی اس -۳۰۰که تاکنون در انحصار روسیه بود دست پیدا کرده است.

سرگئی چمیزوف با بیان این مطلب اورده است: ایرانیها با کمک چین موفق شده‌اند سامانه‌ای مشابه سامانه اس-۳۰۰ روسیه را شبیه‌سازی کنند.

وی مدعی شد: چینی‌ها از روی سامانه خریداری شده کپی‌برداری کرده و درساخت آن توسط ایران همکاری کرده‌اند.

فعالیت ۲۳۰ سایت داخلی و خارجی علیه هدفمند کردن یارانه‌ها

لطف‌الله فروزنده، معاون رئیس‌جمهور و قائم مقام جمعیت ایثارگران در یازدهمین نشست سیاسی جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی در بخش از سخنانش با اشاره به مسئله هدفمند کردن یارانه‌ها و اهمیت آن گفت: مهمترین مسئله در اجرایی کردن این قانون، آرامشی است که باید به مردم داده شود زیرا در حال حاضر ۲۳۰ سایت داخلی و خارجی علیه قانون هدفمند کردن یارانه‌ها فعالیت می‌کنند.

عصبانیت شدید ضدانقلابیون از حوزه‌های علمیه

حوزه‌های علمیه و مراجع تقلید نه تنها از سران جنبش سبز و بازداشت شدگان حوادث سال گذشته حمایت نکردند بلکه در مواردی علیه آنها موضع گرفتند و آتش بیار معرکه شدند.

روزنت نوشت: سران جنبش سبز بارها رهبران مذهبی و مراجع تقلید و روحانیون را دعوت به همراهی کردند اما متاسفانه پاسخ درخوری نیافتند. تاسف بارتر اینکه حوزه‌های علمیه در طول سال گذشته، خود آتش بیار معرکه شدند و شعله‌های آن را فروزانتر کردند.

این سایت ضدانقلابی خود یکی از محافل آتش افروز در فتنه و آشوب سال گذشته بود و در مقاطع مختلف مطالب ضدمذهبی و ضدفقهی متعددی را منتشر کرده که از آن جمله اهانت‌های تروریست‌های اجیرشده‌ای نظیر سروش و گنجی و... علیه فقها و روحانیت و قرآن و وحی و عصمت پیامبر(ص) و انکار امام زمان(عج) بوده است. سروش از جمله به مرحوم حضرت آیت‌الله مشکینی(ره) حمله کرده و فقه و فقها را با عملکرد گروهک آمریکایی طالبان مقایسه کرده بود!

خاتمی دنبال دور زدن موسوی و کروبی است

عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی گفت: خاتمی در تلاشی دوباره و باازسرگیری فعالیت‌های سیاسی خود در قالب بنیاد فرهنگی باران و اتخاذ مواضعی جدای از موسوی و کروبی قصد بازگشت به قدرت را دارد.

محمدرئوف قادری با اشاره به مواضع اخیر خاتمی و از سرگیری فعالیت‌های سیاسی اش اظهار داشت: تلاش خاتمی برای احیای بنیاد باران در جهت انجام فعالیت سیاسی در یک مرکز فرهنگی تلاشی در جهت بازگشت به قدرت از جانب وی تعبیر می‌شود.

عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی با اشاره به تشدید اختلافات بین خاتمی، موسوی و کروبی تصریح کرد: خاتمی با گردشی سیاسی خلاف ادعاهای قبلی اش و با اتخاذ مواضعی متفاوت از موسوی و کروبی در صدد بازگشت به صحنه قدرت می‌باشد.

تمبر مقام معظم رهبری در آذربایجان نایاب شد

تمبر منقش به دیدار حیدر علی‌اف رئیس‌جمهوری آذربایجان با مقام معظم رهبری چندی پس از انتشار با استقبال مردم این کشور مواجه و اکنون نایاب گردیده است.

به گزارش جهان، شرکت پست کشور آذربایجان به‌مناسبت بزرگداشت «حیدر علی‌اف» رئیس‌جمهوری فقید آذربایجان، بلوک تمبر یادبودی منتشر ساخت که در آن تصویری از دیدار علی‌اف با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که در جریان سفر وی به تهران و شرکت در اجلاس سران کشورهای اسلامی صورت گرفته بود، دیده می‌شود.

در این مجموعه تمبر که مربوط به دیدار علی‌اف با رهبران جهان است، تصویری از پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران و همچنین تصویری از حضرت امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران نیز دیده می‌شود.

اعتراض طلاب حوزه‌های علمیه به عدم محاکمه سران فتنه

کمپین ۵ هزارنفری طلاب حوزه‌های علمیه شهر تهران در اعتراض به عدم محاکمه سران داخلی فتنه تشکیل شده است.

هدف از تشکیل این کمپین واکنش به حوادث پس از انتخابات و عدم محاکمه سران فتنه به عنوان یک مطالبه عمومی است که از طلاب حوزه‌های علمیه تهران شروع شده و در سایر اقشار و طیف‌های مردم نیز ادامه خواهد داشت.

در این طومار که به ریاست قوه قضائیه تقدیم خواهد شد، آمده است: «ما امضا کنندگان که جمعی از طلاب علوم دینی شهر تهران می‌باشیم، مصرانه از آن مقام محترم خواستاریم که هر چه زودتر بر طبق موازین شرعی و انقلابی به پرونده سران فتنه سال ۸۸ (موسوی، خاتمی، کروبی) رسیدگی نمایند و در این راستا از کلیه اقدامات انقلابی آن قوه محترم کمال حمایت را به عمل می‌آوریم.»

تأکید دبیر کل حزب‌الله لبنان بر استقبال پرشور از رئیس‌جمهور ایران

دبیرکل حزب الله لبنان با بیان اینکه محمود احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهوری اسلامی ایران و نماینده انقلاب اسلامی به لبنان می‌آید، گفت: ما در روز اول دیدار احمدی‌نژاد از لبنان در مراسم بزرگ مردمی در ورزشگاه الرایه در جنوب بیروت از ایشان استقبال می‌کنیم و سپس آقای احمدی‌نژاد از جنوب دیدن می‌کند اما به دلیل محدودیت وقت از بقاع نمی‌توانند دیدن کنند.

وی با اشاره به شایعه پرتاب سنگ توسط رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به سمت اسرائیل گفت: حق آقای احمدی‌نژاد این است که بیشتر از یک سنگ پرتاب کند اما اساسا این موضوع اصلا مطرح نبوده است.

سیدحسن نصرالله از همه خواست که به طور فعال در مراسم استقبال از رئیس‌جمهوری ایران شرکت کنند چراکه این امر یک وظیفه اخلاقی و تشکر از کسی است که در کنار لبنان ایستاده است.

ابلاغ رای دادگاه درباره انحلال مشارکت و مجاهدین

محمود عباس زاده مشکینی با بیان اینکه رای دادگاه درباره انحلال دو حزب مشارکت و مجاهدین به دبیرخانه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب ارسال شده است، اعلام کرد که کمیسیون متبوعش رای دادگاه را به موسسان این دو حزب منحل شده ابلاغ خواهد کرد.

وی با بیان اینکه رای دادگاه درباره انحلال دو حزب مذکور «قطعی» است، اعلام کرد: این رای به دبیرخانه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب ارسال شده است.

آقای عباس زاده مشکینی در ادامه به نامه نگاری‌های احزاب مجاهدین و مشارکت اشاره کرد و اظهار داشت: به طور طبیعی حزبی که منحل شده دارای هویت حقوقی نیست و هر گونه تعامل و فعالیت از جمله مکاتبه با عنوان حزب، محملی ندارد.

تبلیغ همجنسگرایی و فساد اخلاقی در یک رادیو فرهنگی!

ارگان رسمی پارلمان هلند برای جبران ریزش شدید مخاطبان خود دست به یک اقدام غیراخلاقی عجیب زده است تا بلکه بتواند با جذب برخی مفسدین اخلاقی، آمار مخاطبان خود را بالا ببرد.

رادیو زمانه که ردیف بودجه مخصوصی در مجلس هلند دارد و از سوی این نهاد رسمی حمایت می‌شود، در مطلبی به معرفی مفصل یک وبلاگ ویژه انتشار داستان‌های پورنو و غیراخلاقی پرداخته و ضمن مصاحبه با نویسنده این وبلاگ مستهجن، مخاطبان خود را به ساخت وبلاگ‌هایی با چنین محتوایی ترغیب کرده است.این سایت ضدانقلاب که به عنوان یکی از پایگاه‌های اصلی حامیان میرحسین موسوی در فضای مجازی و اینترنت شناخته می‌شود، در پایان هم ضمن اعتراف به مشکلات عدیده پزشکی که وابستگی به این سایت‌ها برای مخاطب ایجاد می‌کند، به مخاطبان خود توصیه کرده که حتما از این سایت‌های غیراخلاقی استفاده کنند ولی اسراف نکنند!

دلسوزی خانم بی‌حجاب برای هتک حرمت حجاب اسلامی!

مشاور سابق وزرای دولت اصلاحات و همکار فعلی نهادهای وابسته به وزارت امور خارجه آمریکا، از آنچه توهین به «غیرت و ناموس زنان ایرانی» نامیده، انتقاد کرده است.

فریبا داوودی مهاجر که سابقه عضویت در شورای مرکزی سازمان غیر قانونی ادوار تحکیم را در کارنامه خود دارد، در یادداشتی که در سایت ضدانقلاب روزآنلاین منتشر شده، انتشار عکس‌هایی از مانور اخیر نیروی انتظامی که در آن برخی افراد این نیرو خود را شبیه زنان آشوبگر فتنه ۸۸ گریم کرده بودند را نشانه بی‌غیرتی مسئولان ایرانی دانسته است!

البته این مطلب بامزه درحالی از سوی خانم مهاجر مطرح شده که وی چندی پیش، رسما در یک برنامه تلویزیون دولتی آمریکا دست به کشف حجاب زد؛ مساله‌ای که پخش فیلم آن از رسانه ملی بازتاب گسترده‌ای در میان افکار عمومی داشت.

احمدی‌نژاد:

روزانه ۱۰۰ نامه مردمی می‌خوانم

رئیس‌جمهور با بیان این‌که یک دوستی می‌گفت نامه‌هایی که مردم برای حل مشکلات‌شان به ما می‌دهند یک هدیه و یک برگه عبور است، گفت: در واقع این یک فرصت الهی است که در اختیار ما قرار گرفته تا به مردم کمک و مشکلات را حل کنیم. البته باید بر اساس قانون کار افراد را راه انداخت و مشکلات را حل کرد.

احمدی‌نژاد با بیان این‌که من نامه‌های مردمی زیادی می‌خوانم و روزانه بین ۵۰ تا ۱۰۰ نامه مردمی می‌خوانم، گفت: بعضی اوقات می‌بینید که با ۲۰۰ - ۳۰۰ هزار تومان زندگی یک فرد زیر و رو می‌شود. مثلا فرضا فردی برای یک ترم دانشگاهش پول ندارد قصد داشته تا تحصیل را رها کند ولی وقتی که هزینه یک ترم دانشگاه آن تامین می‌شود در زندگی او خیلی تاثیرگذار است.

وعده رهبر مسلمانان آمریکا به احمدی‌نژاد

دکتر محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهوربا اشاره به دیدار خود با رهبران مسلمانان آمریکا گفت: یکی از آنها گفت که ما سیاهان سختی‌های زیادی را در آمریکا متحمل شدیم و همواره آرزو داشتیم که یکی از جنس ما رئیس‌جمهور آمریکا شود و وقتی یک سیاه‌پوست رئیس‌جمهور شد خیلی خوشحال شدیم و دوست داشتیم که او موفق شود اما امروز اعلام می‌کنم که ایران سرزمین آرمانی ماست و اگر حکومت آمریکا بخواهد در مقابل ایران بایستد ما در کنار ایران خواهیم ایستاد.

آغاز به کار ستاد شایعه علیه هدفمند کردن یارانه‌ها

جریان فتنه که برای اخلال در هدفمند کردن یارانه‌ها به برنامه‌ریزی پرداخته و بنابر فتنه انگیزی در این زمینه دارد، اقدام به تشکیل ستادی برای شایعه‌سازی در این زمینه کرده است.

به گزارش جوان آنلاین، شایعاتی که برای طرح هدفمندی یارانه‌ها در اطاق فکر فتنه ساخته و پرداخته شده است، قرار است به زودی ودر مقاطع اجرای طرح هدفمندی یارانه‌هادر جامعه توزیع ودر جهت برهم زدن ثبات و نظم جامه و تشویش آفرینی هزینه شود.

گفتنی است جریان شکست‌خورده فتنه، مصمم است به اشکال مختلف در اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها اختلال ایجاد نماید وبرای این منظور خودرا با تشدید فعالیتهای رسانه‌ای ضد انقلاب هماهنگ نموده‌است.

به گفته قائم مقام جمعیت ایثارگران، هدفمند کردن یارانه‌ها تکلیف دولت‌های خاتمی و هاشمی هم بوده که این دولت‌ها آن را اجرا نکردند و خاطرنشان کرد: دولت نهم و دهم این تکلیف را اجرا کرد و برکات آنرا هم می‌بینیم و اگر بحث هدفمند کردن را پیگیری نمی‌کردیم با مشکلات زیادی مواجه می‌شدیم زیرا این مسئله تاثیر بسیار اساسی بر بخش‌های مختلف خواهد داشت.

چندی پیش، حجت‌الاسلام میرتاج‌الدینی، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور از تشکیل ستادهایی از سوی فتنه‌گران برای اخلال در اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها خبر داده بود که وزیر اطلاعات این اخبار را تائید کرده است.

جعل نام خلیج فارس، این بار در ایران!

در حالی که تحریف نام رسمی، تاریخی و بین‌المللی خلیج فارس با دسیسه‌های دشمنان ایران هر روز ابعاد تازه‌تری پیدا می‌کند، در کنفرانسی که یکی از دست‌اندرکاران آن سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری بوده است متاسفانه باز هم شاهد به کارگیری نام جعلی برای خلیج‌فارس بوده‌ایم.

به گزارش تابناک، در این کنفرانس که در روز ۱۱مهرماه در هتل المپیک برگزار شده مهندس ج. در سخنرانی خود به بهانه معرفی مناطق رویشی نیمه گرمسیری جنوب ایران از واژه جعلی برای خلیج فارس استفاده کرد.

تکرار دوباره این واژه توسط نامبرده با واکنش شدید بسیاری از حاضران در جلسه جهت اصلاح این واژه مواجه شد که متاسفانه هم نامبرده و هم مسئولان نهاد غیردولتی برگزار کننده همایش، که داعیه حفظ میراث طبیعی و گردشگری کشور را دارند، به‌رغم چندین بار تذکرات کتبی شرکت کنندگان با مسامحه و بی‌توجهی آشکار به هویت ملی ایرانی از عذرخواهی و اصلاح واژه تحریف شده نام خلیج فارس سر باز زدند و بدین گونه نشان دادند از حفظ بدیهی‌ترین و اصلی‌ترین عنصر هویت‌ملی و میراث‌معنوی ایرانی یعنی نام خلیج فارس عاجز بودند.

کدیور:

مجلس خبرگان باید از نظرات من پیروی کند وگرنه غیرقانونی است!

یکی از اعضای اصلی اتاق فکر لندن که چند سالی است به کشورهای غربی پناهنده شده، هدف خود از نگارش نامه‌های توهین‌آمیز علیه مسئولان کشور را تهیه یک سند حقوقی علیه جمهوری اسلامی ایران دانسته است.

«محسن کدیور» که به همراه عطاءالله مهاجرانی و عبدالکریم سروش، وظیفه اصلی حمله به اعتقادات اسلامی و مذهبی مردم در جمهوری اسلامی ایران و متهم کردن نظام به استبداد دینی را در فتنه ۸۸ برعهده داشت و در واکنش به پاسخ مستدل یکی از پژوهشگران به نامه توهین‌آمیز او درباره مقام معظم رهبری، از پاسخگویی طفره رفت، در جدیدترین مصاحبه خود با سایتی که خودش سردبیر آن است خواستار همراهی آقای هاشمی رفسنجانی با خود شده است.

کدیور در این مصاحبه در ادعایی جالب، از اعضای مجلس خبرگان خواسته تا به مطالب توهین‌آمیزی که در نامه او به هاشمی رفسنجانی مطرح شده عمل کنند و اظهار داشته است که «اگر مجلس خبرگان قرار بود به وظایف قانونی‌اش عمل کند، می‌بایست این شیوه، شیوه‌ای که در این نامه پیش گرفته شده، دنبال کند»!

کپی‌برداری «قهوه تلخ» از رمان قبل از انقلاب

بر خلاف شبهای برره که به نوعی ابتکار نویسندگان مجموعه به شمار می‌رفت سریال قهوه تلخ نه تنها ابتکاری نبوده بلکه سطحی نازل از یک رمان معروف و پرفروش در زمان طاغوت می‌باشد.

رمان «ماشالله خان در بارگاه هارون الرشید» نوشته ایرج پزشکزاد نوشته‌ای است که آخرین ساخته مهران مدیری سایه به سایه آن حرکت کرده و از آن کپی برداری کرده است.

ایرج پزشکزاد نویسنده رمان ماشالله خان نویسنده داستان معروف دایی جان ناپلئون است که سریال آن نیز توسط ناصر تقوایی در زمان طاغوت ساخته و پخش شد. پزشکزاد پس از انقلاب به جمع ضد انقلاب پیوسته و تا به امروز در زمره مخالفان نظام اسلامی به شمار می‌رود.

حاشیه‌های یک دیدار

هواداران تیم ملی «سبزها» را فراری دادند

همزمان با بازگشت خبرنگاران اعزامی ایرانی به امارات، برخی حاشیه‌های این سفر نیز در محافل خبری منتشر شد. اما به جز این اخبار که در روزهای گذشته منتشر شده، موارد دیگری هم در حاشیه این بازی وجود داشت که به دلیل حجم بالای اخبار اصلی به چشم رسانه‌ها لااقل در این دو روز نیامده است!

عده‌ای از افراد فرصت‌طلب به دنبال فرافکنی بودند و قصد داشتند فضای ورزشگاه را به سمت و سوی سیاسی ببرند تا برای رسانه‌های بیگانه خبرسازی کنند، اما واکنش پلیس ابوظبی باعث شد این افراد که با لباس‌های سبزرنگ به ورزشگاه آمده بودند خیلی زود ورزشگاه را ترک کنند و عطای اقدام ضدملی را به لقایش ببخشند، البته تعدادی از این افراد پس از برخورد پلیس ابوظبی لابه‌لای جمعیت پنهان شدند تا از دید پلیس امارات پنهان بمانند اما واکنش تماشاچیان ایرانی سبب شد این افراد از میان جمعیت حاضر در جایگاه طرد شوند و به گوشه‌ای از استادیوم که کسی آنجا حاضر نبود، بروند.

از حاشیه‌های مهم این بازی اینکه برخلاف دوربین‌های تلویزیونی که بازی را برای جهان پوشش می‌دادند، دوربین صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در ضلعی قرار گرفته بود که حامیان اصلی را پوشش نمی‌داد. یکی از حامیان اصلی این مسابقه، کارخانه مشروب‌سازی کارلزبرگ بود. دیگر حامی مالی این بازی دوستانه، وست بانک است که دارای مالکیت انگلیسی - صهیونیستی است. بیشتر سهام این بانک که نفوذ گسترده‌ای در شبکه مالی خاورمیانه دارد، متعلق به صهیونیست‌ها یا یهودیانی است که ارتباط نزدیکی با رژیم اشغالگر داشته‌اند. در دیگر سو، یک شبکه ماهواره‌ای قرار داشت که بیشتر به پخش موزیک می‌پردازد.

پاسخ جالب کدخدایی به یک سوال جنجالی

اصرار برخی رسانه‌ها بر پرداختن به موضوع جایگاه مجلس در میان سه قوه، سپس اظهارات خبرساز برخی نمایندگان مجلس در این راستا، این موضوع را برای چندین روز به مسئله اصلی برخی سیاسیون تبدیل کرده بود، به طوری که سخنان کدخدایی درباره جایگاه قوا به طور حتم این عده را غافلگیر کرده است.

عباسعلی کدخدائی، سخنگوی شورای نگهبان، در یک نشست خبری در پاسخ به سوال خبرنگاری مبنی بر اینکه نظر شورای نگهبان نسبت به اظهار نظر مطرح شده درباره اینکه مجلس در راس امور نیست چه می‌باشد گفت: در چارچوب قانون اساسی همه قوا و سایر نهادها اختیارات و وظایف مشخصی دارند.

کدخدایی افزود: اینکه بگوئیم کدام یک از قوا در رأس قوای دیگرند فکر نمی‌کنم مشکلی را حل کند.

نامه ویژه کمیسیون امنیت ملی به احمدی‌نژاد

نایب رئیس اول کمیسیون امنیت ملی مجلس با تاکید بر این که جریان فتنه و سلطه‌گران خارجی در تلاشند تا اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها را با مشکل مواجه کنند، از نامه کمیسیون متبوعش به رئیس‌جمهور برای اطلاع‌رسانی دقیق درباره این قانون از طریق رسانه‌ها خبر داد.

حجت‌الاسلام حسین ابراهیمی نماینده مردم بیرجند و نایب رئیس اول کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با فارس اظهار داشت: در این جلسه موضوع قانون هدفمندسازی یارانه‌ها با حضور معاونان وزارتخانه‌های کشور و اطلاعات بررسی و در این خصوص بحث و تبادل‌نظر شد.

وی افزود: در این جلسه پس از بحث و بررسی جوانب و ابعاد مختلف اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، بر اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف و به موقع مردم از نحوه اجرای این قانون و متوجه کردن خواص کشور برای اطلاع‌رسانی بیشتر مردم در این باره از سوی آنان، تأکید شد.

سیاست به روایت همولایتی

Hamvelayati3@Yahoo.com

کدام سوره؟

این نکته از بدیهیات است که دانشگاه سوره وابسته به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی هیچ ارتباط یا وابستگی به نظام جمهوری اسلامی ندارد!

چرا؟ چون بعضی کارمندان زن آن (مثلا قسمت آموزش‌های آزاد) چنان با خیال راحت آرایش کرده و زلف پریشان می‌کنند که آدم وقتی آنها را در آنجا می‌بیند احساس می‌کند این دانشگاه به بنیاد هنری فرهنگی فرح پهلوی وابسته است نه حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی!

شاید هم این شیوه (آزاد بودن بی‌حجابی در دانشگاه سوره برای دانشجویان دختر و کارمندان زن!) یک روش فوق مدرن برای تبلیغات اسلامی است که سواد ما برای فهم آن کافی نیست! در هر حالت از ریاست محترم سازمان تبلیغات اسلامی، ریاست معزز حوزه هنری و ریاست ارجمند دانشگاه سوره به دلیل اهتمام ویژه به ارزشهای اسلامی سپاسگزاریم!

استاندار نمونه

جعفر قادری (نماینده مجلس):

۱- با گذشت یک سال از انتصاب استاندار فعلی فارس، هنوز از چهار معاونت استانداری سه معاونت توسط سرپرست اداره می‌شود و استاندار هنوز نتوانسته افرادی را برای تصدی این سمت‌ها پیدا و معرفی کند. این در حالی است که بسیاری از شهرستان‌های استان فارس در طول یک سال اخیر فاقد فرماندار بوده‌اند و استاندار نتوانسته و یا نخواسته برای این شهرستان‌ها فرماندار منصوب کند! این وضعیت حتی در شرایط جنگی نیز در این استان سابقه نداشته است!

۲- یکی از نمایندگان فارس در مجلس شورای اسلامی ضمن سخنرانی خود در یکی از شهرستان‌های این استان به نقد برخی عملکردهای دولت پرداخت. بلافاصله پس از این سخنرانی، فرماندار شهرستان مذکور از جانب استاندار عزل شد، دلیل این عزل سخنان انتقادی نماینده مجلس در آن شهرستان عنوان شده است! (آفتاب یزد ۸۹/۷/۱۳)

حواشی:

الف) وقتی بسیاری از دلسوزان از انتصاب یک جوان بی‌تجربه، غیر بومی و ناآشنا به مشکلات استان به عنوان استاندار فارس نگران بودند و به اشکال مختلف این نگرانی را ابراز می‌کردند از ۱۷ نماینده استان فارس هیچ خبری نبود! هیچ کس هیچ اعتراضی نکرد خوب است همین جناب قادری بفرمایند آن موقع کجا بودند و چه می‌کردند؟ چون آن روزها (سال گذشته همین روزها!) از سنگ صدا در آمد اما از نمایندگان فارس صدایی شنیده نشد!

ب) وقتی جناب رئیس جمهور می‌فرمایند دولت ایشان آزادترین دولت پس از انقلاب است و نقد آن هیچ هزینه‌ای ندارد و از همه دولت‌ها بیشتر پذیرا و شنوای نقد منتقدین است بایستی یک مصداق عملی برای این فرمایشات پیدا کرد! چه مثال و مصداقی بهتر از عزل فرماندار به جرم سخنان نماینده مجلس از سوی استاندار نمونه!

باغ فدک

یک جایی در شهرک غرب (شهرک قدس سابق!) وجود دارد به نام باغ فدک متعلق به آستان قدس رضوی که این عنوان به صورت خیلی درشت (مثلا فونت ۵۰۰) در سر در آن قابل مشاهده است! در این باغ تفریحات خیلی گران ویژه دخترهای بی‌حجاب عرضه می‌شود البته به این شرط که به همراه هر دختر بی‌حجاب یک دوست پسر خفن هم موجود باشد!

در همین راستا تعداد معدودی از مومنین خواهش کرده‌اند عنوان این موسسه از باغ فدک به «لاو گاردن» تغییر پیدا کرده و نام آستان قدس هم از سر در آن حذف شود تا بیشتر از این به نام مبارک فدک و عنوان مقدس آستان قدس توهین روا نشود!

بهبودی

معاون نیروی انتظامی: وضعیت حجاب در کشور رو به بهبودی است!

و از ابتدای خرداد ماه سال جاری طرح عفاف و حجاب بسیار حساب شده و دقیق اجرا شده و با افرادی که به صورت مانکن و کاملاً هدفمند به هنجارشکنی در جامعه می‌پردازند به شدت برخورد شده است! (کیهان ۸۹/۷/۷)

* با توجه به وضعیت فعلی حجاب در مملکت که با تلاش‌های شبانه‌روزی عزیزان ناجا، قوه قضائیه و حمایت همه جانبه دولت خدمتگزار، بی‌حجابی و کشف حجاب به یک امر عادی و پیش پا افتاده تبدیل شده و دیگر دیدن خانم‌هایی با بازوهای برهنه و سرهای بدون روسری در کوچه و بازار و شنای مختلط در سواحل مملکت موجب تعجب هیچ فردی نمی‌شود، سخنان سردار بزرگوار را بایستی به یکی از شکل‌های زیر تفسیر و توجیه کرد!

۱- شاید در نظر سردار کلمه «بهبودی» به معنای «بدتر شدن» و افتضاح شدن باشد!

۲- شاید هم ایشان گفته‌اند «وضعیت بی‌حجابی در کشور رو به بهبودی است»و خبرنگار درست نشنیده و بی‌حجابی را حجاب نوشته است!

۳- شاید هم سردار وضعیت حجاب کشور را با سواحل لختی‌ها در آنتالیا مقایسه کرده و چنین نتیجه‌ای گرفته‌اند!

٤- البته یقین داریم طرح عفاف و حجاب مورد نظر سردار که از ابتدای خردادماه سال جاری و بسیار حساب شده به اجرا گذاشته شده به صورت کاملاً «نامحسوس» بوده تا آنجا که هیچ‌کس (نه از مؤمنین و نه از فاسقان) متوجه اجرای آن نشده و حتی زن‌های بی‌حجاب و بی‌بند و بار در تهران و کیش و قشم و دریا کنار و... هم اجرای آن را حس نکرده‌اند! چون امسال آزادتر از سال‌های پیش و حتی راحت‌تر از زمان دوم خرداد به برهنگی در ملاء عام پرداختند!

۵- البته منظور از «برخورد شدید» هم احتمالاً نگاه چپ چپ مأموران مبارزه با بی‌حجابی ناجا به مانکن‌ها و زنان بی‌حجاب فراوان در کوچه و بازار از پشت مانیتورهای مرکز کنترل ناجا بوده است که در نوع خود شدیدترین برخورد با افراد «هنجارشکن» محسوب می‌شود.

٦- برای این سردار سرافراز و عزیزان ناجا و عدلیه و دولت عاقبت به خیری آرزومندیم!

امتنان و سپاس

۱- از برادر ضرغامی که سیمای ایشان محل هنرنمایی خانم‌های هنرمند و کشف حجاب کرده‌ای مثل (م.ح) شده است کاملاً و به صورت تمام بهداشتی سپاسگزاریم! ان‌شاءالله که خداوند ایشان را با ایشان محشور بفرماید!

۲- از حسن توجه ریاست محترم جمهور به برنامه رنگین کمان (برنامه ویژه کودکان و خردسالان شبکه تهران) بویژه توجه ویژه ایشان به خاله نرگس و گربه ایشان (جناب پنگول) عمیقاً و به صورت صددرصد اتوماتیک ممنونیم! ان‌شاءالله در پرتو توجهات ایشان خاله نرگس و گربه ملوس ایشان هر روز بیشتر از دیروز شاد و سرافراز و سربلند باشند! در ضمن از جناب رییس‌جمهور خواهشمندیم کما فی‌السابق و مانند گذشته وقت ارزشمند خود را به جای توجه به انتقادات کارشناسی و تخصصی منتقدین متدین و دلسوز دولت به برنامه‌های جذاب خاله نرگس و پنگول خان اختصاص بدهند که شدیداً مایه امتنان خواهد بود.

۳- مجدداً از جناب ضرغامی بابت ساخت برنامه‌هایی به شدت بی‌محتوا و ضدارزشی مانند مسابقه آشپزی ویژه کودکان در شبکه دوم سیما تشکر آگینیم! ان‌شاءالله تداوم چنین برنامه‌هایی باعث تشدید اختلافات طبقاتی، تحقیر کودکان، خانواده‌های مستضعف، ترویج روحیه بی‌دردی و اسراف، گسترش رقاصی با موسیقی خالص بزن و بکوب راک، جاز و پاپ و دوری بیش از پیش نسل پنجم انقلاب از ارزش‌های اسلامی و الهی بشود! عزت جان! باز هم متشکریم!

٤- از ریاست محترم دانشگاه تهران که در ظل عنایات ایشان بی‌حجابی در عالی‌ترین و به روزترین شکل آن در دانشگاه تهران نهادینه شده، به صورت خیلی زیاد ممنون ناکیم! ان‌شاءالله سایه حمایت ایشان بر سر دختران بی‌حجاب مشغول تبرج در دانشگاه مستدام باشد!

پسر و پدر

خبر ۲۰:۳۰ پنج‌شنبه ۸۹/۷/۱۵: پسر آقای رحیم مشایی با حضور در سایت ضدانقلابی، جاسوس‌پرور و آمریکایی فیس‌بوک بیان داشته به «قلیان»، «کورش کبیر» و «سگ لوک خوش‌شانس» شدیداً علاقمند است!

۱- پسر کو ندارد نشان از پدر!

۲- تره به تخمش می‌ره و حسنی به باباش!

۳- توقع داشتید پسر قطب دایره دولت و مرشد کامل حضرت مستطاب جناب اسفندیارجان مشایی عاشق انقلاب و ارزش‌های اسلامی و انقلابی باشد؟

٤- تعجب اینجاست که با این همه کمالات چرا از این «آقازاده» ارزشمند جهت ریاست سازمان ملی جوانان یا وزارت آموزش و پرورش استفاده نمی‌شود؟

چرا که حضور این آقازاده با این تفکرات و علاقمندی‌ها در رأس چنین مناصبی بدون شک به گسترش ارزش‌های مورد نظر دولت دهم در میان جوانان مملکت منجر خواهد شد!

عقلانیت و درایت

۱- احمدی‌نژاد: ملت ایران ثروتمندترین ملت‌هاست و ذخایر ارزی و پولی امروز کشور در طول تاریخ بی‌نظیر است. (خبرگزاری فارس)

۲- احمدی‌نژاد: از همان روز اول اجرای طرح هدفمندکردن یارانه‌ها وضعیت زندگی مردم بهبود می‌یابد. (خبرگزاری فارس)

۳- چند نفری که ستاد تشکیل داده‌اند تا در زمان اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها به ملت ایران لطمه بزنند بدانند که دستشان را برای همیشه از سر ملت ایران کوتاه می‌کنیم.(خبرگزاری فارس)

* درباره این فرمایشات به عقل سلیم رجوع کردیم فرمودند:

الف- زدن چنین حرف‌هایی توقع مردم از دولت را بسیار بالا خواهد برد و برای نظام دردسر خواهد ساخت! وقتی رییس‌جمهور ادعا می‌کند ایران چقدر ثروتمند است و اوضاع پولی دولت عالی است، مردم به صورت منطقی خواهند پرسید پس چرا این همه فقیر در کشور وجود دارد؟ چرا ٤٠ درصد مردم زیر خط فقر یا حوالی آن زندگی می‌کنند؟ پس این همه ثروت چه می شود و کجا می‌رود؟ چرا دولت از این همه پولی که دارد در جهت بهتر شدن اوضاع اقتصادی زندگی مردم استفاده نمی‌کند؟ و صدها سوال و شبهه مانند اینها! چرا عاقل کند کاری که بر پا سنگش آید؟

ب- وقتی چند هفته بعد طرح قطع یارانه‌ها اجرا شود و اوضاع مردم بهتر نشود که نخواهد شد! (آن هم با این سرعتی که رئیس جمهور وعده داده است!) آن وقت مردم به چه کسی بدگمان خواهند شد؟ قبول داریم که چاره‌ای جز اجرای این طرح نیست و دولت دیگر پولی برای یارانه دادن ندارد اما کدام عاقلی باور می‌کند که از فردای اجرای طرح هدفمندی اوضاع مردم آن جوری که رئیس جمهور گفته بهتر شود؟ در این میان و با این وعده احساسی و غیرواقعی آبروی چه کسی خواهد رفت؟

ج) البته قبلا هم رئیس جمهور در چند مورد از کشف چند ستاد با هدف ضربه زدن به دولت تا گران کردن مسکن و... خبر داده و تهدید به قطع دستان اعضای این ستادها نموده بود اما هنوز که هنوز است هیچ خبری نشده! لذا ملت حواسش هست که اعضای ستاد ضربه زدن به ملت در هنگام اجرای هدفمندی یارانه‌ها هم به احتمال زیاد مانند اعضای ستاد فوق‌الذکر به بایگانی جیب بغل کت آقای احمدی‌نژاد خواهد پیوست و هیچ‌گاه یاد و نامی از آنها مطرح نخواهد شد!

خب، مرد مومن! کسی از شما توقع ندارد با اجرای هدفمندی یارانه‌ها معجزه‌ای صورت بگیرد! بدون تردید قطع یارانه‌ها فشار بر اقشار مستضعف را افزایش خواهد داد اما چاره‌ای جز اجرای این طرح وجود ندارد و بایستی این طرح خطیر اما لازم و ضروری اجرا شود! این طور وعده دادن و ادعا کردن و مشکلات آینده را به گردن فلان ستاد (احتمالا خیالی!) انداختن نه تنها به حل مشکلات منجر نخواهد شد بلکه توقعات و شبهات را افزایش خواهد داد و در دراز مدت برای نظام دردسر خواهد آفرید! آیا بهتر نیست با تمسک به رویه حضرت امام مردم را صادقانه در جریان اصل مطلب قرار داد و از امید دادن‌های بی‌پایه اجتناب کرد؟

آیا دولت مردم را محرم نمی‌داند که از مطرح کردن واقعیت‌ها و حقایق با آنها سرباز می‌زند؟ چرا با سخنان احساسی و غیرواقعی برای دولت و نظام دشمن‌تراشی کنیم؟

طرح هفته

اعدام به روش تزریق سم

در گفت‌وگو با ۴ تن از نمایندگان مجلس مطرح شد

تهیه‌وتنظیم: امیرحامد آزاد

وضع حجاب وخیم است

اشاره:گویا آستانه تحمل جامعه هم همراه با درجه انفعال ناجا و سایر مسئولین درقبال زنان مکشفه بالا رفته است تا آنجا که جماعت حامی ولنگاری هم به این مسئله پی‌برده و هرروز برای محک زدن به آخرین درجه حساسیت مردم با وضع بدتری در معابر ظاهر می‌شوند. سخنرانی چند ماه گذشته رئیس‌جمهور مبنی بر مخالفت با گشت‌های ارشاد هم چنان مستمسکی برای نیروی انتظامی شد که حتی عقب‌نشینی تلویحی آقای احمدی‌نژاد از موضعش در دیدار با ائمه جمعه و اولتیماتوم رییس قوه قضاییه به ناجا در همان همایش هم نتوانست نیروی انتظامی را از جای خود تکان دهد. اما بی‌توجهی نیروی انتظامی به کشف حجاب زنان در معابر یک سوی ماجراست چرا که برخورد قهری پرسنل این نیرو با تعداد اندک ناهیان از منکر از سوی دیگر مزید بر علت شده تا ضمن تنگ کردن عرصه بر این عده آنها را هم همچون دیگران وادار به سکوت کنند. این مسئله آنقدر پیچیده شده که در اثر آن سردرگمی نمایندگان مجلس هم به وضوح احساس می‌شود؛ نهادی که نظارت بر ۲۶ دستگاه مجری قانون عفاف و حجاب را به عهده دارد که به جرات می‌توان گفت هیچ کدام از این تعداد پایبند به آن نیستند. گرچه مجلس به طور مستمر در حال دریافت گزارش عملکرد از این نهادهاست اما آنچه در خیابان دیده می‌شود نمی‌تواند نتیجه عمل به این قانون باشد. به هرحال بی‌حجابی فلاکتی بود که در سایه تسامح مسئولین بالاخره آمد و امروز که هفته‌نامه یالثارت‌الحسین برای تبادل نظر به سراغ مجلس می رود. بی‌تردید می‌توان گفت که در فاز عادی‌سازی آن قرار داریم لذا آنچه می‌خوانید گفتگویی گلایه‌آمیز با چهار تن از نمایندگان ملت است تا شاید حاصل آن گرهی از کلاف سردرگم موجود باز کند:

جواد آرین‌منش نایب اول کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی

یالثارات: آقای آرین‌منش لطفا تحلیل خود را از وضعیت فعلی حجاب در کشور برای ما بگویید.

در مورد حجاب، سخنان وگزارشهای مردم، خطبا و همچنین ائمه جمعه و برخی مسئولین حکایت از این دارد که در برخی از کلانشهرها به ویژه شهر تهران و مخصوصا بخشهای شمالی آن، حجاب و پوشش در وضعیت نگران کننده و غیر قابل قبولی قرار دارد و البته مشاهدات خود ما هم حاکی از این است که در برخی موارد هنگام رانندگی به طور کامل کشف حجاب انجام می‌شود. این نکات در حالی است که نمی‌توانیم آن را به همه نقاط کشور تعمیم دهیم.

یالثارات:آقای آرین‌منش! شما به کشف حجاب در اتومبیل‌ها اشاره کردید در حالی که ما این مساله را به کرات در معابر عمومی می‌بینیم! این در حالی است که مشاهده شده عده‌ای از اراذل هم حمایت از این زنان را در مقابل اعتراض‌های احتمالی محافظت می‌کنند، همه اینها در یک طرف! از دیگر سو شنیده شده رئیس‌جمهور در ملاقات با ائمه جمعه کشور دوباره توپ را از زمین دولت بیرون انداخته و قوه قضائیه را مسئول برخورد با بی‌حجابها دانسته است! در حالی که در همان همایش، رئیس قوه قضائیه هم ناجا را به عنوان ضابط قضایی مسئول برخورد با مظاهر بی‌حجابی اعلام کرده است. و البته باید گفت ناجا تنها یکی از ۲۶ دستگاه مسئول در قانون عفاف و حجاب است و بقیه دولتی هستند که متاسفانه در انفعال کامل به سر می‌برند. با این تفاسیر لطفا کمی در مورد این کلاف سردرگم توضیح دهید.

بله، این سوال شما در واقع سوال مجلس از دولت و نیروی انتظامی است. در این رابطه ٤٠ نفر از نمایندگان سوالی را مطرح کردند مبنی بر اینکه علت توقف قانون عفاف و حجاب که ۵ سال از تصویب آن می‌گذرد، چیست؟ که در راستای این سوال تاکنون سه نوبت وزیر کشور به کمیسیون فرهنگی برای پاسخگویی آمده است و در این سه جلسه، به ادای توضیح در مورد آنچه که انجام شده و آنچه مغفول مانده پرداخته است. اما اعضای کمیسیون فرهنگی به این نتیجه رسیدند که به جای سوال از وزیر کشور، که تنها در حکم دبیرخانه طرح عفاف و حجاب عمل می‌کند؛ لازم است همه نهادهای موظف برای اجرای این قانون را مورد سوال قرار دهیم.

یالثارات: گویا وزیر علوم اخیرا به کمیسیون فرهنگی آمده بودند، آیا شما در مورد وضعیت وخیم حجاب در سطح دانشگاهها به ایشان اعتراضی کردید؟

وزیر علوم تقریبا دو هفته بعد از وزیر کشور برای ارائه گزارش به کمیسیون فرهنگی آمدند و ضمن اعلام اینکه در سال پیش رو، مساله حجاب در دانشگاه مورد توجه قرار خواهد گرفت، خبر از برخی کارشکنی‌ها و مقاومت‌ها هم دادند.

یالثارات: اگر امکان دارد کلی‌گویی نکنیم، مصادیق و در صورت امکان اسامی اشخاصی که در این رابطه کارشکنی می‌کنند را افشا کنید.

ببینید، اگر بخواهم نام ببرم باید به فرض نام رئیس یک دانشگاه را بگویم که تفکراتش منطبق با طرح عفاف و حجاب نیست و لذا با نام بردن از اشخاص کاری از پیش نمی‌رود، چون مساله‌ای است که عمومیت دارد. اما طبق دورنمایی که از عملکرد وزارت علوم به ما ارائه شده، معاون فرهنگی این وزارتخانه و ریاست دانشگاهها موظف به اجرای طرح عفاف و حجاب شده‌اند.

یالثارات: آخرین باری که وزیر کشور برای ادای توضیح به مجلس آمده، چه زمانی بوده است؟

یک ماه و نیم پیش وزیر کشور حضور پیدا کردند و سه هفته پیش هم وزیر علوم آمدند.

یالثارات: آقای آرین‌منش! استنباط کسانی که از این وضع نگران هستند بر این است که آهنگ رسیدگی و نظارت به اجرای قانون عفاف و حجاب کندتر از روند گسترش بی‌حجابی است. فکر نمی‌کنید مجلس باید انقلابی‌تر عمل کند؟

روالی که مجلس مطابق آن پیش می‌رود، روی عملکرد دستگاههای اجرایی تاثیرگذار است وقتی ما به رسانه‌ها اعلام می‌کنیم که به منظور اجرای قانون عفاف و حجاب وزرای مربوطه به طور مداوم به مجلس احضار می‌شوند، نشان از پیگیری مداوم مجلس دارد.

یالثارات: اما مردم از این گزارش‌گیری‌ها سردر نمی‌آورند! آنها سطح معابر را می‌بینند که روز به روز پرده حیا دریده‌تر می‌شود. آیا این نوع عملکرد به نظر شما کافی است؟

امیدواریم که همین روند کاری منجر به عمل دستگاهها بشود، ما همین مقداری که قول می‌دهند این طرح را باتوجه به گذشت ۵ سال از تصویب آن جدی‌تر بگیرند و اجرا کنند، راضی هستیم!

یالثارات: اخیرا سردار کارگر طی مصاحبه‌ای گفته است که تنها ۵ درصد کار در طرح عفاف و حجاب عملیات‌های سلبی است اما ما شاهد همین ۵ درصد کار هم از ناجا نیستیم.

به عقیده بنده اگر نیروی انتظامی با تمام وجود هم به میدان بیاید، اما سایر دستگاهها و مردم از این حرکت حمایت نکنند، کار چندانی انجام نخواهد شد.

یالثارات: شما بحث حمایت مردمی را پیش کشیدید، به نظر شما دهها راهپیمایی اعتراض‌آمیز مردمی، امضای طومار در نمازهای جمعه و... نسبت به وضع موجود در چند ماه گذشته کافی نبوده است؟ به نظر می‌رسد بهانه‌ای برای انفعال ناجا وجود ندارد!

من فکر می‌کنم برای جلوگیری از ادامه این روند باید بسیج نیروهای خود را وارد میدان کند. مثل مقاطعی که بخشی از مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر به عهده این سازمان مردم‌نهاد بود. امروز هم بسیج باید نیروی انسانی خود را در کنار نیروی انتظامی قرار دهد و قوه قضائیه هم حمایت‌های قانونی لازم را به عمل آورد.

یالثارات: اگر بخواهیم یک طرح ضربتی برای جلوگیری از پیشرفت این وضع بدهید، آن طرح چه خواهد بود؟

به نظر من ما احتیاج به هیچ طرح یا پیشنهاد جدیدی نداریم؛ بلکه تنها عمل به همین قانون عفاف و حجاب کفایت خواهد کرد؛ چرا که حدود ۱۵۰ وظیفه در این قانون برای دستگاههای مسئول در نظر گرفته شده که بعید می‌دانم کامل‌تر از آن چیزی وجود داشته باشد.

حجت‌الاسلام محمدتقی رهبر عضو کمیسیون قضایی و رئیس فراکسیون روحانیون مجلس

یالثارات: برخی معتقدند وضع حجاب در جامعه به این خرابی هم نیست که ما می‌گوییم. لطفا تحلیل خود را نسبت به وضع موجود ارائه دهید.

همان‌طور که می‌دانید، مساله عفاف و حجاب از اردیبهشت ماه سال جاری مطرح شد و البته تاکنون با جدیت هم پیگیری شده است و من همه این اقدامات را برای ثبت در تاریخ جمع‌آوری کرده‌ام و آن را ان‌شاءالله تبدیل به کتاب خواهم کرد. بعد از آن سخنرانی آقای رئیس‌جمهور که آب سردی بود بر احساسات داغ ودینی مردم و تحقیر خواسته‌های یکپارچه ملت که به شکل تظاهرات مردمی در آمد؛ مجلس بیانیه ۲۳٦ امضایی خود را صادر و طی آن درخواست برخورد با این وضعیت را نمود. ماجرای این قضایا تاکنون به شکل هزاران صفحه و صدها گفتگو در غالب پرونده‌ای قطور در اختیار من قرار دارد. لذا در ادامه اعتراضات ملی که در واقع همه اقشار را در برمی‌گرفت، دولت و نیروی انتظامی قول‌ها و وعده‌هایی به ما دادند. اما باید گفت، این وعده و وعیدها اثری را که در جامعه مشهود باشد بر جای نگذاشته است. بنده دیشب در اصفهان بودم و قصد داشتم به دفتر امام جمعه بروم، دیوار به دیوار دفتر ایشان یک اغذیه‌فروشی بود که مناظر بی‌حجابی در آن مرا به شگفتی واداشت. به ناچار به حفاظت دفتر امام جمعه رفتم و یکی از پاسداران را به این مکان آوردم و وضعیت را به ایشان نشان دادم و اعتراض کردم که چگونه شما اجازه می‌دهید در کنار دفتر امام جمعه چنین وضعی حکمفرما باشد؟

از طرف دیگر در مسافرت و طی پروازها، در فرودگاه‌ها مشاهده می‌کنیم که خود مهماندارها وضعیت بسیار بدی دارند.

بنده این مطالب را اینجا می‌گویم بلکه گوش مسئولین باز شود. من روز پنج‌شنبه از طرف هواپیمایی آسمان عازم سفر بودم وقتی وارد هواپیما شدم فکر کردم مهماندارها قصد شرکت در مراسم عقد و عروسی دارند! که من در آنجا صدای اعتراضم بلند شد. همه اینها در حالی است که برخوردی از سوی هیچ نهادی مشاهده نمی‌شود.

یالثارات: معلوم می‌شود شما هم صحنه‌هایی را که ما می‌بینیم، می‌بینید. با این وضع تکلیف کار چیست؟

من معتقدم برای مبارزه با این بلیه اجتماعی ما نباید از پای بنشینیم و کوتاه بیاییم. نیروی انتظامی با جدیت وارد کار نشده است و این انفعال هم به آن سخنرانی رئیس‌جمهور برمی‌گردد که پس از آن قدرت و اقتدار نیروی انتظامی گرفته شد. وزیر کشور هم که چندین بار به مجلس آمد و به خوش و بش با نمایندگان پرداخت و گزارشی داد که ما داریم در این زمینه کار می‌کنیم. اما واقعیت این است که کاری در زمینه ممانعت از این فسق آشکار انجام نمی‌شود. کار فرهنگی را هم که درباره آن ادعا می‌شود، برنامه‌ای برایش وجود ندارد.

یالثارات: خب، به نظر شما اینکه رئیس‌جمهور مخالف برخورد سلبی است آیا دلیل می‌شود که ناجا کار را تعطیل کند؟

فرمانده نیروی انتظامی را مقام معظم رهبری تعیین می‌کند و برخورد با بی‌حجابی هم وظیفه ذاتی این نیروست که ما در این رابطه به احضار مقامات ادامه خواهیم داد و ان‌شاءالله در همین هفته از فرماندهی نیروی انتظامی سوال خواهیم کرد.

یالثارات: آقای رهبر! کمیسیونی که شما در آن عضو هستید، کمیسیون قضایی است، به چه مناسبتی مسئولین امر را فراخوان می‌کنید؟

ما تحت عنوان فراکسیون روحانیون مجلس اقدام به این کار می‌کنیم.

یالثارات: حاج‌آقا! فکر نمی‌کنید باید با شدت عمل بیشتری عمل کنید، به قول خودتان با این دعوت‌ها و خوش و بش‌ها کاری از پیش نخواهد رفت!

حرف شما درست است؛ اما مسایلی وجود دارد که توضیح می‌دهم، البته دلیل موجهی برای عقب‌نشینی ناجا نیست؛ ولی به هرحال باید ملاحظه کرد. لذا همان طور که شاهد بودید در سال گذشته مساله فتنه را داشتیم که نیروی انتظامی را به طور کلی درگیر کرد و به وادی دیگری برد، لذا این نیرو باتوجه به اینکه بحمدالله فتنه به گورستان پیوست باید به این وظایف خود عمل کند. در همین رابطه به نظر من فرماندهان نیروی انتظامی باید به دیدار مقام معظم رهبری بروند و تکلیف خود را مشخص کنند که در این مورد ما هم حتما فشار خواهیم آورد و تا حد سوال و استیضاح از هر مقام مسئولی پیش خواهیم رفت.

یالثارات: یعنی الان چنین روحیه‌ای بین نمایندگان مجلس وجود دارد که در این رابطه یک مقام مسئول را استیضاح کنند؟

بله، چند روز پیش عده‌ای از نمایندگان دردمند از این مسایل طرحی را تهیه کردند که در پی آن استیضاح از مقامات عالی کشور را مطرح کنند.

یالثارات: این عده از فراکسیون روحانیون هستند؟

این عده جمعی از روحانیون و غیر روحانیون مجلس هستند.

یالثارات: اما من با اعضای کمیسیون فرهنگی گفت و گو کردم، جو حاکم خیلی ملایم‌تر از چیزی است که شما می‌گویید.

به هر حال ما مشکلات خارجی و دشمنان نظام را هم داریم و قصد بر این است که طرح موضوع به گونه‌ای باشد که دولت تضعیف نشود.

یالثارات: یعنی شما این قول را به ما می‌دهید که مجلس به زودی نیروی انتظامی را مجبور به ورود به میدان کند؟

ما در همین هفته با برخی مقامات ملاقات داریم، البته این نکته را هم باید عرض کنم که ما باید در چند جبهه وارد میدان شویم که یکی از آنها نیروی انتظامی است، فیلم‌ها، موسیقی و یا همین نمایشگاه اخیر کتاب در مصلای تهران حکایت از این دارد که وضع حجاب وخیم و خیلی گسترده‌تر از این است که فقط نیروی انتظامی با آن درگیر شود.

لاله افتخاری منشی کمیسیون آموزش و تحقیقات و عضو فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی:

یالثارات: شما از مجلس هفتم و در ادامه آن مجلس هشتم، طرح ساماندهی مد و لباس را در در دستور کار خود داشتید، اجرای این طرح به کجا رسید؟

ما این طرح را به تصویب رساندیم و ابلاغ شد تا دیگر بهانه‌ای برای بدپوششی در جامعه وجود نداشته باشد، اما علیرغم پیگیری‌ها، این طرح به نتیجه نرسید. یعنی اجرای مناسبی نداشت. البته در مجلس هشتم چندین بار از مسئولین برای پاسخگویی دعوت شد که متاسفانه گزارش مناسبی ارائه ندادند و وضعیت جامعه هم همان طور که می‌بینید اصلا مطلوب نیست و عده معدودی ما را در پیشگاه خدا و خانواده‌های شهدا شرمنده می‌کنند. حتی در مقابل میهمانان خارجی هم خجالت‌زده هستیم؛ چرا که میهمانان مسلمان سایر کشورها کرارا از ما می‌پرسند که چرا در جمهوری اسلامی ایران باید شاهد چنین وضعیتی باشیم؟

یالثارات: در این رابطه فراکسیون زنان چه کاری انجام داده است؟

فراکسیون زنان به طرح سوال از وزیر کشور پرداخت و ایشان هم که البته شخص متعهدی هستند گزارش عملکرد خود را ارائه داد؛ اما با این وجود فراکسیون زنان قانع نشد.

یالثارات: چرا فراکسیون زنان قانع نشد؟

به دلیل اینکه حرکت وزارت کشور، اقدام فراگیری نبود و برخی دستگاهها با وزارت کشور همکاری نمی‌کردند و ما خواستار این بودیم که دستگاههای خاطی معرفی بشوند.

از طرف دیگر تا زمانی که اثرات اجرای طرح در جامعه مشاهده نشود؛ ما نمی‌توانیم به این گزارشها قناعت کنیم که در نتیجه قرار شد برای سومین بار وزارت کشور گزارش عملکرد خود را ارائه دهد و البته هفته گذشته روز چهارشنبه، معاونت اجتماعی این وزارتخانه گزارش عملکرد خود را به فراکسیون زنان مجلس ارائه داد که البته این گزارش انصافا حکایت از زحمات زیاد وزارت کشور داشت و امیدواریم در آینده‌ای نزدیک اثرات آن را ببینیم.

یالثارات: خانم افتخاری! اخیرا موارد کشف حجاب به دفعات بیشتری مشاهده می‌شود. ضمن اینکه این عده توسط گروهی از اراذل حمایت می‌شوند و در صورت اعتراض بقیه با آنها برخورد می‌کنند. در این رابطه هیچ اثری هم از نیروی انتظامی مشاهده نمی‌شود. در این رابطه مجلس بازخواستی از ناجا به خاطر انفعالش ندارد؟

ما به هیچ وجه اعتقادی به کار فرهنگی صرف نداریم؛ چرا که اساسا عده‌ای برای هنجارشکنی مدیریت می‌شوند و مامور به این کار هستند و نصیحت‌پذیر هم نیستند.

یالثارات: یک نظر وجود دارد و آن اینکه برای جلوگیری از گسترش روند بی‌حجابی باید برای این قشر هنجارشکن هزینه ایجاد کرد تا این عده درک کنند برای ادامه اعمال خود باید تاوان بدهند، آیا شما با این نظر موافقید؟

من معتقدم اطلاع‌رسانی باید به صورت کامل انجام شود. یعنی هم از نظر فلسفه حجاب و هم از نظر قوانین و هم مجازات‌ها اطلاع‌رسانی شود و پس از آن به خاطیان تذکر داده شود و بعد از تذکر شفاهی اگر شخص روی عمل خود پافشاری کند، نیروی انتظامی باید به اقدامات سلبی و ایجابی متوسل شود.

یالثارات: اما منظور من از ایجاد هزینه، صرفا اقدامات سلبی ناجا نیست؛ به غیر از ناجا ۲۵ دستگاه که بعضا با مردم هم سر و کار دارند مشمول این قانون هستند مثلا اداره‌جات دولتی از ارائه خدمات به اشخاص بدحجاب خودداری کنند. یا اینکه حتی ارائه خدمات عمومی به این افراد محدود حتی قطع شود!

در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی همه این موارد پیش‌بینی و درج شده که هم شامل تشویق وهم شامل تنبیه و توبیخ می‌شود. و این همه دستگاهها از جمله وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و علوم تحقیقات و فناوری تا وزارت راه و ترابری را در بر می‌گیرد.

یالثارات: اما اجرای آنچه گفتید، توسط هیچ یک از دستگاهها مشاهده نمی‌شود. حتی بعضا در برخی ادارات می‌بینیم خدمت‌رسانی به قشر بدحجاب بهتر از بقیه انجام می‌پذیرد.

بله، همین طور است و اصلا یکی از دلایل نگرانی ما و احضار وزرا همین مساله است که در این راستا وزرای پرمخاطبی مثل وزارت علوم برای پاسخگویی به مجلس آمده و وزیر آموزش و پرورش هم در همین هفته باید برای پاسخگویی به مجلس بیایند. ضمن اینکه از وزیر ارشاد هم گزارش‌هایی را گرفته‌ایم.

یالثارات: خب، نتیجه این پاسخگویی‌ها چه بوده است؟

مطابق گزارش این وزرا دستگاهها با آنها همکاری لازم را نداشته‌اند.

یالثارات: اگر ممکن است نام این دستگاههای خاطی را بگویید.

اگر اجازه دهید این مورد در موقع مقتضی انجام شود چون این دستگاهها بعضا وزارتخانه نیستند و نحوه نظارت بر آنها تفاوت‌هایی دارد.

یالثارات: پس در این مورد چه کار باید کرد؟

من در این مورد به صدا و سیما پیشنهاد دادم برنامه‌ای ترتیب بدهند و در آن از همه نهادهای مسئول در این زمینه سوال کنند و گزارش عملکرد بگیرند تا هر دستگاه در مورد تک تک شرح وظایفش به مردم گزارش بدهد. ضمنا در این مورد فراکسیون زنان درخصوص همین موضوع از ریاست قوه قضائیه هم درخواست ملاقات کرده است.

یالثارات: اگر ملاقاتی با رئیس قوه قضائیه انجام پذیرد، فراکسیون زنان چه مواردی را مطرح خواهد کرد؟

یکی از بحث‌هایی که ما قصد مطرح کردن آن را داریم در مورد مجازاتهاست؛ چرا که بعضا برخی مجازاتهای تعیین شده در قانون در مورد جرایم عفاف و حجاب بازدارندگی ندارند.

یالثارات: در پایان بحث می‌خواهم باز هم رجوع کنم به وظیفه‌ای که متوجه ناجاست که این نیرو نمی‌تواند و نباید از زیر بار آن فرار کند. لطفا بفرمائید مجلس برای آنکه نیروی انتظامی را مجبور به انجام وظیفه‌اش کند چه کاری انجام خواهد داد؟

ما در برخی جلسات غیرعلنی و یا در کمیسیون فرهنگی با مسئولین ناجا صحبت کرده‌ایم و فرماندهان ناجا هم به دلایل خود پرداخته‌اند.

یالثارات: چه دلایلی؟

ببینید، ناجا باید به وظیفه خود عمل کند اما همان طور که گفتم مجازاتها باید متناسب با جرم باشد و خاصیت بازدارندگی داشته باشد یعنی اگر مجازات‌ها تناسبی با جرم نداشته باشد، این روند تکرار خواهد شد.

ستار هدایت‌خواه مخبر کمیسیون فرهنگی

یالثارات: لطفا بفرمایید مجلس چگونه بر نحوه اجرای قانون عفاف و حجاب نظارت می‌کند؟

چون آقای رئیس‌جمهور وزیر کشور را دبیر طرح و مسئول اجرای قانون عفاف و حجاب قرار داده، قانونا پاسخگو باید شخص وزیر باشد؛ اما علاوه بر آن چون هر یک از دستگاهها تکلیف مخصوص به خودشان را دارند، مجلس می‌تواند آنها را هم مورد سوال قرار دهد. چنانچه در همین راستا کمیسیون فرهنگی علاوه بر وزیر کشور با برخی دستگاهها هم نشست داشته است.

یالثارات: یکی از این دستگاهها را نام ببرید.

به عنوان مثال ما طی دو هفته گذشته با وزیر علوم دیدار کردیم که ایشان گزارشی از عملکرد وزارتخانه را به ما دادند.

یالثارات: آقای هدایت‌خواه! شواهد نشان می‌دهد وضعیت حجاب در دانشگاهها به هیچ وجه مطلوب نیست. از وزیر علوم در این رابطه هم سوالی شد؟

گزارشی که وزیر علوم داد، حکایت از عملکرد مثبت و رو به رشد مساله حجاب در دانشگاه داشت، ضمن آنکه بهبود شرایط هم احتیاج به زمان دارد. اما همانطور که می‌دانید، مساله حجاب تنها به یک دستگاه مربوط نمی‌شود کما اینکه وضعیت بدحجابی در دانشگاهها ریشه در مدارس و وزارت آموزش و پرورش دارد.

یعنی وقتی یک دانشجو وارد دانشگاه می‌شود شخصیت روحی و عملی او شکل گرفته است و اگر در دانشگاه وضعیت نابهنجاری دارد به این دلیل است که ریشه‌های اعتقادی او در دوره دانش‌آموزی باید اصلاح می‌شده که نشده.

یالثارات: اما در برخی موارد می‌بینیم دختران محجبه بعد از ورود به دانشگاه تحت تاثیر جو حاکم قرار گرفته و دست از حجاب اسلامی برمی‌دارند.

بله، باتوجه به اینکه انسان دارای اختیار است قادر خواهد بود که در رفتار خود تغییر ایجاد کند. قاعدتا دانشگاهها باید در این زمینه برنامه‌ریزی داشته باشند. در این مورد باید گفت با اینکه اقدامات وزارت علوم نتیجه چندان محسوسی نداشته اما به نسبت گذشته تغییراتی حاصل شده و ما باید به شکل نسبی آن را مورد بررسی قرار دهیم. که قطعا با شرایط مطلوب و مورد نظر انقلاب ما فاصله بسیاری دارد اما به هر حال گزارش وزیر علوم حکایت از پیشرفت در این زمینه دارد.

یالثارات: یک نمونه از برنامه‌های وزارت علوم را در خصوص عفاف و حجاب نام ببرید.

وزیر علوم از بحث کار این وزارتخانه روی موضوع تهیه لباس فرم متحدالشکل برای دانشجوها سخن گفتند که در دست اقدام است.

یالثارات: آقای هدایت‌خواه! مواردی پیش آمده که برخی از افراد با مشاهده کشف حجاب از ماموران ناجا خواسته‌اند که با این موارد برخورد کند یا اینکه خودشان اقدام به نهی از منکر کرده‌اند اما در غالب موارد مامور ناجا گفته است که اگر من به این شخص تذکر بدهم توبیخ خواهم شد یا اینکه در مواردی حتی ماموران ناجا قصد دستگیری ناهی از منکر را داشته‌اند؛ تکلیف ناجا با این عملکرد سوء چیست؟

در اینکه همه آحاد مردم وظیفه امر به معروف و نهی از منکر لسانی دارند و هیچ کس هم نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد، شکی نیست و اینکه گفتید عده‌ای برای اشخاص ناهی از منکر درحد شفاهی محدودیت ایجاد می‌کنند، خلاف شرع و خلاف اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی است. اما در مرحله عملی نهی از منکر همه فقها معتقدند که باید به اذن حاکم اسلامی باشد و حاکم اسلامی هم این وظیفه را بر عهده نهادهای خاص قرار داده که از جمله آن نیروی انتظامی است. نیروی انتظامی هم به لحاظ شرعی و هم به لحاظ وظیفه‌ای که از طرف حاکم اسلامی به عهده او قرار دارد موظف به ورود به مرحله عملی است.

یالثارات: برخی نمایندگان مجلس به ما گفته‌اند که نیروی انتظامی صحبت‌های آقای احمدی‌نژاد در آن مصاحبه را بهانه قرار داده و می‌گوید دست ما را بسته‌اند. به نظر شما این بهانه می‌تواند توجیه انفعال ناجا باشد؟

من این نکته را صراحتا به وزیر کشور گفتم و ایشان این مساله را رد کرد و این گونه عنوان کرد که در برخی موارد برخوردهایی صورت گرفته که مساله‌ساز شده و ما در آن موارد رهنمودهایی دادیم که درعملکرد ناجا تاثیرگذار باشد. البته این موضوع با ناجا هم مطرح شد و آنها قبول نداشتند که اظهارات رئیس‌جمهور باعث اخلال در وظیفه ذاتی این نیرو شده است به دلیل اینکه این نیرو تحت فرمان مقام معظم رهبری است و صحبتهای آقای رئیس‌جمهور هم صرفا یک اظهار نظر بود و نه یک دستور اجرایی. اما به هر حال اگر ما در سطح جامعه شاهد هنجارشکنی ولو سازمان نیافته باشیم نیروی انتظامی موظف به برخورد است.

یالثارات: اما هم ما و هم شما وضعیت حجاب را ملاحظه می‌کنیم که هر روز دارد بدتر از قبل می‌شود و این یعنی اینکه عملکرد نیروی انتظامی هیچ تاثیری نداشته است.

این مساله احتیاج به کار میدانی دارد و من بدون ارزیابی دقیق در این مورد اظهار نظر نمی‌کنم. اما در اینکه عده‌ای تعمدا کشف حجاب می‌کنند تردیدی نیست و ناجا هم قطعا باید در این مورد اقدام کند. و این یکی از مسایلی بود که در جلسه مشترک مجلس و دولت توسط ریاست کمیسیون فرهنگی مطرح گردید.

یالثارات: فکر می‌کنم که هفته‌نامه باید تیم عکاسی عملیاتی خود را دوباره فعال کند تا برای اعلام وخامت اوضاع عفاف و حجاب گزارشی به مجلس ارائه شود.

ما استقبال می‌کنیم و در این مورد به وظیفه قانونی خود هم عمل می‌کنیم کما اینکه در مورد قبلی که مجموعه شما تصاویر مربوط به جشنواره آژانس‌های مسافرتی را به مجلس ارسال کرد، مسئولین مربوطه در سازمان میراث فرهنگی احضار شدند و مجوز چندین آژانس مسافرتی هم لغو گردید.

یالثارات: با وجود برخوردی که با ناهیان از منکر می‌شود، ما شاهد بی‌تفاوتی اقشار نسبت به پدیده بی‌حجابی هستیم. مجلس چه تدبیری برای جلوگیری از این مساله اندیشیده است؟

ما در حال بررسی طرحی به نام حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در مجلس هستیم و این طرح به خلاءهای قانونی که در راه امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد می‌پردازد. این طرح در کمیسیونی مشترک با حضور اعضای کمیسیون‌های فرهنگی و شوراها و امور داخلی در حال بررسی است.

حسین فدایی نماینده مجلس شورای اسلامی در جلسه هفتگی انصارحزب‌الله:

جریان فاسد قدرت‌طلب در میان اصولگرایان رخنه کرده است

برای تحلیل مسایل روز باید از چه منظری به آن نگریست تا بتوان به یک تحلیل نسبتا قابل قبول رسید؟ این موضوع مورد بحث ماست. مدل‌هایی که در سطوح دانشگاهی قابل قبول است، همان مدل ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدات و نقاط ضعف و قوت و تعیین استراتژی قابل قبول است که بحث مفصل می‌طلبد؛ ولی به نظر می‌رسد ما برای اینکه بتوانیم یک تحلیل نسبتا قابل قبول داشته باشیم، می‌توانیم از منظرهای مختلفی به مسایل جاری کشور ورود پیدا کنیم.

گاهی ممکن است از منظر تهدید محور مسایل را تحلیل کنیم، یعنی بگوییم چه تهدیدات و خطراتی متوجه جامعه ما، نظام و انقلاب ماست تا اینکه متناسب با آن برداشتی داشته باشیم. گاه ممکن است از نگاه مساله محور شرایط کشور را تحلیل کنیم و اینکه مسایل مهم کشور چیست؛ به طور مثال اینکه به موضوع بیکاری بپردازیم، به بحث هدفمند کردن یارانه‌ها یا به موضوع اختلاف‌افکنی بین اصولگرایان و غیره بپردازیم.

یک وقت ممکن است بگوییم به دلایلی که مقدمات عقلی آن را تمام کردیم، ما ولایتمدار هستیم. پس مهمترین مسایل کشور پیگیری تحقق منویات ولی امر است. یعنی در واقع از منظر ولایتمداری به مسایل بپردازیم. همچنین گاهی اوقات مساله اصلی را حاکم بودن گفتمان انقلاب اسلامی بدانیم. این گفتمان دارای شاخص‌ها و میزان و معیارهایی است و هر جایی که این شاخصها آسیب ببیند، آن مساله اصلی ما می‌شود.

و گاهی ممکن است از منظر آرمانخواهی به موضوع بپردازیم و بگوییم آرمان ما رسیدن به جامعه مهدوی است، پس باید ببینیم که الان فاصله ما با آن جامعه چقدر است و این مساله اصلی ماست.

گاهی ممکن است از منظر مقایسه‌ای بگوییم که وضع موجود این ویژگی‌ها را دارد، در گذشته چه مشخصاتی و الان نسبت به گذشته جلو هستیم یا نه.

و یا اینکه ممکن است قدری به موضوع کلان‌تر نگاه کنیم و بگوییم که ما در جهانی زندگی می‌کنیم که جبهه کفر و باطل حاکم است و ولایت طاغوت جبهه‌ای علیه جبهه حق تشکیل داده است و در واقع نظام ظالم و مظلوم را در مقابل یکدیگر ارزیابی کنیم.

پس برای تحلیل شرایط موجود می‌توانیم از مناظر فوق‌الذکر به مساله بپردازیم. البته این مانعی نمی‌شود که مجموعه موارد را یکجا در نظر بگیریم.

بررسی مسائل از منظر تهدیدمحور

ما موضوع را از منظر تهدیدمحور ارزیابی می‌کنیم و آن عواملی که مترصد ایجاد ضربه و ضرر و زیان به نظام هستند را احصا می‌کنیم. در راس تهدیدات، نظام سلطه به سرپرستی و کارفرمایی آمریکا و انگلیس و رژیم صهیونیستی قرار دارند که قطبی را در جهان تشکیل داده‌اند و دایما به دنبال ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی هستند.

طیف وسیع ضد انقلاب

دوم دشمنانی که از دیرباز با نظام اسلامی و ارزشها و اراده عمومی ملت ایران خصومت داشته‌اند و بسیج شده‌اند تا ضربه بزنند. اینها در زمانی متفرق و متعدد بوده‌اند. و این در حالی است که به لحاظ بینش و جهان‌بینی حتی باهم متضاد بوده‌اند، از حزب توده و چریک‌های فدایی خلق که جهان‌بینی مادی داشته و ماتریالیست بودند تا بعضی‌ها که ممکن است ادعای دینداری هم داشته باشند.در این طیف که جزو دشمنان انقلاب هستند، انواع گوناگون عناصر فاسد تجمیع شده‌اند که البته با ادعای ایرانی بودن الان در دل نظام سلطه جاخوش کرده‌اند و مورد حمایت آنها هستند.

جریان فتنه سال ۸۸

سومی جریانی است که ظهور و بروز مشخص آن پس از انتخابات ۲۲ خرداد سال ۸۸ بود. اگر ماهیت این جریان را واکاوی کنیم که به لحاظ فکری چه ویژگی و پیشینه تاریخی دارند، می‌بینیم که یک جریان خلق‌الساعه نبودند بلکه جریانی بودند که از قبل بعضی از آنها با گفتمان انقلاب اسلامی زاویه داشتند ولی در درون نظام برای خود جایی دست و پا کرده بودند و مترصد این بودند تابه نظام ضربه بزنند و بعضی دیگر را حبّ دنیا و قدرت وارد این گود کرد و یک جبهه وسیع را تشکیل دادند و بزرگترین خیانت بعد از انقلاب را علیه نظام سامان دادند.

جریان فاسد قدرت‌طلب

به نظر می‌رسد جریان دیگری در حال شکل‌گیری است البته با ظاهر اصولگرایی، ولی باطنش درواقع تیشه به ریشه اصولگرایی می‌زند. بنده نام این جریان را جریان فاسد قدرت‌طلب گذاشته‌ام. رفتار این جریان به گونه‌ای است که از امکانات عمومی برای تثبیت در قدرت سوءاستفاده می‌کند و با تحلیل‌های انحرافی حادثه‌سازی و بحران‌سازی می‌کند و روحیه اباحه‌گری که از صفات جریان فتنه بود را سرلوحه کارش قرار داده و از حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم سوءاستفاده می‌کند؛ ولی رفتارش، رفتار قابل قبولی نیست و ضد اصولگرایی است.

اصحاب تردید و سکوت

یک جریان هم جریان اصحاب تردید و سکوت است که پس از انتخابات بیشترین نقش را ایفا کردند. یعنی با سکوتشان مشکل ایجاد کردند. یعنی آنجایی که انقلاب نیاز به فریاد داشت فریاد نزدند و آن جایی که انقلاب نیاز به سکوت داشت ، ایجاد شبهه و تردید کردند. این هم مشخصا بعد از ۲۲ خرداد سال ۸۸ شکل گرفت.

تمام این جریاناتی که ذکر کردیم، عددی نیستند ولی یک صفاتی دارند که به آنها جریان می‌گوییم. و در کل توده مردم با آنها فرق دارند.

اگر شما بخواهید یک جمع‌بندی از جریانات فوق داشته باشید، می‌بینید که یک اتفاقی دارد می‌افتد که برآیند افعال این جریانات در این اتفاق خودش را نشان می‌دهد. یکی اینکه نظام سلطه تصمیم گرفته است فشار از بیرون را به نظام جمهوری اسلامی تحمیل کند، از جمله باتحریم، تهدید، ایران‌هراسی، اسلام‌هراسی و انواع گوناگون ترفندهایی که ما را در صحنه بین‌الملل منزوی کند.

جریان دیگری در حال شکل‌گیری است البته با ظاهر اصولگرایی، ولی باطنش درواقع تیشه به ریشه اصولگرایی می‌زند. بنده نام این جریان را جریان فاسد قدرت‌طلب گذاشته‌ام. رفتار این جریان به گونه‌ای است که از امکانات عمومی برای تثبیت در قدرت سوءاستفاده می‌کند و با تحلیل‌های انحرافی حادثه‌سازی و بحران‌سازی می‌کند

توطئه اختلاف‌افکنی بین مسئولان

از طرف دیگر در داخل هم یک فشار در شرف سامان است .به نظر می‌رسد خیلی از اختلافاتی که بین اصولگرایان یا دولت و مجلس شکل می‌گیرد، معمولی نباشد، بلکه عده‌ای دنبالش هستند و آن را اداره می‌کنند یا عده‌ای به دنبال ایجاد اختلاف میان روحانیت هستند و عده‌ای نقشه دارند در حوزه‌های علمیه به گونه‌ای عمل کنند تا مرجعیت را مقابل رهبری نظام مطرح کنند. البته این‌ها شگردهایی است که مسبوق به سابقه بوده و از اول انقلاب هم بوده است؛ از مرجع‌تراشی شریعتمداری در مقابل حضرت امام گرفته تا رهبرتراشی در مقابل امام.

به عنوان مثال وقتی که آیت‌الله طالقانی در اثر داستان بنی‌صدر یک هفته‌ای قهر کرد، بعد به دیدار حضرت امام رفت، وقتی از دیدار با امام برگشت، گفت که من از امام نور می‌گیرم. لذا تمام توطئه‌ها را برملا کرد، ولی روزنامه‌های توطئه‌گر آن موقع نوشتند دیدار دو رهبر. یعنی در مقابل رهبری امام، یاران و همراهان او را در مقابل ایشان مطرح کردند.

لذا این قبیل مسایل یک سناریویی است که مورد استفاده جریانات ضد انقلاب و مساله‌دار قرار داشته است. یا اینکه الان برنامه‌ریزی کرده‌اند نافرمانی و اعتراضات مدنی را سامان بدهند و مشخصا تحلیل کرده و گفته‌اند وقتی که ما فشار را از بیرون، آن هم به لحاظ تحریم در جامعه افزایش دهیم، مشکلات اقتصادی در جمعه زیاد می‌شود و از طرفی هم دولت که بنا دارد طرحی را به نام هدفمندکردن یارانه‌ها اجرا کند، لاجرم اجرای این طرح خود باعث نارضایتی مردم و منجر به فشار اجتماعی علیه دولت خواهد شد؛ پس ما اگر این دو فشار را از بیرون و درون زیاد کنیم، اعتراضات مردمی شکل می‌گیرد و نافرمانی مدنی آغاز و منجر به مقابله مردم با دولت می‌شود و بدین‌وسیله خواهیم توانست دولت را زمین‌گیر کنیم. مضافا بر اینکه در این سناریوی کلی ما باید بتوانیم از درون حکومت هم فشار بر دولت را زیاد کنیم و مشخصا فشار از طرف مجلس را به دولت اضافه کنیم تا سناریو کامل شود. بعد کمر دولت را می‌شکنیم.

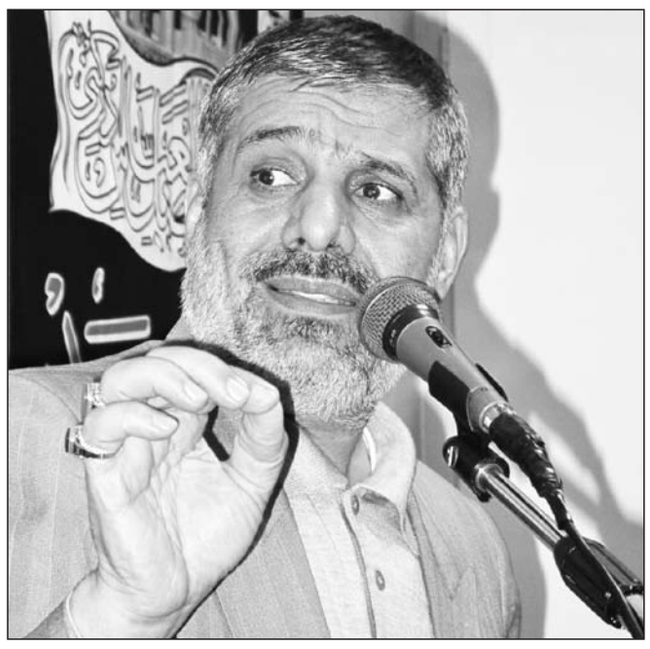

توطئه ایجاد ناامیدی در مردم

از طرف دیگر آنها با پمپاژ سیاه‌نمایی در کشور و ایجاد یاس و ناامیدی در مردم و بحرانی و اضطراری جلوه دادن مسایل کشور، شایعه‌پراکنی و دروغ‌پردازی در جامعه که بی‌اعتمادی مردم را نسبت به حکومت زیاد کند، سعی در القای ناکارآمدی دولت دارند. همین طور با پررنگ نشان دادن نقاط ضعف و کم جلوه دادن نقاط قوت و موفقیت‌های دولت، تلاش دارند که راهبرد فشار از بیرون و فشار از درون را در یک نقطه سامان دهند تا به اصطلاح خودشان بتوانند ضربه‌ای بزنند. و در واقع دشمنان خارجی به طور آشکار می‌گویند که هدفشان ضربه زدن به نظام اسلامی است؛ ولی آنهایی که قدری رودربایستی دارند و می‌خواهند ماهیتشان در بین مردم پنهان باشد می‌گویند مشکل ما دولت است و نظام را قبول داریم! در صورتی که عملا در این مقطع زمانی، تضعیف و تخریب دولت، ضربه زدن به اصل نظام و رهبری است.

آنچه که مهم به نظر می‌رسد، این است که ما نباید اشتباه کنیم و همه این جریانات را یک کاسه ببینیم. ممکن است برآیند رفتار آنها، برآیند مشترک و واحدی علیه نظام باشد ولی ما در مدیریت صحنه باید متوجه باشیم که آنها لایه‌های متفاوتی دارند، خصوصا در رابطه با اصحاب تردید و سکوت، اینها به لحاظ جهان‌بینی و مبانی با ما تفاوتی ندارند و لیکن به لحاظ رفتار مشکل دارند و ما نباید به دست خودمان اینها را به زمین دشمن هل بدهیم و باید تلاش کنیم تا اندازه‌ای که می‌توانیم آنها را برگردانیم. چرا که سیاست جذب حداکثری سیاست مستمر و دایمی جمهوری اسلامی بوده است.

دوم آنهایی که به اردوگاه فتنه رفته‌اند، از این سیاست نباید سوءاستفاده کنند و حالا که با شکست مواجه شده‌اند، بدون برگشت از مسیر اشتباه خود بخواهند قهرمانانه خودشان را درون نظام جا کنند! این را هم نمی‌پذیریم. باید علامت‌های معین و مشخص از آنان دریافت کنیم که نسبت به مسیری که انتخاب کرده‌اند و خیانتی که به این نظام مرتکب شده‌اند، اشتباه کرده‌اند و آن را نفی و نهی کرده و به صورت شفاف و روشن نظام سلطه و خط فتنه را محکوم کنند و برای پذیرش قانون و اعمال آن چه در حق خودشان و چه در حق کسانی که در این مسیر فتنه به نظام خیانت کردند، اعلام آمادگی کنند. در واقع از این‌ها علامت‌های مثبتی دریافت شود نه اینکه وقتی دیدند مسیر فتنه به نتیجه نرسید و به بن‌بست خورد و افکار عمومی به ماهیت آنها پی برده و ریزش افکار عمومی نسبت به آنها کاملا مشهود است و بلکه در منظر افکار عمومی مورد محاکمه قرار گرفتند حالا بخواهند قهرمانانه به صحنه بیایند و خودشان را تطهیر کنند و بعد هم با اظهار اینکه چون مقام معظم رهبری فرموده‌اند جذب حداکثری، بگویند چرا با ما برخورد دفعی صورت می‌گیرد!

وحدت ملی و بصیرت‌افزایی ؛ عامل موفقیت

خوشبختانه مشی و روشی که ملت ایران در تبعیت از رهبر معظم انقلاب اسلامی با بصیرت انتخاب کرد، مشی بصیرت‌افزایی و محاکمه فتنه‌گران در افکار عمومی و ایجاد آرامش و وزن دادن هرکس به اندازه خودش و نگاه نکردن به صورت یکپارچه به همه مسایل بود.

از این منظر وقتی حالا را با ۱۲ ماه قبل مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم اگر آن موقع در دل شما نگرانی بود و دغدغه‌ای داشتید که عده‌ای آشوبگری می‌کنند و نظم اجتماعی را آسیب می‌زنند و... الان وضعیت به گونه‌ای دیگر است و این به منزله موفقیت شماست. و ملت ما به برکت تبعیت از ولی امر مسلمین، پیوند مستقیم امام و امت توانست، بصیرت افزایی کند و وحدت ملی را حفظ و از این گردنه پرپیچ و خم فتنه‌آمیز پیچیده عبور کند و نظام مقتدرانه این مسیر را پشت سر گذاشت. این بحران، بحران کوچکی نبود، بلکه بعد از انقلاب بزرگترین بحرانی بود که در داخل به وجود آمد؛ چرا که اینها با یک برنامه‌ریزی ۱۰-۱۲ ساله و به تعبیری ۲۰ ساله با روش نرم مبانی نظام را هدف گرفته بودند و این سرمایه‌گذاری بلند مدت در یک مقطع کوتاه زمانی بروز سیاسی گسترده پیدا کرد و ملت ایران و رهبری نظام توانستند با قوت وقدرت و با کمترین هزینه از این گردنه صعب‌العبور گذر کرده و موفق شوند.

پس راهکار آینده ادامه این خط است. اگر رهبری نظام می‌فرمایند زمینه‌ای ایجاد شود تا آن کسانی که می‌گویند اشتباه کردیم، برگردند و جبران کنند، ما زمینه‌سازی می‌کنیم و اگر ایشان بفرمایند بر دهن آنها بزنیم، این کار را خواهیم کرد.

لزوم تبعیت کامل از مقام معظم رهبری

شاقول را رهبری برای ما مشخص می‌کند. نه تصمیم می‌گیریم که بزن بزن راه بیندازیم و خودسر عمل کنیم - چرا که انسان منطقی و ولایتمدار خودسر عمل نمی‌کند - و نه اینکه رهبری فریاد بزند که بصیرت‌افزایی کنید و آرامش ایجاد کنید، بنده و امثال بنده در خانه بنشینیم و بی‌خیال موضوع شویم. نه افراط و نه تفریط، خط مشخص است و خط نیروهای وفادار، ارزشمند و ولایتمدار، خط عقلانیت، اعتدال، بصیرت و مجاهدت است. یعنی آن جا که باید از جانش بگذرد، می‌گذرد و آنجایی که باید در میدان حاضر باشد، حاضر است نه یک کلام جلوتر از رهبری و نه یک قدم عقب‌تر از ایشان.

پرسش و پاسخ

***لابی‌های پشت صحن علنی مجلس چه کسانی هستند؟**

البته همیشه لابی منفی نیست، ولی گاهی این رایزنی و لابی نتیجه یک تحلیل سیاسی پشت صحنه و زاویه‌دار با گفتمان انقلاب است و آنچه مذمّت می‌شود این است. یعنی گاهی این رایزنی نتیجه و محصول یک جریان سیاسی برای اینکه در قدرت بماند، است و لذا از ارزش‌ها و نظام زاویه می‌گیرد.

اگر من بخواهم در مجلس به ریاست مجلس یا ریاست یک کمیسیون برسم و حاضر شوم برای اینکه رأی جمع کنم با دادن امتیازهای مختلف آرای عده‌ای را جذب کنم، مورد مذمّت است. این امتیازات ممکن است گاهی مادی و پولی باشد و گاهی مسئولیت و پست برای من و نزدیکان مورد سفارش من باشد.

اگر طرح نظارت بر عملکرد نمایندگان تصویب شود، مجلس از مصونیت برخوردار می‌شود و سطح مجلس ارتقاء می‌یابد و دست کسانی که فاسدند و می‌خواهند مجلس را به انحراف بکشانند رو می‌شود. لذا آن عناصر تلاش می‌کنند که این طرح تصویب نشود.

به بیان روشن‌تر اگر طرح نظارت تصویب شود، عناصر فاسد بیرون مجلس که توانسته‌اند با بعضی‌ها که به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسند، ارتباط برقرار و فضایی را درست کنند که طرح‌ها و لوایحی که منافع یک عده‌ای را تأمین می‌کند، یا مضر برای منافع عمومی است به نتیجه برسانند، موفق نمی‌شوند.

به عنوان مثال کسی مثل شهرام جزایری می‌تواند توسط عده‌ای ارتباط برقرار کند تا یک طرحی را به تصویب برسانند که نتیجه آن طرح منفعتی را برای یک سرمایه‌دار و سودجو مثل جزایری فراهم کند. مثلاً در بودجه تصویب می‌کنیم که تعرفه واردات خودرو که ۹۰ درصد است یک مرتبه ۷۰ درصد شود. معنای اولش این است که آن کسی که در گمرکات هزار یا ده هزار اتومبیل وارد کرده ۲۰ درصد کمتر پرداخت کند تا آن را وارد کند و این منجر به سود ۲۰ درصدی برای او می‌شود و اگر این قانون تصویب شود چند صدمیلیارد نصیب یک نفر یا یک باند می‌شود. بعد هم او ۲ درصد هم به من می‌دهد و یا اینکه هزینه تبلیغات انتخاباتی مرا تأمین می‌کند. البته به همین سادگی هم وارد موضوع نمی‌شود. اول موضوع را شکیل و بسته‌بندی می‌کند و می‌گوید که اگر بخواهیم صنعت ما رشد کند، باید قدرت رقابت در عرصه جهانی داشته باشیم، پس وقتی که تعرفه ما بالاست و کالاهای خارجی امکان ورود به کشور را ندارند و چون تولید صنعت در اختیار دولت است، امکان رقابت وجود ندارد، پس لازم است امکان رقابت را فراهم کنیم.

خلاصه اینکه با ظاهر حق به جانب موضوع را مطرح می‌کنند ولی وقتی به باطن مسأله رجوع می‌کنیم، می‌بینیم که اتفاقاً ما یک سرمایه‌گذاری سنگینی انجام داده‌ایم تا به این‌جا رسیده‌ایم و الان که این درخت به ثمر نشسته با این کار داریم آن را نابود می‌کنیم. پس رایزنی توسط عده‌ای با خط و ربط سیاسی برای اغوای دیگران و برخورداری از منافع باندی و گروهی ناپسند است و اگر در مسیر حق، بصیرت و وحدت و تأمین منافع عمومی و سرخط اصولگرایی باشد، وظیفه همه است.

*** آقای موسوی تبریزی گفته است، کسانی که در فتنه‌ها حضور داشتند، مجرم سیاسی بودند و نباید به عنوان مجرم امنیتی تلقی شوند. نظر جنابعالی در این باره چیست؟**

هر کسی به منافع ملی خیانت کند و به وحدت ملی آسیب برساند و روی خون شهدا پای بگذارد، ما او را خائن می‌دانیم و با خائن باید متناسب با خیانتش برخورد شود.

*** آیا جریان قدرت‌طلب فاسد که گفتید از دل دولت اصولگرا و با حمایت او شکل می‌گیرد؟**

اگر طرح نظارت تصویب شود، عناصر فاسد بیرون مجلس که توانسته‌اند با بعضی‌ها که به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسند، ارتباط برقرار و فضایی را درست کنند که طرح‌ها و لوایحی که منافع یک عده‌ای را تأمین می‌کند، یا مضر برای منافع عمومی است به نتیجه برسانند، موفق نمی‌شوند

مهم این است که ما در معرض آزمایش قرار داریم، اگر در آزمایش روی اصول و معیارها ایستادیم موفقیم و اگر نه، حتی اگر پسر پیامبر هم باشیم، منحرف می‌شویم و این اصلی برای همه ماست و اصلاً مهم نیست که این جریان از دل کی و چی در می‌آید، مهم این است که ما از معیارها و اصول عدول نکنیم و فاصله نگیریم و روی حق بایستیم و در آن مسیر گام برداریم. حالا اگر عده‌ای با شعار اصولگرایی و ایستادگی روی مواضع، نماینده، وزیر و وکیل شدند و پستی را گرفتند و برای این امانت هوشمندی به خرج ندادند و منافع مادی خویش و پست و مقام برای آنان اصل شد، یعنی از اصول عدول کرده‌اند و مهم این است که برای ما این گفتمان دائمی باشد. به فرض اگر مشاهده کردید حسین فدایی از اصول فاصله گرفت به او تذکر بدهید و برای او امر به معروف و نهی از منکر با رعایت مراتب انجام دهید تا ان‌شاءالله برگردد.

*** در مورد طرح هدفمندی یارانه‌ها و ضرورت آن و پیش‌بینی شما از موفقیت آن توضیح دهید؟**

- این موضوع که اقتصاد کشور ما بیمار است و نیاز به طرحی دارد، امری بدیهی است. و هر جراحی هم یک دورانی دارد، ولی اگر انجام ندهیم بدتر می‌شود. و طبیعتاً هر جراحی هم خونریزی و آثار و تبعاتی دارد. از طرفی هیچ مسئول کشوری در ایران وجود ندارد که این موضوع را قبول نداشته باشد. آقای هاشمی آرزو داشت، چنین امری را تحقق بخشد. همینطور به لحاظ معمول اگر در بین بستگان شما یک کسی بیماری سختی داشته باشد و شما هم با او قهر باشید، ولی وقتی می‌خواهد به اتاق عمل برود، اولاً او را می‌بخشید و آرزوی سلامتی برای او می‌کنید.

حالا این کار بزرگی که می‌خواهد در کشور صورت بگیرد که بزرگترین حادثه اقتصادی در این کشور است، آیا نیازمند همدلی و همراهی همگانی نیست؟ پس برای اینکه موفق شویم این عمل جراحی بزرگ را در اقتصاد ملی انجام دهیم، همه باید دست به دست هم دهیم و به جلو برویم.

موضوع دیگر اینکه آیا کسی می‌تواند ادعا کند که تنها راه‌حلی که من می‌گویم ۱۰۰ درصد درست و بی‌اشکال است و از طرفی ظرفیت کارشناسی کشور به اینجا رسیده و به قانون تبدیل شده است و ممکن است بنده هم نقاطی از این قانون را قبول نداشته باشم ولی برای ورود به این صحنه بزرگ همه باید باصفا و همدلی و برادری، تمام توان خویش را برای تحقق این امر به کار بگیریم. من فکر می‌کنم دولت زحمات سنگینی را کشیده و برنامه‌ریزی گسترده‌ای را انجام داده است که ان‌شاءالله به حول و قوه الهی این طرح موفق شود و ما هم آرزویمان این است و هر کاری هم که از دستمان برآید برای موفقیت این طرح انجام می‌دهیم و این البته بدین معنا نیست که انتقاد نداریم ولی دولت را از خودمان می‌دانیم و کمک به دولت را در این زمینه تکلیف خود می‌دانیم، چرا که احساس جدایی نمی‌کنیم. حالا اگر دو تا آدم عوضی هم یک گوشه‌ای یک کاری انجام دهند، ربطی به دولت ندارد و بحث ما کلیت دولت و برآیند عمومی نظام اجرایی است و حتما کمک می‌کنیم نه با منت بلکه آن را وظیفه و تکلیف می‌دانیم و ان‌شاءالله خداوند هم کمک می‌کند و از این گردنه هم عبور خواهیم کرد.

*** چرا مجلس در طرح نظارت بر نمایندگان ضعیف عمل کرد و منویات رهبری را اجرا نکرد و نمایندگان نظارت پذیر نشده‌اند؟**

یک ضرب‌المثل معروف هست که می‌گوید چاقو دسته خودش را نمی‌برد، البته من هنوز به این جمع‌بندی نرسیده‌ام، کسانی که به فوریت طرح رأی ندادند، مخالف نظارت هستند؛ ممکن است دلایل متفاوتی باعث شده که این اولویت رأی نیاورد و من از خداوند می‌خواهم نمایندگان با بصیرت و جدیت این قضیه را جبران کنند. ولی ارتقاء سطح یک مجلس را که می‌خواهد در رأس امور باشد در آن می‌دانم که پاک باشد و شبهه و سوال و ابهامی در کار او نباشد و اگر اتهامی به او زدند با قوت و قدرت امکان جواب و دفاع داشته باشد. اگر جایی سوالی شود فلان نماینده زد و بندی کرده است، کاملاً بتوان به صورت شفاف حمایت و دفاع کرد و برای اینکه دستمال بتواند شیشه را پاک کند باید خودش پاک باشد و برای اینکه پاکی را اثبات کند باید پیشتاز نظارت‌پذیری باشد. اگر تردد نماینده‌ای به خارج از کشور برای موکلین، کاملاً شفاف باشد که به چه دلیلی از چه مسیری و با چه هزینه‌ای رفته است و اگر اموال او چنان شفاف باشد که پس از ٤ سال مسئولیت امکان ارزیابی آن برای همه مردم وجود داشته باشد، این سبب بالا رفتن منزلت مجلس و نمایندگان می‌شود و نتیجتاً اعتماد مردم نسبت به مسئولین بالا می‌رود و این برای منافع ملی ما هم مفید است. حالا اگر برعکس شود و دائماً در اذهان افکار عمومی ایجاد سوال، ابهام و تردید نسبت به یک نماینده یا مسئول باشد و هیچ کس هم پاسخگو نباشد، منجر به سست شدن اعتماد مردم نسبت به آن مسئول یا نماینده خواهد شد و در واقع شأن و منزلت آن فرد افت پیدا می‌کند. امیدواریم بصیرت حاصل و جبران مافات شود.

اخبار و رویدادهای حزب‌الله در شهرستانها

در جلسه هفتگی حزب‌الله مشهد مطرح شد:

برخورد نیروی انتظامی و قوه قضائیه با ناهنجاری‌های اجتماعی ضروری است

جلسه هفتگی حزب‌الله مشهد شنبه شب این هفته با حضور برادران حزب‌اللهی این شهرستان در محل دفتر این تشکل برگزار و اهم مسایل روز مورد بررسی قرار گرفت.

بخشی از مطالب مطروحه به شرح ذیل است:

۱- هشدار به دستگاههای امنیتی و مسئولان مربوطه نسبت به آمار نگران کننده‌افزایش کلیساهای خانگی به‌تعداد ۲۰۰ جلسه فقط در شهر مشهد به‌عنوان پایتخت‌معنوی‌جهان‌تشیع؟!

۲- ابراز تاسف از تساهل برخی مسئولین بی‌تعهد و ضعیف‌الایمان در مقوله‌قانون گسترش عفاف و حجاب به بهانه توجه به‌نظریات برخی کارشناسان ناآشنا با معارف دینی و قرآنی!

۳- تاکید بر ضرورت انجام کار فرهنگی توسط دستگاههای مربوطه نسبت به هنجارها و لزوم برخورد با ناهنجاری‌ها توسط نیروی انتظامی و قوه‌قضائیه.

٤- اعتراض به کمک ۲٤۰ میلیون تومانی معاونت سینمایی وزارت ارشاد از بیت‌المال به جشن خانه سینما که توسط‌ایادی‌فتنه‌گران‌وتجدیدنظرطلبان اداره می‌شده که طی آن مراسم ضمن اهانت به ارزشها، اصل نظام را زیر سوال برده‌اند و شبکه بی‌بی‌سی نیز با تمام توان از ایشان حمایت نموده است!

۵- ابراز تاسف از بی‌حجابی در جشنواره فیلم دفاع مقدس و تساهل و تسامح جناب شمقدری در برخورد با هتاکان در عرصه مقاومت! به واسطه حضور زننده برخی مدعوین و وضعیت اسفناک برخی بازیگران خانمی که پوشش غیر متعارف و مشخصا به صورت بی‌حجاب مورد تقدیر قرار گرفته‌اند!

٦- مطالبه از قوه‌قضائیه برای برخورد با مهدی هاشمی که علیرغم وجود پرونده سنگینی از جرایم امنیتی تاکنون فراری است و همچنان به اقدامات علیه نظام با ترغیب متهمان و اوباشان داخلی درصدد فتنه‌انگیزی است.

۷- تقدیر از ایستادگی ریاست محترم قوه قضائیه در قبال رانت‌خواران سرمایه عظیم ۲۵۰ هزار میلیارد تومانی دانشگاه‌آزاد؛ چراکه بهانه وقف، پوششی برای موروثی کردن سرمایه بیت‌المال است.

پاسخ صریح آیت‌الله لاریجانی به آقای هاشمی نیز موجی از امید و خرسندی را به دستگاه قضا ایجاد نموده که انتظار می‌رود با استمرار عمل به مرّ قوانین اسلامی وعدم توجه به فشارها موجبات استحکام هرچه بیشتر نظام الهی در تبعیت از ولی امرمسلمین را فراهم آورد.

۸- لزوم بصیرت‌افزایی خواص در قبال فتنه‌گران و توجه به تلاش‌های منافقین جدید در بازیابی جایگاه خویش نزد افکار عمومی که انتقال فعالیتها از مرکز به شهرستانها و نفوذ در نشریات محلی و استانی از استراتژی‌های ایشان اعلام گردیده است.

سردار کوثری در جمع بسیجیان دزفول:

دشمن سعی می‌کند با جنگ نرم به محور انقلاب ضربه بزند

سردار حاج محمد کوثری نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس و از فرماندهان دوران دفاع مقدس در یادواره شهدای مسجد امیرالمومنین(ع) - اولین پایگاه بسیج مستضعفین شهرستان دزفول- در سخنانی ایثار و ولایتمداری را مهمترین عوامل پیروزی در برابر دشمنان دانست.

وی گفت: ولایت عمود خیمه نظام است و دشمن تلاش می‌کند با جنگ نرم و تهاجم فرهنگی به این محور ضربه بزند. در دفاع مقدس مردم با وفاداری به انقلاب و امام در برابر جنگ نظامی دشمن ایستادگی و مقاومت کردند و پیروز شدند. از این‌رو دشمن با حربه تازه از طریق تهاجم فرهنگی جنگ نرم خود را علیه نظام اسلامی آغاز کرده است. دشمن به تهاجم فرهنگی علیه نظام روی آورده لذا در شرایط فعلی نیاز به سربازان آگاه فرهنگی برای مقابله با توطئه‌های دشمن در این حوزه است. اگر مسئولان دولتی بعد از جنگ توصیه‌های رهبری را اجرا می‌کردند، دشمن در این حوزه نیز نمی‌توانست کاری انجام دهد. الان نیز این دولت باید توجه خاصی به فرهنگ داشته باشد البته کارهایی انجام داده است. دشمن می‌داند که از لحاظ نظامی نمی‌تواند کاری بکند و به همین دلیل در حوزه فرهنگی فعال است.

وی در ادامه افزود: افتخار ما این است که در خیمه انقلاب اسلامی وولایت فقیه هستیم و تا پای جان در دفاع از آرمانهای انقلاب اسلامی و ولی امر مسلمین در برابر هرگونه توطئه دشمنان اعم از جنگ نظامی، تهاجم فرهنگی و جنگ نرم آنان ایستاده‌ایم. روش تشخیص راه دفاع امروز مقابل دشمن بسیار اهمیت دارد.شناخت راه و آرمانهای دفاع مقدس وظیفه همگانی است، چرا که جنگ ما جنگ حق علیه باطل بود و امروز هم ادامه دارد.کار بزرگی در دوران دفاع مقدس توسط فرزندان این مرز و بوم با مدیریت و فرماندهی امام راحل(ره) انجام گرفت و امروز این راه پرصلابت امام توسط مقام معظم رهبری تداوم یافته است و این فرهنگ ایثارو شهادت و فداکاری را باید به نسل‌های آینده ارائه کنیم.

در ادامه این مراسم، همچنین سردار سید مجید موسوی اولین فرمانده بسیج مستضعفین دزفول و سردار گلپیچی از فرماندهان دوران دفاع مقدس با بیان خاطراتی از آن دوران و حماسه‌های بسیجیان دزفول، یاد آن ایام را گرامی داشتند و بر زنده نگهداشتن یاد آن ایام تاکید کردند.

استاد دانشگاه تهران در شوشتر:

معنویت رزمندگان مهر پیروزی به جنگ زد

حجت‌الاسلام سید محمد رضوی استاد دانشگاه تهران در اجتماع بسیجیان این شهرستان، اظهار داشت: بسیج، نمادی از دینداری و دین‌محوری است و باید در این باره کوشید تا فرهنگ ایثار و شهادت بین نسل جدید ترویج یابد.

وی افزود: انقلاب اسلامی ایران انقلاب ارزش‌ها و معنویت‌ها بود که در دوران دفاع مقدس اوج ظهور این معنویت را به عینه شاهد بودیم.

این مسئول فرهنگی افزود: دشمن از هیبت و ابهت همین معنویت به هراس و واهمه افتاده بود و هرگز نیز نتوانست در مسیری که خود قصد عبور داشت، حرکت کند.

وی با یادآوری اینکه امروز نیز بعد از ۳۱ سال از پیروزی انقلاب دشمنان این ملت در نهایت خفت و خواری و ذلت به عجز و ناتوانی افتاده‌اند، خاطر نشان کرد: همان ابرقدرت‌های شرق و غرب که موجب تحریک صدام ملعون علیه نظام اسلامی ما شدند امروز به دریوزگی افتاده‌اند تا شاید بتوانند ابهت حقیر خود را حفظ کنند.

رضوی با یادآوری اینکه انقلاب با تمام سرمایه‌های خود امروز در برابر فزون‌طلبان نظام شکست خورده شرق و غرب ایستاده است، اضافه کرد: ما هرگز از مواضع به‌حق و اسلام‌باوری خود عقب‌نشینی نمی‌کنیم و اجازه نمی‌دهیم دشمن به خاک ما تعدی و تجاوزکند.

این استاد دانشگاه تهران ادامه داد: پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، صدام دوباره به مرزهای ایران حمله کرد و ارتش عراق و منافقان سعی در ایجاد رعب و وحشت در جبهه‌های دفاع مقدس داشتند که با دلاورمردی مردان و پایمردی زنان ناکام‌ماندند.

رضوی دوران هشت سال دفاع مقدس را دورانی سرشار از معنویت دانست و بیان داشت: با معنویتی که در بین رزمندگان وجود داشت، مهر پیروزی در این نبرد سرنوشت‌ساز زده شد.

جوانان ساده‌لوح در دام فرقه‌های نوظهور

محمدحسین سیف‌اللهی

جوامع مدرن از نیمه دوم قرن بیستم تا کنون شاهد ظهور گروه‌ها و فرقه‌های دینی جدیدی است که گاه برآمده و وابسته به ادیان بزرگ و کلاسیک یا سنتی‌اند و یا اینکه تفسیری جدید از ترکیب دو و یا چند دین است. به هر حال اینکه چرا این ادیان به وجود آمده‌اند دارای علل متفاوت و بسیار زیادی ممکن است باشد.

حجت‌الاسلام شریفی، یکی از اساتید و معاون آموزشی موسسه امام خمینی(ره) می‌گوید: تفکرات فرقه‌های نوظهور برگرفته از فرهنگ غربی است و تمامی این فرقه‌ها در بستر فرهنگ مدرنیته روئیده‌اند، به این معنی که مبانی ارزشی آنان، با فرهنگ غرب، یکی است.

وی خاطرنشان می‌کند: نسبی‌گرایی، کثرت‌گرایی، جدا بودن دین و معنویت از سیاست و دین‌ستیزی، از مبانی مشترک فرقه‌های نوظهور است که تمامی آنها برآمده از فرهنگ غربی است.

معاون آموزشی موسسه امام خمینی(ره) ادامه می‌دهد: گسترش سریع فرقه‌های نوظهور نشان دهنده مدیریت گسترده این جریان ضاله است که البته باید به این نکته توجه داشت که مدیریت گسترده‌ای پشت فرقه‌های نوظهور است که مبانی اندیشه‌های غربی را در میان مردم ترویج می‌کند.

وی تصریح می‌کند: عرفان‌های نوظهور برای تمامی سطوح مخاطبان و لایه‌های اجتماعی برنامه‌ریزی می‌کنند و همین، سبب گسترش و موفقیت‌های این فرقه‌هاست.

علل گرایش افراد به فرقه‌های نوظهور

محسن احسایی می‌گوید: دلیل گرایش بعضی از افراد به فرقه‌های نوظهور، به مشکلات روحی، خانوادگی، فکری، سیاسی، اقتصادی و... افراد باز می‌گردد؛ البته گاهی تمام این علت‌ها در یک فرد جمع است و گاهی بعضی از این عوامل در یک فرد وجود دارد.

این کارشناس مسائل فرهنگی، ادامه می‌دهد: شاید بتوان مهمترین علت گرایش گروندگان به فرقه‌های نوظهور و کاذب را، میل به متفاوت بودن دانست؛ عده‌ای از جوانان که میل به متفاوت بودن از بقیه افراد دارند، به قصد جلب توجه دیگران، وارد این مکتب‌ها می‌شوند، حال آن که از حقیقت آن‌ها هیچ‌گونه اطلاعی ندارند و نمی‌دانند اساساً جهان‌بینی این فرقه‌های نوظهور چیست.

وی در مورد بخش دیگر از کسانی که به فرقه‌های نوظهور، مخصوصا شیطان‌پرستی گرایش پیدا می‌کنند، می‌گوید: بعضی از کسانی که به دنبال ارتباطات نامشروع هستند، لهو و لعب را در این فرقه‌های نوظهور می‌بینند و به همین دلیل برای دستیابی به لذت‌های زود گذر، به این مکاتب گرایش پیدا می‌کنند.

این استاد دانشگاه همچنین علل اقتصادی را دلیل دیگر گرایش برخی دیگر از افراد به فرقه‌های نوظهور، دانسته و اظهار می‌کند: به علت وعده‌های دروغین سرکرده‌های این مکاتب، عده‌ای از افرادی که مشکل مالی دارند و در پاره‌ای موارد دارای مشکلات عقیدتی نیز هستند به این فرقه‌های نوظهور، گرایش می‌یابند.

احسایی بخش عمده‌ای از دلیل گرایش برخی از جوانان به فرقه‌های نوظهور را فعالیت گسترده سیاسی دشمنان دین اسلام می‌داند و تصریح می‌کند: یکی از مؤلفه‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، مذهب و دین است، و به همین دلیل یکی از راه‌های ضربه زدن به امنیت ملی، تضعیف دین و مذهب و اعتقادات مردم است و در این خصوص یکی از راه‌های تضعیف اعتقادات و گرایش به دین و مذهب در مردم، ایجاد فرقه‌های نوظهور و جذاب نشان دادن آنهاست.

راه‌های مقابله کدام است؟!

حجت‌الاسلام شریفی با اشاره به راهکارهای مقابله با فرقه‌های نوظهور بیان می‌کند: پاسخگویی به شبهات، شناساندن چهره پلید فرقه‌های نوظهور، شناساندن عرفان و معنویت اصیل اسلامی، تکیه کردن بر معنویت عقلانی، افشاگری و جهل‌زدایی، معرفی الگوهای درست عرفانی و بهره بردن از ظرفیت‌های مناسبت‌های مذهبی از جمله کارهایی است که فعالان فرهنگی می‌توانند انجام دهند.

این مؤلف حوزوی، با بیان اینکه برای مقابله با حمله دشمنان دین اسلام، بایستی گروه‌های متعدد کارشناسی، با برگزاری جلسات و نشست‌هایی، عوامل گرایش را به طور دقیق شناسایی کنند، می‌گوید: یکی از راه‌های مقابله با فرقه‌های نوظهور و دروغین، جلوگیری از فعالیت‌های آن‌هاست، و نباید با آن‌ها برخوردی سطحی داشت.

نهادهای مسئول وارد عمل شوند

معاون پژوهش مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، پس از بیان شیوه‌های علمی مقابله با فرقه‌های نوظهور، در بیان شیوه‌های عملی این مسأله می‌گوید: جلوگیری عملی از تبلیغات این فرقه‌های نوظهور، توسط نهادهایی چون وزارت اطلاعات، وزارت ارشاد، نیروی انتظامی و صداوسیما، ضرورتی انکارناپذیر است.

وی اضافه می‌کند: صدا و سیما تا حدودی در این عرصه موفق بوده است، اما وزارت ارشاد آن طور که شایسته است در این زمینه کار نکرده است؛ وزارت ارشاد نباید به سایت‌ها یا کتاب‌هایی که از سوی افرادی که گرایش به این فرقه‌های نوظهور دارند، مجوز چاپ و انتشار بدهد.

حجت‌الاسلام شریفی، در مورد وظایف حوزویان در مقابله با این فرقه‌ها، اظهار می‌کند: وظیفه حوزویان استفاده از پتانسیل شعائر مذهبی دین اسلام و تبیین صحیح آن‌ها برای جوانانی است که در معرض خطر گرایش به این فرقه‌های نوظهور منحرف قرار دارند.

این گزارش اضافه می‌کند، اگر چه نسبتا مدت زیادی است که فرقه‌های نوظهور در کشور مشغول فعالیت هستند اما با یک حرکت منسجم فرهنگی می‌توان در مقابل ترویج افکار باطل آنها ایستادگی کرد و این امر همت تمام دستگاه‌های فرهنگی را می‌طلبد.

جهل زدایی؛ شیوه علمی مقابله

حجت‌الاسلام توکی یکی دیگر از اساتید حوزه علمیه خاطرنشان می‌کند: اندیشمندان دینی ما باید جهل‌زدایی کنند؛ یکی از مهمترین علل و عوامل جهل و نادانی افرادی که به فرقه‌های نوظهور کاذب و دروغین گرایش دارند، جهل به عرفان حقیقی و همین طور ناآگاهی نسبت همین فرقه‌های نوظهور است.

وی اضافه می‌کند: باید شناختی حقیقی، هم از دین اسلام و هم از فرقه‌های نوظهور را برای جامعه بیان کنیم؛ اگر این‌ها جوانان را با شیوه‌های خاصی به انحراف می‌کشانند، ماهم باید با استفاده از همان شیوه‌ها، در بین نسل جوان آگاهی‌بخشی کنیم.

وی با اشاره به سخنی از امیرالمؤمنین(ع) در خطبه ۱۴۷ نهج‌البلاغه، مبنی بر این که هرگز نمی‌توانید راه رشد را بیابید، مگر آن که راه انحراف را هم نشان دهید، تصریح می‌کند: وظیفه اندیشمندان مسلمان که می‌خواهند، به شیوه‌ای علمی با گرایش جوانان به فرقه‌های نوظهور مقابله کنند، بیان شناخت عرفان حقیقی و پلیدی‌های عرفان‌های کاذب در کنار یکدیگر است.

همراه با شیعه

اوضاع فرهنگی شیعیان در عراق

عراق در رأس خلیج فارس، و یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای منطقه است که بیشتر جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. البته در این کشور نیز همانند دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس، آمار دقیقی از جمعیت شیعیان موجود نیست و در بیشتر کتاب‌ها و دایره‌المعارف‌ها، جمعیت آنان بین ۶۰ تا ۶۵ درصد تخمین زده شده است. کشور عراق هجده استان دارد که شیعیان تقریباً در دوازده استان آن پراکنده‌اند. این مکان‌ها که استان‌های جنوبی و مرکزی را در برمی‌گیرد، شامل شهرها و استان‌های بصره، ناصریه، عماره، کوت، دیوانیه، حله، کربلا، نجف، بغداد، کاظمین، بابل، قادسیه، ذی‌قار، سماوه، و واسط است. همچنین در سه استان کرکوک، دیاله و سامرا نیز اقلیتی از شیعیان زندگی می‌کنند.

نکته قابل توجه آن است که از میان تقریباً شش میلیون جمعیت بغداد، حدود چهار میلیون شیعه هستند که سه میلیون آنها در شهرک صدر زندگی می‌کنند. «همچنین یک سوم از جمعیت دو میلیون نفری ترکمن‌ها و نیز بخشی از کردهای عراق موسوم به «اکراد فعلی»، شیعه هستند.»

به لحاظ تاریخی، حضور آنان در این کشور به گذشته‌های دور باز می‌گردد؛ حتی قبل از آنکه امام علی(ع) به کوفه بیاید و مرکز خلافت را در آنجا مستقر سازد. و پس از آن، دوره‌های مختلف حکومت‌های شیعی را شاهدیم که به تقویت تشیع در منطقه انجامید.

درباره مبدأ و آغاز گرایش مردم عراق به تشیع اختلاف نظر است. بر خلاف استنادات تاریخی در خصوص تشکیل خلافت امیرالمؤمنین علی(ع) در کوفه و مبانی حمایتی کوفه و بصره از قیام امام حسین(ع)؛ پژوهشگران غیرمسلمان و غیر اسلامی، عمده قدرت شیعیان عراق امروزی را به بخش‌های تازه مسلمان شده استناد می‌دهند.

آغاز تشیع عراق، مربوط به زمان قبل از هجرت امام علی(ع) به این منطقه است، زمانی که قبیله «همدان» و «بنی نخع» از جنوب جزیره‌العرب به عراق مهاجرت کردند. آنان از سال آخر حیات پیامبر(ص)، امام علی (ع) را می‌شناختند و به دست مبارک این امام مسلمان شده بودند و همین شیعیان عراق بودند که در جریان تحت فشار قرار دادن خلیفه سوم در سال ۳۵ هجری به مدینه آمده و به همراه دیگر یاران پیامبر خدا(ص) زمینه حکومت امام علی(ع) را فراهم کردند، مهمترین و معروف‌ترین این شیعیان، مالک اشتر نخعی، کمیل بن زیاد بودند که در جریان جنگ بر ضد ناکثین و قاسطین و خوارج در کنار امام علی(ع) ماندند و بسیاری از این شیعیان به شهادت رسیدند. از ویژگی‌های شیعیان عراق می‌توان مواردی چند را مورد توجه قرار داد:

۱- یکی از ویژگی‌های مهم شیعیان عراق اعتقاد راسخ و ایمان به ارزش‌های الهی است که در طول تاریخ علی‌رغم مشکلات و سختی‌ها که حاکمان بر آنان روا داشته و تحت شدیدترین فشارهای روحی و جسمی، توانستند فرهنگ شیعی را حفظ نموده و در دل سایر فرقه‌های فکری و اعتقادی حل نشده و از مکتب شیعی محافظت نمایند و در این راه هزینه‌های سنگینی داده‌اند.

آنچه که شیعه امامیه که بعد از انتقال امامت به امام جعفر صادق(ع) امام ششم شیعیان امامیه- به «شیعه جعفری» معروف گردید را از سایر فرقه‌های شیعه متمایز ساخت، اعتقادات دینی و مشی سیاسی آنها بود. این عقاید عبارتند از: امامت، عصمت، علم ائمه(ع)، غیبت، تقیه و حاکمان‌ستمگر.

آنچه شیعیان عراق را از سایر شیعیان در سرزمین‌های اسلامی همچون لبنان و سوریه و... (به جز ایران) متمایز می‌سازد شیعه امامی بودن و اعتقاد به عقاید مذکور است و این واقعیتی است که تاریخ گویای عراق آن را تأیید می‌کند.

۲. ویژگی دیگر ناشی از وجود شهرها و عتبات عالیات و مرکز مرجعیت اعلای مسلمان شیعه در جهان است و ارزش معنوی و میراثی که این عوامل برای شیعیان عراق به ارمغان آورده است بسیار مهم است چون که این عوامل همه روزه، در درون شیعیان نمودار گشته و تمسک جستن آنها به این ارزش‌ها را افزونی بخشیده و فهم و آگاهی آنها را توسعه داده با این عنوان که آنها بیشتر از دیگر شیعیان حافظ و خادم عتبات عالیات هستند و بیشتر از دیگران به آن تمسک می‌جویند.

۳. ویژگی دیگر وجود حوزه عظیم و کهن‌سالی است که سال‌های زیادی مهد گفت‌وگوها و تلاش‌های علمی بود، شهر مقدس نجف به همراه مراکز علمی و فرهنگی که در آن وجود داشته و دارد، موجب ویژگی خاصی شد که شیعیان عراق را برخوردار از یک پایگاه علمی قوی نموده است.

ادامه دارد...

پیش به سوی احمدآباد

اشاره: وقتی از دهلیزهای شلوغ شهر و دالانهای ترافیک مرگبار تهران عبور می‌کنی تا به پشت این شهر آشوب پُردود و آلوده به جاده احمدآباد وصل شوی، انگار داری از لابه‌لای زمان و مکان،راهی به سوی تاریخ پیدا می‌کنی.

جایی در جنوب غربی تهران، جاده احمد آباد مستوفی و بنای تاریخی که در گوشه‌ای از آن به نام «شهرک مختارنامه» ایستاده تا قیام مختار را درکالبد خویش بپروراند و به نمایش بگذارد.

بیشترین حجم مختارنامه از حیث زمانی و مکانی در همین نقطه شکل گرفته است و دکورهای شهرمکه و کوفه و مدائن در همین شهرک برپا شده.

اینکه ساخت یک کالای فرهنگی - هنری همچون مختارنامه چه تاثیری بر محیط زیست اطراف خود می‌گذارد و مثلا چقدر اقتصاد و فرهنگ منطقه و محل تولید خود را تحت تاثیر قرار می‌دهد یا از آن الهام و تاثیر می‌گیرد همان چیزی است که به جست و جوی آن راهی احمد آباد شدیم.

بدیهی است مختارنامه تنها بافت طبیعی و جغرافیایی منطقه‌ای مثل احمد آباد را به خدمت نمی‌گیرد بلکه در یک تعامل و تبادل دوسویه با اهالی، رشد می‌کند. شاید اگر مختارنامه در وسط یک شهر صنعتی و مدرن مثل تهران تولید می‌شد روح شهر و فضای انتزاعی مناسبت‌های شهری در روح اثر نفوذ می‌کرد و نتیجه کار چیز دیگری می‌شد. این را از این رو می‌گوییم که هرچقدر به محل تصویربرداری مختارنامه در احمدآباد مستوفی نزدیک‌تر می‌شدیم و از نشانه‌ها و نمادهای شهری دورتر و هرچقدر از ساختار شهری به دل طبیعت و موقعیت روستایی احمدآباد می‌رفتیم، حس و حال عاطفی- روانی ما نیز با وضعیت زمانی اثر، سنخیت و همسویی بیشتری پیدا می‌کرد.

شاید دلیل انتخاب چنین مکانی برای ساخت این سریال هم دور از این تصورات و تحلیلهای نگارنده نباشد. دقیقا زمانی که خورشید با آمدن غروب در حال پنهان شدن پشت ابرها بود، با نزدیک شدن به احمدآباد، نشانه ما برای پرسش از نشانی آنجا شهرک مختارنامه بود. حالا دیگر مختارنامه جزیی از جغرافیا و تاریخ احمدآباد است و احتمالا بعدها افراد زیادی از دور و نزدیک برای تماشای این شهرک و یا هنرمندان برای ساخت مجموعه تاریخی دیگر به اینجا رفت و آمد و بالطبع به رونق آنجا کمک کنند. کسی چه می‌داند. شاید بعدها نام احمدآباد به مختارآباد تغییر کند!

شروع گفت‌وگوی ما با نگهبان شهرک بود که دیگر چندسالی است که با پروژه مختارنامه زندگی می‌کند و در همان اتاق ساده نگهبانی دور از هیاهوی شهر به زندگی مشغول است. شاید او مصداق یگانگی کار و زندگی و هنر و فردیت باشد هرچند که ممکن است کسی او را به عنوان هنرمند یا حتی هنرور هم نشناسد اما اکنون تنها اوست که هنوز هم پس از پایان تولید سریال در آنجا مانده است و با خاطرات این سالها زندگی می‌کند.

یکی از برکات این سریال از حیث اقتصادی به اشتغال زایی آن برمی‌گردد چنانچه در برخی از اخبار و گزارش‌ها آمده مختارنامه توانسته است در این سالها صدها فرصت شغلی ایجاد کند. یکی هم شغل «سید جلال فاطمی» است که در پروژه به طلایی معروف شده است. چرا که او کلید طلایی ورود به پروژه است و کسی بدون هماهنگی و مجوز او نمی‌تواند به شهرک وارد شود. به گفته فاطمی شهرک مختارنامه تحت نظارت و مدیریت سیما فیلم قرار دارد و خودش را هم یکی از کارکنان آن می‌داند. او می‌گوید: «وضعیت من بستگی به تصمیم سیمافیلم دارد که بمانم یا بروم.

سید جلال به نکته مهمی درباره تداوم حضورش پس از پایان پروژه می‌گوید: «این شهرک همچنان در اینجا باقی است و من وظیفه دارم نگهبان آن باشم به این خاطر که ممکن است در صورت بازنگری یا اشکلات فنی که در سریال پیش می‌آید لازم باشد که برخی صحنه‌ها دوباره فیلم برداری شود.» به گفته فاطمی این مکان به احتمال زیاد به عنوان یک شهرک سینمایی برای تولید سریال‌های تاریخی حفظ و نگهداری می‌شود. کارکرد تولیدات بزرگ سینمایی و تلویزیونی صرفا به تصاویر دراماتیک و خاطرات بصری ختم نمی‌شود یکی هم این است که همسو با آن ابزار و ساخت و سازهای نمایشی تولید می‌شود که پشتوانه فنی و صنعتی برای این هنر خواهد بود و یک نوع صرفه جویی اقتصادی هم به حساب می‌آید. بدین معنی که در آثار بعدی نیزهمین تجهیزات مورد استفاده مجدد قرار می‌گیرد. این تجهیزات در یک کار تاریخی صرفا دکور و طراحی صحنه نیست بلکه مواردی دیگر مثل طراحی لباس و ابزارآلات جنگی و رزمی را هم شامل می‌شود.

در هنگام گفت‌وگو با سید جلال در آن دور پیرمردی قدبلند و ورزیده را می‌دیدم که مشغول مراقبت از چند اسب سوارکاری بود. معلوم بود که آنجا طویله مخصوص نگهداری اسب‌ها است که نقش مهمی در ساخت مجموعه مختارنامه داشتند. به قول آن مرد که با اسب به طرف من نزدیک می‌شد، نزدیک به ۲۵۰ اسب در این سریال مورد استفاده قرار گرفته اند. اشتباه نکرده بودم چرا که او در سریالهایی مثل روزی روزگاری، سربداران، میرزا کوچک خان، ولایت عشق و امام علی(ع) نیز نقش‌های کوتاهی را بازی کرده بود. در سریال قبلی میرباقری، نمازی در برخی از صحنه‌ها نقش امام علی (ع) را بازی کرده که این را یکی از افتخارات زندگی‌اش می‌داند.

حالا کمی از شهرک فاصله می‌گیریم و چند متر آن‌طرف‌تر به مغازه‌هایی سر می‌زنیم که در همسایگی مختارنامه قرار داشتند و اهالی محله‌ی این منطقه از احمدآباد مستوفی حالا دیگر چند سالی است که در کنار این شهرک زندگی مشترکی را تجربه کرده اند. شاید نزدیک ترین دکانی که در آن حوالی به شهرک مختارنامه بود یک سوپر مارکتی بود که صاحبش از اینکه این سریال در آن مکان تولید می‌شد احساس خوشحالی و رضایت می‌کرد. یکی از دلایل مهم رضایت او نیز برکات و ثمرات اقتصادی‌ای بود که این پروژه برای آنها به ارمغان آورده بود. به گفته «یونس کریمی» این سریال باعث خیر و برکت برای آنها شده و در طول روز بارها شده که عوامل سریال بخشی از نیازهای خوراکی خود را از مغازه او تهیه می‌کردند. از منظر جامعه شناسی هنر اگر بخواهیم به این مساله بپردازیم، ماهیت صنعتی بودن سینما را باید فراتر از ساختار درونی آن هم بررسی کنیم. شکل گیری سوپر پروداکشنی مثل مختارنامه در محیط پیرامونی خود تاثیر گذاشته و در اقتصاد احمد آباد نیز تاثیرات مثبتی داشته است؛ به طوری که آقای کریمی می‌گوید: این سریال باعث شد تا بر تعداد مغازه‌ها و فروشگاه‌های این منطقه افزوده شود و بالطبع این اتفاق در بهبود نظام معیشتی اهالی محل نیز تاثیر گذاشته‌است.

ازآن طرف آقای «مهرداد ورزی» که او هم درآن سوی خیابان سوپرمارکت دارد مخالف نظر آقای کریمی است و معتقد است که «مدیریت مالی این پروژه به شکل عادلانه‌ای رفتار نکرده و خریدهای خود را به یک فروشگاه خاص محدود کرده است. در حالی که وقتی پروژه عظیمی مثل مختار در منطقه‌ای قرار است چند سال به طول بیانجامد، باید به شکلی برنامه ریزی کند که سود آن بین همه کسانی که در آن منطقه کاسبند و حق همسایگی با آن پروژه دارند توزیع شود و خیر آنها به همه برسد.

او ادامه می‌دهد: «به نظر من برای سریال‌های بزرگی مثل مختارنامه باید عوامل پشت صحنه و خدماتی را هم توجیه کرد و مثلا کسی که مسئول خرید این کار است باید به گونه‌ای برنامه ریزی کند که خیرآن پروژه به همه کسانی که در نزدیکی آن منطقه کاسب هستند برسد. در حالی که مسئول خرید مختارنامه مثلا از یکی از مغازه‌ها ٤-٥ میلیون خرید می‌کرد و به فروشگاه دیگر که چند قدم آن طرف تر بود سر نمی‌زد. از این بابت ما کمی از دست اندرکاران این سریال گله مندیم».

آقای ورزی خیلی هم بیراه نمی‌گوید. سریال‌های بزرگی مثل مختارنامه اگرچه در درجه اول یک پروژه هنری - فرهنگی هستند و بالطبع نباید در فکر سودآوری و اهداف اقتصادی باشند اما در عین حال به عنوان یک تولید عظیم می‌توانند کارکردهای اقتصادی هم داشته باشند؛ کارکردهایی که لزوما قرار نیست سود آن به جیب خودش برود بلکه منافع و منابع مالی که به واسطه آن ایجاد شده می‌تواند در یک ساماندهی و برنامه ریزی حساب شده به شکلی طراحی شود که تعداد بیشتری از افرادی که به طور مستقیم و غیر مستقیم با آن پروژه در ارتباطند از قبل آن بهره مند شوند.»

آقای ورزی البته به کارهای تاریخی میرباقری علاقه‌مند است و از اینکه در طی این چند سال وی را که سه تا کوچه بالاتر از مغازه آنها یعنی کوچه شهید باقری بن‌بست لاله خانه‌ای اجاره کرده بود می‌دید ابراز خوشحالی می‌کند. ولی به قول خودش هیچ وقت نشد یا پیش نیامد که با او از نزدیک دیدار و گپ و گفتی داشته باشد.

میرباقری اگرچه به دلیل فاصله زیاد احمدآباد با تهران اغلب شبها در همین خانه اجاره‌ای زندگی می‌کرد اما همین شرایط خود فرصتی بود تا از حس و حال و فضای تاریخی پروژه فاصله نگیرد و درگیر مناسبات شهری نشود. اینکه چقدر یک کار تاریخی که سال‌ها تمام وقت و زندگی کارگردان را به خود اختصاص می‌دهد او را از تاریخ معاصر و مناسبات آن جدا می‌کند، در جای خود قابل بحث و بررسی است که اگر فرصتی دست داد تا با میرباقری گفت‌وگو کنیم حتما از این تجربه در یک زیست دوگانه خواهیم پرسید. این را به این دلیل می‌گویم که وقتی از محوطه بیرون شهرک که جز طبیعت و بنای تاریخی چیزی نداشت به این خیابان و فروشگاههایش آمدیم این حس دوگانه را احساس کردم.

این مغازه دار البته به تاثیرات فرهنگی مختارنامه در احمدآباد باور دارد و می‌گوید: «مختارنامه باعث معرفی و شناخته شدن احمدآباد شد و نام این منطقه در روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون گفته شد و از این حالت ناشناختگی درآمد. قبلاً کسی این منطقه را نمی‌شناخت یا وقتی می‌گفتی احمدآباد از آن می‌ترسید.»

حرف‌های آقای ورزی نکات مهمی در خود دارد. یکی اینکه ساخت سریالهای تاریخی و تصویری شدن قهرمان‌های تاریخ چه ملی، چه مذهبی چقدر به شناخت و ماندگاری آنها در ذهن مخاطب و مردم تاثیر می‌گذارد و این نشان می‌دهد که قدرت تصویر در معرفی مشاهیر و مفاخر بومی از قدرت کاغذ و کتاب هم بیشتر است و در هویت بخشی فرهنگی به مردم به ویژه جوانان چقدر موثر است. دوم اینکه تاریخ ما سرشار از رخدادها و قهرمان‌هایی است که می‌توانند دستمایه یک سریال جذاب تلویزیونی قرار بگیرند. ضمن اینکه حرف ورزی مبین این واقعیت است که مردم ما نسبت به سریال‌های تلویزیونی آگاهی و شناخت بیشتری پیدا کرده‌اند و نمی‌توان آنها را به مخاطبان عام تقلیل داد.»

از کسبه‌ای که در منطقه احمدآباد مستوفی بیشترین ارتباط را با پروژه داشت می‌توان به نانوایی محل اشاره کرد که مسوول خرید مختارنامه هر روز برای خرید روزانه نان به او مراجعه می‌کرد. در این چند سال آنها مشتریان ثابت این نانوایی بودند. محمد عبدالهی نانوا در این باره می‌گوید: «آقای فرهاد غلامحسینی مسئول تدارک سریال بود که هر روز صبح ۷۰-۸۰ تا نان برای بازیگران و عوامل می‌گرفت.»

عبدالهی از اینکه سریال مختارنامه در منطقه آن‌ها تولید شده، بسیار ابراز خوشحالی می‌کرد؛ بیشتر به این دلیل که موجب شناخته شدن منطقه احمدآباد شد و در رونق اقتصادی آنجا تاثیر مثبتی گذاشت.»

به گفته عبداللهی «گاهی پیش می‌آمد که چندین اتوبوس از هنروران و سیاهی لشکر به اینجا می‌آمدند و این برای ما که در اینجا نانوایی داشتیم خیلی سودآور بود. چون علاوه بر نان روزانه‌ای که خریداری می‌شد این افراد هم یکی دو تا نان از ما می‌خریدند و در این چند سالی که مختارنامه در اینجا تولید می‌شود برای ما هم برکات زیادی به همراه داشت.»

حدیث

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «لاینالُ شَفاعَتنا مَن استَخَفَّ بالصَّلاه»

هرکس نمازش را سبک بشمارد، به شفاعت ما دست نخواهد یافت.

(فروع کافی، ج۳، ص۲۷۰)

نکته‌های ناب

مثَل نماز مثَل حمام در خانه است

روزی شخصی از آیت‌الله بهاءالدینی(ره) پرسید: خواندن نماز در پنج وقت بهتر است یا جمع کردن بین آن‌ها؟

ایشان در پاسخ به این سوال فرمودند: این موضوع از جزئیات است و زیاد مهم نیست. آنچه اصل و روح نماز است، این است که اگر می‌خواهید بدانید نماز شما مورد قبول است یا نه، از این جا تجربه کنید؛ اگر دیدید نماز شما جلوی دروغ و فساد و منکرات را می‌گیرد، بدانید نماز شما مقبول است. کار نماز این است، همان طور که آتش می‌سوزاند و آب خاموش می‌کند، نماز هم انسان را

از منکرات نجات می‌دهد. آن زمانی که انسان به فکر منکر افتاد، اگر دید نمازش مانع دروغ گفتن اوست بداند نمازش مقبول است. در کلمات حضرت امیر علیه‌السلام آمده است که: مَثل‌الصلوه مثل‌الحُمّه علی باب‌الرجل: مَثل نماز، مَثل حمام در خانه است.

انسانی که پنج مرتبه در شبانه روز حمام می‌رود، آیا دیگر بدن او آلوده است؟ این نماز را هم اگر کسی آن گونه که باید، انجام دهد، روحش را از کثافات و معصیت‌ها تطهیر می‌کند. اگر دیدید از معاصی پاک شدید؛ دروغ نمی‌گویید، خیانت نمی‌کنید، کلک و حقه‌بازی را کنار گذاشتید، بدانید نماز خوانده‌اید.

نخبگان

پرواز به سوی بهشت

آیت‌الله اشرفی اصفهانی در سال ۱۲۸۱ ش در خمینی‌شهر اصفهان در خانواده‌ای روحانی متولد شد و تحصیلات ابتدایی مقدماتی را در خمینی شهر گذراند و در سن ۱۲ سالگی جهت ادامه تحصیل راهی اصفهان شد و حدود ده سال از محضر علمایی چون آیت‌الله سیدمهدی درچه‌ای، آیت‌الله سیدمحمد نجف‌آبادی، مرحوم فشارکی و مرحوم مدرس بهره برد. ایشان دوران طلبگی خود را با نهایت عسرت و مشقت اقتصادی گذراند و در مدتی که در حوزه اصفهان بود هر هفته فاصله میان اصفهان تا خمینی‌شهر را که دوازده کیلومتر بود طی می‌کرد. ایشان می‌گوید: دوشنبه خوراکم تمام می‌شد سه‌شنبه دو ریال پولم را خرج می‌کردم، چهارشنبه که آخرین روز تحصیل بود بدون پول و غذا می‌گذراندم.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی در سال ۱۳۰۲ش در سن بیست سالگی جهت ادامه تحصیل و نیل به مقامات عالیه و دینی رهسپار حوزه علمیه قم گردید. ایشان با همه مشکلات و مسائل آن زمان، در تحصیل علوم اسلامی و دینی جدیت به خرج داد و پس از اندک زمانی از فضلا و مدرسین نامی و برجسته حوزه علمیه قم به شمار آمد و در سن ٤٠ سالگی اجازه اجتهاد خود را از آیت‌الله خوانساری دریافت کرد.

در سال ۱۳۳۵ آیت‌الله اشرفی اصفهانی بنا به دستور مرحوم آیت‌الله بروجردی جهت تبلیغ و نشر معارف و احکام دین و تقویت بنیه دینی و مذهبی اهالی کرمانشاه به آنجا سفر کرد.

با اوج‌گیری انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام

خمینی(ع) آیت‌الله اشرفی نیز حرکت‌های وسیعی را در کرمانشاه پایه‌گذاری کرد. با آغاز جنگ تحمیلی و بسیج همه جانبه مردم و قوای مسلح برای حضور در جبهه و پشتیبانی جبهه‌های جنگ، آیت‌الله اشرفی نیز با مهم توصیف کردن مسئله جنگ، در مدت ۲۵ ماه در تمام خطبه‌های نماز جمعه و مصاحبه‌ها و پیام‌های خود به حضور مردم در جبهه‌ها تأکید می‌ورزید و حتی چندین بار رهسپار جبهه‌ها شد. ایشان دائماً با حضور در جبهه‌ها به دیدار رزمندگان می‌شتافت و مقید بود که برای آنان سخنرانی کند. شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی پس از ۸۰ سال زندگی پرافتخار و خدمت به اسلام و قرآن، توسط یکی از مزدوران آمریکا و منافقین کوردل در ساعت ۱۲/۱۵ ظهر ۲۳ مهرماه ۱۳۶۱ در سنگر نماز جمعه مسجد جامع و در محراب نماز به افتخار شهادت نایل آمد.

از خدمات آن شهید بزرگوار می‌توان به: تاسیس حوزه علمیه امام خمینی در کرمانشاه و اداره این حوزه با بیش از ٦٠ نفر طلبه، بازسازی مدرسه مرحوم آیت‌الله بروجردی، توسعه کتابخانه مدرسه مرحوم آیت‌الله بروجردی، تاسیس حوزه علمیه خواهران، ایجاد وحدت کامل بین روحانیت شیعه و سنی، بازسازی مسجد جامع کرمانشاه، بازنمودن شماره حسابهای متعدد به نام مهاجرین جنگی و جبهه جنگ و بازسازی مناطق جنگی و همچنین کمک به سیلزدگان خوزستان و زلزله کرمان و طبس که تمام وجوه این شماره حسابها جمع‌آوری و برای نجات برادران و خواهران آسیب‌دیده و برادران رزمنده صرف شد، اشاره کرد.

ختم پرونده جعلی وقف دانشگاه آزاد

وقف اموال دانشگاه آزاد اسلامی از جمله موضوعاتی بود که به ویژه پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم با اصرار مسئولان دانشگاه آزاد توجه مردم و رسانه‌های کشور را به خود جلب کرد و سر و صدای بسیاری هم به پا کرد.

آقای هاشمی رئیس هیات امنا و عبدالله جعفرعلی جاسبی به عنوان رئیس دانشگاه آزاد به همراه دیگر مسئولان این دانشگاه بر وقف اموال دانشگاه آزاد اصرار داشتند و حتی در شهریورماه سال گذشته ادعا کردند که صیغه وقف دانشگاه آزاد را هم خوانده‌اند.

جعل نظر رهبر معظم انقلاب از سوی مسئولان دانشگاه آزاد

در همین راستا بود که مسئولین دانشگاه آزاد جهت توجیه وقف اموال این دانشگاه از موافقت مقام معظم رهبری از این تصمیم خبر دادند که البته دفتر معظم‌له این موضوع را تکذیب کرد.

استناد هاشمی‌رفسنجانی به فتوای رهبر معظم انقلاب در حالی بیان می‌شد که ایشان هیچ‌نظری در مورد وقف دانشگاه آزاد اعلام نکرده‌اند و سال گذشته در پی اخبار منتشر شده مبنی بر موافقت رهبر معظم انقلاب با وقف دانشگاه آزاد، از سوی دفتر معظم له در عصر روز ۱۰ شهریورماه سال ۸۸ با صدور اطلاعیه‌ای تاکید شده بود که «موافقتی از ناحیه رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص وقف اموال دانشگاه آزاد اسلامی اعلام نشده است.»

با این حال افراد و محافل حامی مسئولان دانشگاه آزاد همچنان به طرح این ادعا پرداختند تا جایی که در اوایل خردادماه امسال علی عباسپور رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس و برادر خانم آقای جاسبی مدعی شد که «وقف دانشگاه آزاد بر اساس فتوای رهبر معظم انقلاب است.»

نظر کارشناسان در مورد وقف دانشگاه آزاد

اما از دیگر سو اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، بخشی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، دانشگاهیان و حقوقدانان عنوان کرده بودند که وقف اموال دانشگاه آزاد غیرقانونی و خلاف شرع است.

به گفته آنان، اموال دانشگاه آزاد متعلق به عموم مردم است و مسئولان دانشگاه آزاد حق وقف و تصرف آن را ندارند.

این کارشناسان معتقدند بودند که پافشاری‌ها و رایزنی‌های گسترده برای تحقق وقف دانشگاه آزاد، با اهدافی از جمله تداوم ریاست و مدیریت سه دهه‌ای بر این دانشگاه و جلوگیری از شفافیت مالی و روشن شدن نحوه هزینه درآمدهای میلیاردی است.

در همین زمینه، دکتر کچوئیان یکی از اعضای این شورا گفت: «مگر دانشگاه آزاد مال شخص است که بتواند اموال را وقف نماید، منابعی که در اختیار دانشگاه آزاد است، جزو اموال عمومی است بنابراین امکان وقف در آن دانشگاه وجود ندارد.»

استناد هاشمی به فتوای رهبر معظم انقلاب در حالی بیان می‌شد که سال گذشته در پی اخبار منتشر شده مبنی بر موافقت رهبر معظم انقلاب با وقف دانشگاه آزاد، از سوی دفتر معظم له با صدور اطلاعیه‌ای تاکید شده بود که «موافقتی از ناحیه رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص وقف اموال دانشگاه آزاد اسلامی اعلام نشده است.»

مخبر دزفولی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی هم به تصمیم اعلام شده هیات امنای دانشگاه آزاد پاسخ داد و تاکید کرد که مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی قطعی و لازم‌الاجراست.

ابلاغ اساسنامه جدید دانشگاه‌آزاد از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی

به همین دلیل در ماده ۵ اساسنامه جدید این موسسه آموزش عالی که اوایل امسال و پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی از سوی رئیس‌جمهور به مسئولان دانشگاه آزاد ابلاغ شد، آمده است که دانشگاه آزاد مؤسسه‌ای است عمومی و غیردولتی و اموال آن به عنوان اموال عمومی محسوب می‌شود و هیچ یک از اعضای هیأت مؤسس، هیأت امناء، مدیران و دیگر ارکان و مسئولین دانشگاه هیچ گونه حق مالکیت و حق انتفاع شخصی از اموال مزبور را ندارند و اموال و منافع مزبور منحصراً با رعایت مفاد این اساسنامه و مقررات حاکم و با رعایت مصلحت دانشگاه، صرف هزینه‌ها و پیشرفت و توسعهٔ فعالیت‌های دانشگاه خواهد شد.

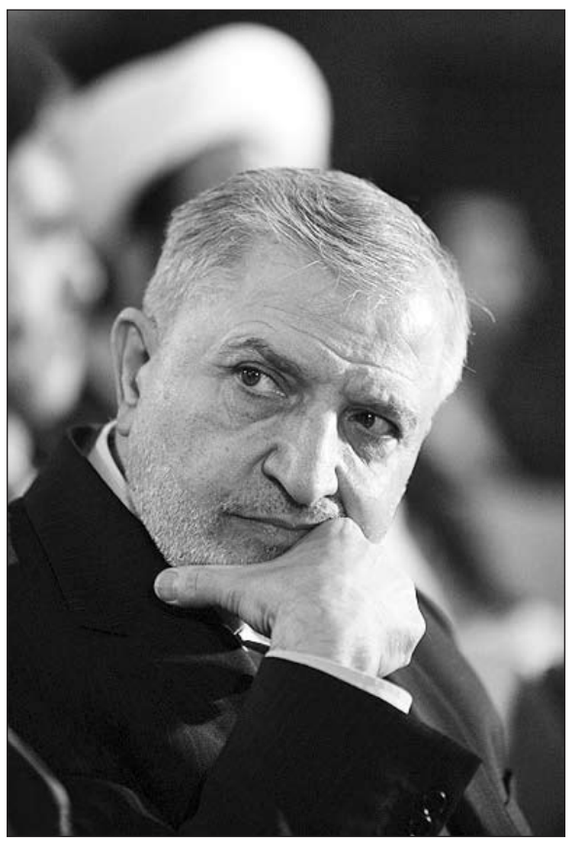

اما در حالی که رئیس دانشگاه آزاد اسلامی اعلام کرده بود که صیغه وقف این دانشگاه خوانده شده و مراحل قانونی آن طی شده است، حجت‌الاسلام محمدی سرپرست سازمان اوقاف چندین بار با بیان اینکه دانشگاه آزاد نمی‌تواند سرمایه‌هایی که متعلق به آن نیست را وقف کند، ادعای مسئولین دانشگاه آزاد مبنی بر وقف اموال آن را رد کرد.

مصوبه‌مجلس برای وقف اموال دانشگاه آزاد!

اواخر اردیبهشت‌ماه امسال، پیش طرح وقف اموال موسسات غیردولتی و غیرانتفاعی توسط معاون پارلمانی رئیس دانشگاه آزاد با کمک چند نماینده از جمله علی عباسپور برادر زن رئیس دانشگاه آزاد، در صحن علنی مجلس مطرح و با رایزنی‌های آنها توانست به تصویب برسد.

این طرح که درصدد بخشیدن وجهه قانونی به وقف اموال دانشگاه آزاد بود، در روندی عجیب توانست آرای کافی برای فوریت خود را از نمایندگان کسب کند.

این مصوبه مجلس با انتقاد گسترده دانشجویان و مسئولان و همچنین تعداد زیادی از نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی رو به رو شد.

دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور نیز به نمایندگان شهرهای خود که این طرح را امضا کرده بودند، اعتراض کردند.

با گسترده‌تر شدن انتقادات به این اقدام نمایندگان مجلس و روشنگری پیرامون این طرح، بسیاری از نمایندگان مجلس که این مصوبه را امضا کرده بودند به یکباره منتقد این مصوبه شدند و در طرحی دو فوریتی، به همراه دیگر نمایندگان منتقد، طرحی را مطرح کردند که بر اساس آن مصوبه پیشین را بی‌اعتبار می‌کرد.

هرچند روز تصویب طرح اولیه در حمایت از وقف دانشگاه آزاد «یکشنبه سیاه» لقب گرفت اما اقدام بعدی نمایندگان به نحوی جبران مافات کرد.

با این حال این موضوع در ادامه، مانع پافشاری مسئولان دانشگاه آزاد و چند تن از نمایندگان حامی آنها در مورد وقف اموال دانشگاه آزاد نشد.

این افراد در اظهارنظرهای مختلف خود، ضمن تاکید بر وقف اموال ۲۵۰ هزار میلیارد تومانی دانشگاه آزاد حتی مدعی خواندن صیغه وقف اموال دانشگاه آزاد شدند.

از دیگر سو، اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، بسیاری از نمایندگان مجلس و فعالان سیاسی و دانشگاهی خواستار تبعیت مسئولان دانشگاه آزاد از اساسنامه جدید این دانشگاه و قوانین مربوط به وقف شدند و تمام اظهارات دانشگاه آزاد را خلاف قانون و شرع دانستند.

درایت مقام معظم رهبری برای حل موضوع وقف دانشگاه آزاد

مطرح شدن این اختلاف در سطح رسانه‌ها باعث شد که رهبر معظم انقلاب هم نسبت به وقف دانشگاه آزاد واکنش نشان دهند.

رهبر معظم انقلاب چندی پیش در دو نامه جداگانه خطاب به آقای هاشمی‌رفسنجانی (رئیس هیئت مؤسس دانشگاه آزاد) و دکتر احمدی‌نژاد (رئیس شورایعالی انقلاب فرهنگی) ضمن تاکید بر قانونی بودن مصوبه شورایعالی انقلاب فرهنگی، خواستار توقف اجرای آن شدند و هیئت مؤسس دانشگاه آزاد را نیز از تصرف مبنی بر وقف دانشگاه آزاد بازداشتند.

ایشان در عین حال امکان شرعی و قانونی وقف دانشگاه آزاد را نیز به هیئتی از متخصصان فقهی و حقوقی به ریاست آیت الله لاریجانی رئیس دستگاه قضا سپردند که تصمیم نهایی درباره دانشگاه آزاد و چالش میان هیئت مؤسس دانشگاه و شورایعالی انقلاب فرهنگی موکول به ارائه نظر این هیئت گردید.

جنجال دوباره مسئولین دانشگاه آزاد برای وقف

هرچند که با نزدیک شدن به زمان اعلام نظر هیئت فقهی و حقوقی، تکاپوی مسئولان دانشگاه آزاد برای تاثیرگذاری به نظر اعضای این هیئت افزایش یافت اما هرگز خواسته سران دانشگاه آزاد محقق نشد.

چندی بعد حجت‌الاسلام علیرضا سلیمی عضو کمیسیون آموزش مجلس به نقل از شهاب‌الدین صدر نائب رئیس مجلس، از مردود شدن موضوع وقف درباره دانشگاه آزاد خبر داد.

بنابر گفته صدر، هیئت متخصصان فقهی و حقوقی مامور از طرف رهبر معظم انقلاب که سرپرستی آن را آیت‌الله آملی لاریجانی رئیس قوه قضائیه بر عهده داشته است، وقف اموال دانشگاه آزاد را غیرقانونی تشخیص داده است.

در پی همین زمزمه‌ها بود که آقای هاشمی به عنوان رئیس موسس دانشگاه آزاد چندین جلسه پنهانی را به همراه مقامات ارشد این دانشگاه با جمعی از روحانیون مطرح برگزار کرد اما پس از آن که این جلسات به راه‌حل مطلوبی نرسید، آقای هاشمی ترجیح داد که شخصاً وارد عرصه موضع‌گیری‌های علنی شود.

بر همین اساس، آقای هاشمی‌رفسنجانی رئیس هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی در آیین افتتاح دانشگاه آزاد اسلامی شهر بابل با اشاره به فتوای رهبر معظم انقلاب، گفت: فکر نمی‌کنم کسی بتواند این وقف را به هم بزند و برهم زننده وقف دانشگاه آزاد باید از خدا قوی‌تر باشد.

این در حالی است که استناد هاشمی‌رفسنجانی به فتوای رهبر معظم انقلاب در حالی بیان می‌شد که ایشان هیچ‌نظری در مورد وقف دانشگاه آزاد اعلام نکرده‌اند و در شهریورماه سال گذشته نیز در پی جعل نظر رهبر معظم انقلاب از سوی مسئولان دانشگاه آزاد در مورد وقف این دانشگاه، دفتر معظم‌له نظر ایشان را تکذیب کرد.

با این حال آقای هاشمی رفسنجانی رئیس هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی پیش از اعلام نظر این هیئت در بابل گفته بود که کسی نمی‌تواند وقف دانشگاه آزاد را بر هم بزند: «ما براساس فتوای رهبری و چهار مجتهد که در هیئت موسس حضور داریم تصمیم به وقف این دانشگاه گرفته‌ایم، صیغه آن نیز خوانده شد و قبض و اقباض نیز انجام شد که فکر نمی‌کنیم کسی بتواند آن را به هم بزند و اگر کسی توانست این کار را انجام دهد از خداوند قوی‌تر است و از او پس می‌گیرد.»

وی البته از چهار مجتهد هیئت موسس دانشگاه آزاد نامی نبرد اما از میان اعضای هیئت موسس تنها سه نفر روحانی هستند؛ موسوی، جاسبی، حبیبی و ولایتی هم اعضای غیرروحانی آن هستند.

پاسخ آیت‌الله آملی لاریجانی

آیت‌الله صادق آملی لاریجانی نیز به این سخنان آیت‌الله هاشمی واکنش نشان داد و گفت: بنده برای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی احترام ویژه‌ای قائلم اما اگر فرد دیگری غیر از ایشان می‌گفت که هر کسی وقف دانشگاه آزاد را باطل اعلام کند در مقابل حرف خدا ایستاده می‌گفتم این حرف، حرفی عوامانه است.

وی ادامه داد: ما قصد نداریم بگوییم وقف باطل است و جلوی حرف خدا بایستیم بلکه می‌خواهیم بگوییم وقف دانشگاه آزاد از ابتدا عملی منبطل بوده است.

خط بطلان...

همه اینها گذشت تا پس از گذشت یک دوره نفس‌گیر، رهبر معظم انقلاب در راستای اعلام نظر هیئت فقهی حقوقی نظر نهایی را در خصوص وقف دانشگاه آزاد اعلام کردند.

در نامه ایشان که خط بطلانی بود بر سناریوی وقف دانشگاه آزاد آمد:

بسم الله الرحمن الرحیم

در پی مأموریت به دو هیئت فقهی و حقوقی برای بررسی عمیق و همه جانبه درباره وقف اموال دانشگاه آزاد اسلامی، مجموعه بحث‌ها و تدقیق در ادله مختلف به این نتیجه قطعی منتهی شد که وقف مزبور دارای اشکالات اساسی فقهی و حقوقی است از جمله، هم به لحاظ مشروعیت وقف مذکور و هم از جهت صلاحیت هیئت محترم موسس در انشاء این وقف. همچنان که مشکل اساسی تحقق قبول مقام ذیصلاح نیز مطرح است، بنابراین وقف مزبور از لحاظ فقهی و حقوقی صحیح نیست.

ضمناً با توجه به ماهیت غیرخصوصی و غیردولتی دانشگاه آزاد اسلامی، لازم است بندهای ۵ و ۱۰ مصوبه جدید شورایعالی انقلاب فرهنگی در مورد اساسنامه آن دانشگاه مورد بررسی مجدد قرار گرفته و اصلاح شود.

مراتب به جناب آقای هاشمی رفسنجانی ریاست محترم هیئت موسس و جناب آقای احمدی‌نژاد ریاست محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی ابلاغ شود.

سیدعلی خامنه‌ای ۸۹/۷/۱۸

آقای هاشمی به عنوان رئیس موسس دانشگاه آزاد چندین جلسه پنهانی را به همراه مقامات ارشد این دانشگاه با جمعی از روحانیون مطرح برگزار کرد اما پس از آن که این جلسات به راه‌حل مطلوبی نرسید، آقای هاشمی ترجیح داد که شخصاً وارد عرصه موضع‌گیری‌های علنی شود

گزارشی از آخرین تحولات پرونده تحریم غیرقانونی

غرب ناکام از تحریم‌ها ایران مقاوم در برابر غرب

پس از تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد سفارتخانه‌های کشورهای غربی به‌ویژه سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس به‌عنوان نمایندگان دولت‌های متبوع خود تلاش زیادی از خود به نمایش گذاشتند تا بتوانند تحریم‌های جاری علیه ایران را به‌نحوی به یک معضل بزرگ اجتماعی برای متقاضیان ایرانی روادید کشورهای فوق تبدیل کنند.

دراین زمینه، نمایندگی این کشورها در ایران اقداماتی انجام می‌دهند که مهمترین هدف آن، سرگردانی متقاضیان اخذ روادید به‌بهانه‌های مختلف است. سفارت انگلستان در تهران که کلیه متقاضیان را به ثبت نام اینترنتی ارجاع می‌دهد، در سایت خود لینکی به‌نام «ویزا فوریو» ایجاد کرده، پس از اینکه متقاضیان روادید فرم‌های درخواستی را کامل کردند، قاعدتا طبق روال باید برای آنها زمانی را به‌عنوان مراجعه حضوری تعیین کند. در عین حال، هیچ‌گونه اعلامی به متقاضیان برای زمان ورود به سفارت تعیین نمی‌شود و آنها باید منتظر ایمیل ارسالی از سفارت بمانند که ممکن است دریافت این ایمیل یک تا دو سال به درازا بینجامد و نهایتا نیز جوابی دریافت نکنند. اکنون سفارت انگلستان با این متقاضیان، به این نحو غیرانسانی که نمونه آن سابقه نداشته‌است، برخورد می‌کند.

سفارت فرانسه نیز در این زمینه از انگلیسی‌ها پیش افتاده و بعد از صدور قطعنامه‌ها، بالای ۴۰ درصد از روادید اعطا شده به متقاضیان ایرانی را لغو کرده است و اکنون با دادن وقت‌های طولانی مدت به متقاضیان آنها را سرگردان می‌کند که این رویه نیز بعد از صدور قطعنامه در مورد متقاضیان ایرانی به اجرا گذاشته شده است. همچنین متقاضیان روادید برای سفر به آلمان هم باید هر چند وقت یک‌بار منتظر باشند که بخش تعیین وقت برای درخواست حضوری روادید برای مدت چند ساعت باز شود و در حقیقت ۵۰ درصد وقت‌های مورد نظر در سایت از قبل کامل شده و متقاضیان ایرانی فقط می‌توانند در یک زمان اندک که سایت برای اخذ روادید تعیین وقت می‌کند، اقدام به گرفتن وقت برای مراجعه حضوری کنند.

این اقدامات که فقط برای ایجاد بعد روانی و اجتماعی تأثیر تحریم‌ها بر متقاضیان ایرانی انجام می‌شود، ضمن وارد کردن فشار به تجار ایرانی، قصد نشان دادن زهر قطعنامه‌های مصوبه شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه کشورمان را دارد.

پیشنهاد مقام سابق آلمانی در مورد دور زدن تحریم‌ها!

اما این اقدامات در حالی انجام می‌گیرد که مدیر موسسه آلمانی مطالعات شرق گفت: تحریم‌ها علیه ایران بی‌نتیجه است و بخش‌های مختلف در آلمان مشغول بحث در این مورد هستند، چرا که ایران شرکای تجاری جدیدی برای خود پیدا کرده و به همین علت علاوه بر اینکه تحریم‌ها ناکارآمد خواهد بود، ما هم ضرر می‌کنیم.

دکتر گونتر مولاک به تازگی این سخن را در دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه هنگام سخنرانی در مورد موضوع روابط ایران و آلمان، فرصت‌ها و چالش‌ها مطرح کرد.

وی روابط ایران و آلمان را دارای پیشینه‌ای ۵۰۰ ساله توصیف کرد و گفت: آلمان، ایران را به‌خاطر تمدن کهنش شریک خود می‌دانست و متقابلاً ایرانی‌ها هم احساس دوستی با آلمان داشتند.

کمیسر سابق گفت‌وگو با جهان اسلام در وزارت امور خارجه آلمان ادامه داد: تحریم‌های وضع شده علیه ایران به مانعی برای افزایش همکاری‌های تجاری دو طرف تبدیل شده است.

مدیر موسسه مطالعات شرق تحریم را دغدغه مشترک آلمان و ایران خواند و افزود: باید از طریق مذاکرات درپی راه حلی برای تحریم‌هاباشیم.

وی ایران را کشوری مهم توصیف کرد و افزود: ایران فقط تولید کننده نفت و گاز نیست بلکه باید گفت نمی‌توان صلح و ثبات منطقه را بدون ایران تصور کرد.

مولاک با بیان اینکه برای کاهش اثر تحریم‌ها باید آن را به خوبی تحلیل کرد، افزود: طرف مقابل ایران هم از تحریم‌ها رنج می‌برد، زیرا نمی‌تواند فعالیت کند.

مدیر موسسه مطالعات شرق ادامه داد: البته ایران شریک وارداتی خود را به علت این تحریم‌ها تغییر داده و سراغ کشورهایی همچون چین و هند رفته است.

وی در همین حال خواستار توجه به این مساله شد که فقط چند شرکت بزرگ آلمانی همچون زیمنس از ایران خارج شده اند اما بیش از ۱۲ هزار نمایندگی شرکت‌های متوسط آلمانی به فعالیت خود در ایران ادامه می‌دهند.

مولاک افزود: علت اینکه شرکت‌های بزرگ آلمانی ایران را ترک کرده‌اند، فشارهای امریکاست و طبق منطق تجاری این شرکت‌ها برای جلب منفعت بیشتر حاضر می‌شوند از منفعت کمتر چشم‌پوشی کنند.

وی گفت آلمان نمی‌خواهد تحریم‌ها را دور بزند اما با تحلیل اوضاع موجود می‌توان شرکت‌های متوسط آلمانی را جایگزین نامهای بزرگ کرد و سراغ راه‌های دیگری برای تجارت رفت.

مولاک در مورد اینکه ایران شرکای تجاری جدیدی در آسیای شرقی پیدا کرده است، افزود: این شرکا به تجارت خود با ایران بدون توجه به تحریم‌ها ادامه می‌دهند و به همین علت علاوه بر اینکه تحریم‌ها ناکارآمد خواهد بود، ما هم ضرر می‌کنیم.

مدیر موسسه مطالعات شرق در بخش دیگری از سخنان خود با انتقاد از تصویرسازی منفی رسانه‌های غربی از ایران گفت: قشر فرهیخته آلمان اسیر خبرسازی‌ها نمی‌شود اما افکار عمومی تحت تاثیر این گونه تبلیغات منفی قرار می‌گیرد.

لغو تحریم‌ها در مقابل محدودسازی غنی سازی

از سویی دیگر غرب که بعد از گذشت شش سال اکنون متوجه شده است که راه دیگری جز مصالحه برای محدود سازی برنامه غنی سازی ایران در پیش رو ندارد، قصد دارد ضمن تدبیر برای خروج از این بن‌بست خودساخته، مانع توسعه هرچه بیشتر برنامه غنی سازی اورانیوم ایران شود.

با توجه به اینکه کلیه قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد با پیشنهاد گروه ۱+۵ علیه ایران به تصویب رسیده است و ابتدا در این گروه بر مفاد قطعنامه و شرایط آن به توافقاتی دست یافته و نهایتا این قطعنامه‌ها را به‌تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد رسانده‌اند، که عملاً مرحله دوم این فرآیند، مرحله‌ای تشریفاتی بوده است، اکنون قصد دارند، تصمیم جدید خود را محک بزنند.

گروه ۱+۵ این توانایی را دارد که از شورای امنیت سازمان ملل متحد درخواست کند که کلیه تحریم‌هایی را که علیه ایران به‌تصویب رسانده است، لغو کند. این درخواست هم از منظر قوانین شورای امنیت سازمان ملل متحد عملی بوده و هم گروه مذکور می‌توانند در این مورد تصمیم‌گیری کنند. آنها می‌خواهند با داشتن این برگ، مذکرات با ایران را پیش ببرند و از ایران درخواست‌هایی دارند که ایران با برآورده کردن این درخواست‌ها به تفاهم با آنها رضایت دهد.

اوباما نیز در مصاحبه خود با بخش بی‌بی‌سی فارسی که بلافاصله پس از سخنرانی رئیس‌جمهور کشورمان در سازمان ملل ترتیب داده شد، اعلام کرده بود: «این انتخابی است که رژیم ایران کرده. آنها می‌توانند انتخاب دیگری کنند و ما از اینکه انتخاب دیگری کنند، یعنی مسئولانه رفتار کنند، استقبال می‌کنیم. در این صورت، آنها خواهند توانست حقوقشان برای برنامه صلح آمیز هسته‌ای را تحت معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای حفظ کنند.»

او گفت که چنین تصمیمی از سوی مسئولان ایرانی می‌تواند به لغو تحریم‌ها منجر شود و امکان بازگشت ایران به جامعه بین المللی را فراهم کند که منافعی سرشار برای مردم ایران خواهد داشت.

متعاقب این سخنان وزیر خارجه بلژیک که بروکسل پایتخت کشورش نیز اکنون پایتخت کشورهای اتحادیه اروپایی است، پیشنهاد اوباما را تکرار کرد. بحث در مورد دست نکشیدن ایران از غنی‌سازی که عملاً به حیثیت کشورهای تحریم کننده ایران و به ویژه شورای امنیت ضربه جدی وارد کرده، تعدادی از سیاستمداران این کشورها را به این نتیجه رسانده است که با توجه به این مسئله از ایران بخواهند از گسترش کمّی و کیفی چرخه غنی‌سازی خود خودداری کند. اوباما این مسئله را در جلسه پستویی با هشت خبرنگار مشهور امریکایی در کاخ سفید نیز مطرح کرده بود.

پروژه «گوشی تلفن» برای فرافکنی در مذاکره با ایران تا قبل از نوامبر

اما اعلام آمادگی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران برای مذاکره با گروه ۱+۵ در ماه اکتبر یا اوایل نوامبر نیز واکنش سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا را برانگیخت؛ به طوری که فیلیپ جی کراولی سه‌شنبه بار دیگر از پروژه «گوشی تلفن» خود که به‌نظر می‌رسد برای به تأخیر انداختن مذاکرات تا قبل از نوامبر از آن استفاده می‌کند، رونمایی کرد!

کراولی با اشاره به سخنان اخیر «منوچهر متکی» درباره آمادگی ایران برای گفت‌وگوی هسته‌ای گفت: اگر ایران آماده برگزاری گفت‌وگوهاست، تنها کافی است آنها تلفن را بردارند و تاریخ مشخص کنند.

این اظهارات در حالی از سوی دستگاه دیپلماسی ایالات متحده بیان می‌شود که کروالی ۱۸ روز قبل نیز به خبرنگاران گفته بود: «خوب، در وهله اول، برای مشخص شدن این موضوع با توجه به اینکه آقای احمدی‌نژاد امروز در برخی صحبت‌های خود اعلام کرده که امیدوار است مذاکرات هرچه سریع‌تر آغاز شود ما می‌خواهیم او را ترغیب کنیم که با خانم اشتون تماس بگیرند و محل مذاکرات و زمان آن را مشخص کنند و ما منتظر ایران هستیم که هم با مذاکرات ۱+۵ و هم در زمینه مذاکرات تبادل سوخت در آژانس بین المللی انرژی اتمی موافقت کند. ما اعتقاد داریم که ایران خانم اشتون را می‌شناسد و شماره تلفن او را دارد و امیدواریم که ایران با او تماس بگیرد.»

این نوع مواجهه امریکا با آغاز مذاکرات ۱+۵ با ایران در حالی است که گزارش‌های موثق حاکی است دولت ایالات متحده قصد ندارد تا قبل از انتخابات کنگره در ماه نوامبر وارد مذاکره شود. وضعیت نامناسب دموکرات‌ها در حوزه‌های انتخابیه، آن‌ها را به این جمع‌بندی رسانده است که با توجه به سابقه ناموفق مذاکرات ۱+۵ و کوتاه نیامدن نمایندگان ایران در دو مذاکره قبلی ژنو، هرگونه ورود به مذاکرات مساوی با سنگین‌تر شدن کفه رقبای جمهوری‌خواه در متهم کردن دموکرات‌ها به ناموفق بودن در حل مسئله هسته‌ای ایران منجر خواهد شد.

در عین حال، توافق دو هفته قبل وزرای ۱+۵ در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز مبنی بر اینکه بیانیه تهران به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی مذاکرات آتی است که به معنای به‌رسمیت شناختن غنی‌سازی ایران و بی‌اعتنایی عملی به قطعنامه‌های چهارگانه است، امریکا را برای ورود نکردن به مذاکرات تا قبل از انتخابات کنگره مصمم‌تر کرده است و سخنگویان دولت اوباما نیز از تاکتیک فرافکنی در این زمینه استفاده‌می‌کنند.

این در حالی است که هم رئیس‌جمهور و هم وزیر خارجه ایران طی سه هفته اخیر بر آمادگی جمهوری اسلامی برای آغاز مذاکرات تأکید کرده‌اند.

وزیر خارجه ایران روز شنبه گفته بود که ماه اکتبر یا اوایل ماه نوامبر تاریخ مناسبی است که گفت‌وگوهای نمایندگان ایران و ۱+۵ شکل بگیرد. طرفین در حال رایزنی درباره تاریخ دقیق این گفت‌وگوها هستند و در مورد سطح و محل گفت‌وگوها پس از نهایی شدن تاریخ مذاکرات اطلاع‌رسانی خواهد شد. از اول ماه اکتبر سال ۲۰۰۹ میلادی که هیئت ایرانی با نمایندگان چین، روسیه، فرانسه، انگلیس، آمریکا و آلمان در ژنو گفت‌وگو کرد، تاکنون مذاکره‌ای با گروه ۱+۵ انجام نشده است.

پیام‌های پنهان اروپا برای دور زدن تحریم ایران

مسعود میرکاظمی وزیر نفت گفت: جذب منابع از خارج کشور قطع نشده است بگونه‌ای که بعضی شرکت‌های خارجی در حال سرمایه گذاری هستند اما می‌ترسند اسمشان مطرح شود.

وی اضافه کرد: شرکت‌های اروپایی آماده کار در ایران هستند اما نگران غضب آمریکاییها بودند که با آنها در حال مذاکره هستیم

وی اظهار داشت: قوانین و قواعد ما برای سرمایه‌گذاری مشکلی ایجاد نمی‌کنند و تنها بحث به اشتراک گذاشتن میدان است که خلاف قانون اساسی است و ما نمی‌توانیم در مورد آن مذاکره کنیم اما در مورد سایر اشکال سرمایه‌گذاری هیچ محدودیتی وجود ندارد و ارتباطات برقرار است.

وزیر نفت تحریم فروش بنزین به ایران را اقدامی غیرانسانی و غیراخلاقی اعلام و تصریح کرد: بنزین از ضروریات زندگی مردم است و تحریم این فرآورده به کشور یک اقدام ضد حقوق بشر است که چهره واقعی این کشورها را هرچه بیشتر روشن می‌کند.

با توجه به اینکه کلیه قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد با پیشنهاد گروه ۱+۵ علیه ایران به تصویب رسیده است و ابتدا در این گروه بر مفاد قطعنامه و شرایط آن به توافقاتی دست یافته و نهایتا این قطعنامه‌ها را به‌تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد رسانده‌اند، که عملاً مرحله دوم این فرآیند، مرحله‌ای تشریفاتی بوده است، اکنون قصد دارند، تصمیم جدید خود را محک بزنند

بحث در مورد دست نکشیدن ایران از غنی‌سازی که عملاً به حیثیت کشورهای تحریم کننده ایران و به ویژه شورای امنیت ضربه جدی وارد کرده، تعدادی از سیاستمداران این کشورها را به این نتیجه رسانده است که با توجه به این مسئله از ایران بخواهند از گسترش کمّی و کیفی چرخه غنی‌سازی خود خودداری کند

آیا مسیر سینمای ایران تغییر می‌کند؟

علی تربتی

سرد شدن استقبال از فیلم‌های گیشه‌ای

سینمای تجاری ایران به بن‌بست رسید! این اولین گزاره‌ای است که از مشاهده جدول فروش فیلم‌ها در یک ماه اخیر مستفاد می‌شود.

با پایان ماه مبارک رمضان و آغاز فصل جدید اکران، گروهی از فیلم‌های گیشه‌ای و عوام‌پسند به سالن‌های سینماها یورش آوردند. این اولین بار نبود که شاهد اکران همزمان چند فیلم کمدی سخیف باهم بودیم. متاسفانه این بار هم فیلم‌هایی چون «یک جیب پرپول»، «از ما بهترون»، «یک مشکل کوچولو»، و... بخش اعظم سینماهای کشور را به اشغال خود در آوردند و باز هم متاسفانه فیلم ارزشمندی چون «زخم شانه حوا» در انزوا قرار گرفت. این فیلم دفاع مقدس تنها در چهار سینما اکران شد و به خاطر شرایطی که ۱۳ سال است بر سینمای ما سایه افکنده با مظلومیت تمام، دوره اکران خود را پشت سر گذاشت.

نکته قابل توجه، سرد شدن شدید استقبال مردم از فیلم‌های گیشه‌ای است. به طوری که هیچ یک از فیلم‌های به نمایش درآمده در این ماه، نتوانست به رقم فروش بالای ۴۰۰ هزار تومان دست یابد که این میزان یک شکست کامل محسوب می‌شود.

در این میان فیلم «یک جیب پرپول» به کارگردانی قدرت‌الله صلح میرزایی

با بهره‌گیری از کلیشه‌های رایج در سینمای تجاری سعی در جذب مخاطب داشت.

این فیلم معجونی است از عناصر گوناگونی چون بازیگران چهره طنز، ماجراهای سطحی عاشقانه و دختر پسری، ادا و اطوارهایی که به زور از مخاطب خنده می‌گیرند و موارد دیگری از این دست که در سالهای اخیر در دهها فیلم به اصطلاح سینمایی به کار رفته‌اند.

این فیلم هم همان طور که از نام آن پیداست در پی «یک جیب پرپول» بود اما به نظر می‌رسد که دیگر حنای کاسبکاران سینما رنگ ندارد.

البته از برخی سینماگران نمی‌توان انتظاری جز ساخت آثاری از این دست داشت. اما ازدست‌اندرکاران و مدیران سینمایی جای تعجب است که چرا عرصه را بر این‌گونه فیلم‌ها تنگ نمی‌کنند؟ آیا این در شان سینمای ایران است که فیلم‌هایی چون «زخم شانه حوا» این‌گونه مهجور و مظلوم واقع شوند، اما امثال «فاصله»، «یک جیب پرپول»، «یک مشکل کوچولو» و «از ما بهترون» میدان‌دار اصلی این عرصه شوند؟

به نظر می‌رسد که فصل اخیر اکران را باید ورشکستگی کامل سینمای مبتذل دانست. این جریان سینمایی البته از نظر فرهنگی و محتوایی همیشه ورشکسته بود، اما حالا ناکامی اقتصادی هم به آن اضافه شده است. این تجربه باید سرلوحه تولید کنندگان و مدیران سینمایی ما قرارگیرد تا از این پس اجازه این همه خودنمایی به این‌گونه آثار ندهند.

دور اخیر اکران سینماها نشان داد که مردم - حتی آنها که معمولا از آثار سخیف استقبال می‌کنند - نیز دچار دلزدگی شده‌اند. عدم فروش فیلمهای مبتذل گویای آن است که دیگر نمی‌توان دست روی دست گذاشت و به بهانه‌هایی واهی و نخ‌نما همچون عدم پذیرش سینماداران و عدم حمایت تهیه‌کنندگان، عرصه را به ابتذال واگذار کرد. حق گرفتنی است و مدیریت سینمای کشور باید حق مردم و نظام را از سینما بگیرد. این حق معنایی جز محصور و منزوی کردن آثار فرومایه و به صدر نشاندن فیلم‌های هویتمند و فرهیخته که در راستای آرمانها و منافع ملی این کشور بزرگ است، ندارد.

به نظر می‌رسد تنها راه چاره، به فعلیت در آوردن طرح ساماندهی اکران سینماهاست؛ طرحی که بافشارهای کاسبکاران سینما و عقب‌نشینی معاونت سینمایی همچنان بالقوه مانده است. چاره‌ای نیست جز دخالت دولت در امر اکران و برقرار ساختن عدالت و ارزش‌سالاری در این عرصه. البته جای شک و تردیدی نیست که این اقدام هم مانند هر اقدام انقلابی دیگری با واکنش تند و تخریبی گروهی از منفعت‌طلبان و صاحبان «یک جیب پرپول» مواجه خواهد شد. اما مگر می‌توان رضایت خدا، احترام به حقوق فرهنگی مردم و جریان‌سازی هنری برای ارزش‌های این سرزمین را با کسی تعارف کرد؟

تجربه دور اخیر اکران و بسیاری تجربه‌های تلخ دیگر از این دست نشان می‌دهد که توزیع بودجه تولید فیلم نیز باید از این حالت خارج شود. متاسفانه هنوز هم بخش اعظم بودجه دولتی سینما که بیت‌المال محسوب می‌شود، یا در اختیار فیلم‌های بی‌مایه کمدی و عوام‌فریب قرار می‌گیرد یا فیلم‌هایی که باب طبع محافل خارجی هستند و عموما راه به اکران نمی‌یابند. جریان‌سازی فرهنگی در راستای منافع ملی یعنی بودجه چنین فیلم‌هایی به صفر برسد و اگر هم قرار است برای آثار پیش پا افتاده یا شبه روشنفکری سرمایه‌گذاری صورت پذیرد، این کار توسط بخش خصوصی انجام شود.

آن قدر موضوعات مهم و حیاتی برای تولید فیلم در کشورمان هست که جای دریغ و افسوس است که بیت‌المال صرف آثاری شود که جز خیانت فرهنگی نمی‌توان نامی بر آن نهاد.

اعتراض سینماگران متعهد به روند خانه سینما

حسین کارگر

«خانه سینما» را بر سر ضدانقلاب خراب کنید!

کشمکش میان خانه سینما و معاونت سینمایی وزارت ارشاد همچنان ادامه دارد. البته تضاد مدیریت جدید حاکم بر خانه سینما و مدیران دولتی سینما از ابتدا جریان داشته، اما با بروز چهاردهمین جشن خانه سینما و نامه‌نگاری‌های آتشین دو طرف دعوا، این کشمکش عمق بیشتری یافته است. نکته قابل تامل صف‌بندی دو گروه از سینماگران در دفاع از دو طرف درگیری است؛ به طوری که طرفداران مدیرعامل خانه سینما با انتشار نامه حمایت از وی و مخالفان او با مصاحبه و یادداشت سرگشاده در مقابل هم ایستاده‌اند. اما آنچه جای تامل دارد در ترکیب دو طرف است. امضاکنندگان حمایت از مدیرعامل خانه سینما اکثریت افرادی هستند که طی دوران موسوم به اصلاحات از بیشترین امکانات دولتی بهره‌مند بوده‌اند و در میان آن‌ها نام‌های بسیاری از سازندگان فیلم‌های مبتذل و جشنواره‌ای دیده می‌شود. اما طرف مقابل آن‌ها عمدتا فیلمسازان متعهد و در عین حال مظلوم سینما هستند که طی سال‌های گذشته از کمترین امکانات برخوردار بوده‌اند. سخن طیف مخالف مدیریت خانه سینما این است که کشمکش‌های به وجود آمده نتیجه نوعی بی‌عدالتی و مقاومت برای توزیع عادلانه‌تر فرصت‌های سینمای امروز ایران است.

محکومیت کافی نیست

نماینده رهبر انقلاب در بنیاد شهید با محکوم نمودن خانه سینما گفت: سخنان مطرح شده در آن جشن کثیف دل خانواده شهدا را به درد آورد و لازم است که ایثارگران کشور در مقابل این عمل ناپسند موضع گیری خود را اعلام کنند.

به گزارش فارس، حجت‌الاسلام محمدحسن رحیمیان در سیزدهمین جلسه کمیسیون موارد خاص مجلس ایثارگران کشور، با اشاره به حوادث چند روز اخیر خانه سینما گفت: معلوم است فیلمی که توسط این افراد ساخته شود جز سیاه‌نمایی و نقض فرهنگ شهادت و دفاع مقدس نخواهد بود.

نماینده مقام معظم رهبری در بنیاد شهید و امور ایثارگران اظهار داشت: البته معاون سینمایی وزارت ارشاد در این خصوص اعلام موضع کرده و این حرکت را محکوم نموده که کافی نیست.

وی گفت: لازم است خانواده شهدا و ایثارگران به عنوان صاحبان این نظام در مقابل این حرکت به هر ترتیبی بایستند و این خانه فساد را بر سر آنان خراب کنند تا دیگر کسی جرات نکند برای براندازی نظام جمهوری اسلامی شعار دهد و عده‌ای هم برای آنان کف و سوت بزنند.

حجت‌الاسلام رحیمیان تاکید کرد: لازم است خانواده معظم شهدا و ایثارگران در مقابل چنین اعمال کثیف و ناپسندی موضعگیری کنند و اعلامیه بدهند و حتی اگر لازم بود تجمعی علیه آنان راه بیندازند.

حجت‌الاسلام رحیمیان با بیان اینکه در این سالها به نام دفاع مقدس و فرهنگ ایثار و شهادت فجایعی رخ داده است، اضافه کرد: آن شیخ که نمی‌دانم چه صفتی را باید برای او به کار برد- آقای زم را می‌گویم که مسئول سابق حوزه هنری سازمان تبلیغات بود- در سال گذشته فیلمی ارائه داد به نام «دموکراسی در روز روشن» که به صراحت مسئله ایثار و شهادت را زیر سؤال برد و لجن‌پراکنی کرد؛ این فیلم یکی از کثیف‌ترین و زشت‌ترین فیلم‌هایی بود که به اساس بنیاد شهید و امور ایثارگران توهین کرد.

اختلافات سیاسی

رضا برجی؛ مستندساز دفاع مقدس نیز درباره اختلافات میان خانه سینما و معاونت سینمایی وزارت ارشاد گفت: معتقدم این اختلافات ریشه سیاسی دارد، زیرا برخی از دوستان و مدیران خانه سینما اختلاف سیاسی با دولت و یا بهتر بگویم مدیران فعلی سینما در معاونت سینمایی دارند.

وی با بیان اینکه این اختلاف‌ها طبیعی است، افزود: در دوره‌های قبل نیز اختلاف‌هایی وجود داشت و مدیران کنونی خانه سینما در هیئت دولت مسؤولیت‌هایی را داشتند و گروهی که امروز در رأس معاونت سینمایی هستند با عملکرد آنها مخالف بودند، اما هیچ گاه کارشان به چوب لای چرخ گذاشتن نکشید و نیامدند ۸ سالی را که به دوره اصلاحات معروف است با یک سال گذشته مقایسه کنند.

این مستندساز ادامه داد: آیا منتقدان سیاست‌های سینما در دوره اصلاحات، دست به غبارآلود کردن فضا و ایجاد تشنج زدند و یا مانند دوستان خانه سینمای ما طرف مقابلشان را مورد هجمه قرار دادند؟

به گفته برجی مدیران خانه سینما رسانه‌ها را عرصه یکه‌تازی خود قرار دادند تا مثلاً رقیب را تخریب کنند، اما بنده از این دوستان می‌خواهم در خلوت خود وجدانشان را قاضی کنند. درست است که به فرد دیگری رأی داده‌اند و این حق‌شان بوده، اما اکنون دیگر انتخابات تمام شده و دولت قانونی مستقر شده است.

وی در گفت و گو با جهان خطاب به مدیران خانه سینما ادامه داد: چرا اجازه ندادید نتیجه سیاست‌های معاونت سینمای فعلی مشخص شود آنگاه برای تخریب آنها آستین‌های خود را بالا بزنید؟ آیا این کار جوانمردانه است که هنوز حاصل تلاش‌های مدیران فعلی به ثمر ننشسته، توپخانه خود را راه انداخته‌اید؟ آن هم تنها به دلیل این که اعتقادات سیاسی شما با مدیران فعلی معاونت سینمایی مغایرت دارد؟

سیاست‌زدگی خانه سینما

«سهیل کریمی» دیگر فیلمسازی است که با بیان اینکه همیشه مدیرعامل خانه سینما به نوعی دستاویز قرار می‌گرفته و از او استفاده می‌کردند، گفت: خانه سینما از ابتدا یک طورهایی آلت دست یک عده آدم سیاست‌زده بوده که همیشه به نوعی با نگاه انقلابی و ارزشی و آرمانی مشکل داشتند و در مقابل آن موضع می‌گرفتند.

این مستندساز تصریح کرد: متاسفانه در این زمینه هم باز همین اتفاق افتاد و بهانه‌های مختلفی برای این موضوع وجود داشت؛ یا دولت آقای احمدی‌نژاد یا معاونت سینمایی و یا وزارت ارشاد را بهانه می‌کردند ولی در هر صورت هدف اصلی، انقلاب و ارزش‌های انقلابی است که این آقایان به این شکل خودشان را درگیر می‌کنند.

عدالت را به سینما برگردانید

یک کارگردان سینما نیز اعلام کرد: پیام همه ما، بیش از ۳۹۰۰ دلسوخته و به حاشیه رانده شدگان اجباری سینما این است: اگر روزی قرار است عدالتی بر پا شود همین روزهاست؛ روزهایی که مبدأ تاریخی جدیدی برای سینمای ایران محسوب خواهد شد.

«حبیب کاوش» کارگردان و پژوهشگر سینما در نامه‌ای خطاب به وزیر ارشاد نوشت: برادرم! گفته بودم‌تان، به شکل کتبی هم گفته بودم که چنانچه آن دو سنگ سخت و سنگین را جابه‌جا کنید آنهم خواسته و عامدانه، دست و بال نازنین و نازک! عده‌ای را به زیر سخت و سنگین آن سنگ‌ها کشیده‌اید. خاطرتان هست آن دو سنگ؟ سنگ اول، متوقف کردن پرداخت وام‌های نجومی و به تبع آن مختل کردن نحوه بهره‌مندی از رانت‌های مالی و اطلاعاتی بود. و سنگ دیگر، زیرسؤال بردن خوش رقصی‌ها و به حراج گذاردن حیثیت یک ملت در جشنواره‌های خارجی.

وی در بخش دیگری از این نامه نگاشته است: خانه سینما ٤ هزار عضو دارد که ۳۹۰۰ عضو آن خاموش و محروم و منتظر، تشنه اجرای عدالت‌اند! اکثریت مطلق خاموشی که از آنان فقط به عنوان ماشین «رأی» استفاده می‌شود. حضور آنان در به اصطلاح خانه سینما! اگر غیر از روز «رأی‌گیری» باشد، حضوری مزاحم و دل‌آزار است. اعضایی که سی سال است به یمن وجود آن معدود شاه‌نشین‌های خودخواه! گاه شب‌ها گرسنه سر بر بالین می‌گذارند! بی‌پشتوانه‌ای بیمار می‌شوند! و در سکوت خبری می‌میرند! بی آن که آب از آب تکان بخورد. عجبا! که حال این جا خوش کرده‌های خوش‌نشین خود به نام آن اکثریت مظلوم و محروم و خاموش این مثلاً خانه؟! بر سر کوی و برزن فریاد ای دزد! ای دزد! سر داده‌اند. پیام همه ما بیش از ۳۹۰۰ دلسوخته و به حاشیه رانده‌شدگان اجباری سینما این است: عدالت واقعی را بر پا کنید! اگر روزی قرار است عدالتی بر پا شود همین روزهاست روزهایی که مبدأ تاریخی جدیدی برای سینمای ایران محسوب خواهد شد.

اعتراض تشکل‌های دانشجویی به خانه سینما

جمعی از نمایندگان تشکل‌های دانشجویی در خصوص اتفاقات اخیر در چهاردهمین جشن خانه سینما و موضع‌گیری وزیر ارشاد و معاون سینمایی اظهار نظر کردند و از مسئولان خواستند تا مدیریت خانه سینما اصلاح شود.

«سیدمحمدرضا حسینی فاطمی» دبیر واحد فرهنگی دفتر تحکیم وحدت در گفت وگو با فارس، در خصوص برخی حاشیه‌سازی‌های خانه سینما گفت: محکومیت اقدامات انجام شده در جشن خانه سینما از سوی هر ایرانی قطعی و حتمی است و گمان نمی‌کنم کسی بخواهد که این واقعه را توجیه کند.

«حمیدرضا رستمی» دبیر کل اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور نیز با اشاره به اتفاقات رخ داده در جشن خانه سینما، اظهار داشت: افرادی که در این مراسم دست به این اقدامات زدند ماهیتشان برای ما مشخص بود اما با اقدام اخیر خود نقاب از چهره‌شان افتاد و ماهیت اصلی‌شان برای مردم نیز مشخص شد.

«مصطفی حضوری» مسئول سیاسی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) هم با تأکید بر اینکه باید با صحنه‌گردانان اصلی خانه سینما برخورد جدی و قانونی شود، خاطرنشان کرد: معرفی هنرمند متعهد یکی از وظایف اصلی خانه سینما است و این خانه باید پیرامون معرفی هنر و هنرمند متعهد به نظام اسلامی تلاش کند.

«محمدرضا کاشفی» عضو شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی دانشگاه‌های تهران بزرگ نیز گفت: متأسفانه خانه سینما تبدیل به حیاط‌خلوتی برای عده‌ای منحرف شده که با برنامه‌ریزی‌های ضد نظام اسلامی سعی در به انحراف کشاندن سینمای متعهد ایران دارند. «حسام‌الدین زندوی» دبیر واحد فرهنگی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه‌های سراسر کشور هم با انتقاد از عملکرد خانه سینما در سال‌های اخیر گفت: خانه سینما و برخی از اعضای آن امروز بر آن شدند تا با ایجاد انحصار در فیلم و سینما گفتمان خود را غالب کرده و جایی برای اظهار نظر کارگردانان و سینماگران ارزشی و انقلابی نگذارند.

«ابراهیم کمالی» عضو شورای مرکزی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور نیز با انتقاد از وضعیت خانه سینما تصریح کرد: از مسئولان می‌خواهیم تا با قاطعیت بیشتری به مسائل مربوط به خانه سینما رسیدگی کنند و اگر خودشان را به خواب زده‌اند، از آن‌ها می‌خواهیم از خواب برخیزند.

بازار نشر

روایت حمله هوایی به الولید در یک کتاب

کتاب «حمله هوایی به الولید» روایت عملیات نیروی هوایی علیه پایگاههای هوایی در منطقه الولید عراق، نوشته احمد مهرنیا، توسط سوره مهر منتشر شد.

چندی پیش و در روز اول مهرماه سال جاری بود که به مناسبت حمله نیروی هوایی در سحرگاه اول مهر ۵۹ که به عملیات ۱۴۰ فروندی معروف گشت، مراسمی برای تجلیل از رشادتهای خلبانان این عملیات در فرهنگسرای خاوران و با حضور جمعی از فرماندهان نیروی هوایی برگزار شد که در نوع خود بی‌نظیر بود. در طی این یادواره از کتابی رونمایی شد که اگر چه مرتبط با این عملیات نبود اما به روایت یکی دیگر از عملیاتهای شگفت نیروی هوایی در هفت ماه بعد با نام حمله هوایی به الولید می‌پرداخت و در این مراسم رسما و با حضور نویسنده آن سرتیپ خلبان احمد مهرنیا رونمایی شد.

خلبان احمد مهرنیا درباره موضوع این کتاب گفت: بعد از اینکه در سال ۱۳۵۹ جنگ شروع شد نیروی هوایی باتوجه به مطمئن بودن و زبدگی نیروی هوایی پیشاپیش سایر نیروها وارد عمل شد و در ابتدا عملیات ۱۴۰ فروندی را علیه دشمن بعثی انجام داد و باتوجه به شکنندگی نیروی هوایی نسبت به سایر نیروها که این امر در کل دنیا هم معمول است این جریان ضربه زدن به نیروهای عراقی، برعکس شد.

مهرنیا ادامه داد: نیروی هوایی ارتش عراق برای اینکه از آسیب‌های ناشی از عملیات نیروی هوایی در امان باشد بخش بزرگی از ادوات جنگی و از جمله هواپیماهای توپولف ۲۲ و میگ‌های ۲۵خود را در دورترین نقطه در ۳ پایگاه به نام الولید در منطقه اچ۳ در ۵۰ کیلومتری مرز اردن مستقر کرد.

وی افزود: باتوجه به هواپیماهای استراتژیکی که در اختیار نیروی هوایی بود و اینکه این هواپیماها تنها می‌توانند یک سوم این مسیر را طی کنند عراق کاملا خیالش از بابت این پایگاهها راحت بود.

مهرنیا «حمله هوایی به الولید» را اولین کتابی دانست که در مورد یک عملیات توسط نیروی هوایی نوشته می‌شود و افزود: از روی این عملیات چند داستان و حتی یک فیلم سینمایی ساخته شد که هیچ کدام اصل ماجرا را بیان نمی‌کنند و بیشتر روایت داستانی عملیات است، ولی در این کتاب ضمن مصاحبه با ۸۰ نفر از خلبانان نیروی هوایی که در این عملیات شرکت داشتند و گفت و گو با سایر پرسنل از جمله سیستم رادار و نیروهای پشتیبانی و... همچنین مدارک دیگری از بازتاب‌های جهانی این عملیات در این کتاب آورده شده است.

سبز و سپید و سرخ برای شهدا

کتاب «سبز و سپید و سرخ» شامل مجموعه سروده‌های کامران شرفشاهی برای شهدای انقلاب و دفاع مقدس منتشر شد.

به گزارش یالثارات، این کتاب که توسط انتشارات تجلی مهر منتشر شده است، دارای شعرهایی در قالب‌های نو سروده، غزل، مثنوی، چهار پاره، رباعی و دوبیتی است که هر یک از آنها به یاد یکی از شهدای انقلاب و دفاع مقدس سروده شده‌اند.

برخورد با تصویرساز دیزنی به دلیل افشای حقایق ۱۱ سپتامبر

هفته‌نامه امریکن فری پرس در گزارشی به بیان چگونگی کشف حقایق پشت پرده حملات ۱۱ سپتامبر توسط یکی از تصویرسازان مشهور شرکت دیزنی و اخراج وی از سوی شرکت‌های انیمیشن‌سازی به دلیل افشاگری‌هایش، می‌پردازد.

به گزارش فارس، رالف فوربس نویسنده آمریکایی طی گزارشی برای هفته‌نامه امریکن فری پرس با اشاره به حملاتی که از سوی منابع قدرت علیه یکی از کاریکاتوریست‌های ۱۱سپتامبر وارد می‌شود، می‌نویسد: یک تصویر به اندازه هزار کلمه می‌ارزد. و یکی از کاریکاتورهای دیوید دیز هم به اندازه یک میلیون تصویر ارزشمند است. چه کاریکاتورهای او را دوست داشته باشید و چه از آن‌ها متنفر باشید، کارهای او برانگیزاننده هستند و مردم را وادار به فکر کردن می‌کنند.

اما دیز در رابطه با حوادث ۱۱سپتامبر ۲۰۰۱ می‌گوید: وقتی مرکز تجارت جهانی سقوط می‌کرد من در لس‌آنجلس مشغول تماشای تلویزیون بودم و بعد از آن نیز مثل اکثر مردم کاملا داستانی را که دولت بیان کرد باور کردم. اما در سال ۲۰۰۳ و هنگامی که مشغول مطالعه عکس‌های حمله به پنتاگون بودم، حقیقت پشت پرده ۱۱ سپتامبر را کشف کردم. و کل دیدگاه من نسبت به دنیا تغییر کرد.

وی ادامه می‌دهد: اما اولین باری که عقیده‌ام در رابطه با اسرائیل و صهیونیست‌ها را از طریق یک کار هنری بیان کردم، شرکت «سی سیم استریت» با ارسال اخطاریه‌ای از من خواست تا این کار را متوقف کنم. البته من به حرف آن‌ها توجهی نکردم و در نتیجه اخراج شدم. در واقع این همان راهی است که آن‌ها به وسیله آن مردم را ساکت نگه می‌دارند. یعنی اگر حرف بزنید، بیرون می‌شوید.

دیز با اشاره به آنکه مجله تایم کودکان نیز وی را به دلیل فعالیت‌های ضدصهیونیستی اخراج کرد، می‌نویسد: در حقیقت من متوجه شدم که منابع سرگرمی و نشر، همگی در مالکیت صهیونیست‌ها هستند و در نتیجه من هم به لیست سیاه این مراکز وارد شدم.

این هنرمند آمریکایی که به زودی کتاب جنجالی خود را نیز در مورد ۱۱ سپتامبر منتشر خواهد کرد می‌نویسد: به زودی متوجه شدم که از طریق اینترنت می‌توانم صدای خود را به گوش جهانیان برسانم. همچنین به‌واسطه اینترنت مقالات وکتاب‌های زیادی را از منابعی که تحت کنترل صهیونیست‌ها نیستند پیدا کرده و مطالعه کردم تا با تاریخ حقیقی، نه تاریخی که صهیونیست‌ها تعریف کرده‌اند، آشنا شوم.

وی با تاکید بر آنکه حملات ۱۱سپتامبر طرحی ازسوی صهیونیست‌ها بوده است می‌نویسد: وقتی که مجرمان، خود کنترل جریان اطلاعات را به دست دارند، پنهان کردن یک جرم از افکار عمومی بسیار راحت است. اما هم اکنون بسیاری از مردم ازحقایق پشت پرده ۱۱سپتامبر آگاه شده‌اند.

دیز افزود: حقیقت این است که روایت دولتی از ۱۱سپتامبر کاملا دروغ است و همچنان کتاب‌ها و فیلم‌های زیادی تولید می‌شوند که از افسانه ۱۹ هواپیما ربا حمایت می‌کنند. کتاب‌های تاریخی نیز توسط همین دروغگوها و تحت کنترل صهیونیست‌ها نوشته می‌شود و باید کاری کرد تا این تراژدی متوقف شود.

شعر ولایی

برای آیت‌الله خامنه‌ای

ای غزل خوان بلبل باغ خدا
ای صبا از کوی جانان نکهتی

می‌رسد این مژده از گلشن به گوش
آور آخر سوی این دل‌رفته هوش

مرغ حق هرگز نخواهد شد خموش
گر به جای باده زهرت می‌دهد

گر به تاراج خزان گلبن رود
یار داند چیست ای عاشق بنوش

خون رز خود در قدح آید به جوش
بارالها مرغ باغ خویش را

بار دیگر تازه گردد جان ما
در امان دار از خطرهای وحوش

ای همه مغبچگان می فروش
ای عجب گر دیده خون گرید ازین

محمدصادق باطنی

ناله‌ها کز نای دل آید به گوش
در غمت ای راحت روح و روان

گوش ما نامحرم اسرار نیست
دل به درد آمد خدا جان در خروش

لب گشا از بهر پیغام سروش

احمد عزیزی

نکته

به بهانه پخش مجموعه تلویزیونی «یک روز قبل»

تقلید غربی برای افتخار ملی!

توجه به افتخارات و دستاوردهای ملی یکی از رسالت‌های رسانه‌ها است. در این میان صداو سیما وظیفه‌ای بس خطیرتر را به عهده دارد که در این زمینه تا به حال تعداد معدودی فیلم و سریال تولید شده است.

یکی از این آثار «یک روز قبل» به کارگردانی صادق کرمیار است که با موضوع مهم «ماهواره امید» ساخته و به نمایش درآمد. در این سریال سعی شد تا اهمیت این اختراع در قالب درامی پرکشمکش و مهیج و پلیسی به تصویر کشیده شود. به این ترتیب ماجرایی برآمده از تخیل که البته در سایر زمینه‌های مشابه و به طور عمومی قابل رخ دادن است، درباره تلاش گروههای معاند و خرابکار در لطمه زدن به این فرآورده ملی ترسیم شد.

اما نکته این است که این سریال با تقلید محض از یک سریال آمریکایی ساخته شد که هدف آن سریال مقابله رسانه‌ای بر ضد مسلمانان و در حمایت از سازمان نظامی و جاسوسی ایالات متحده است.

متاسفانه در سالهای اخیر الگوگیری و تقلید از آثار غربی در سینما و تلویزیون ایران افزایش یافته است. این روند اگر در حد اقتباس و الهام باشد به طوری که در نهایت اثری ایرانیزه شده ارائه شود، اشکالی ندارد. ایراد اساسی این است که آثاری از این دست بدون هیچ ارزش افزوده‌ای، به صورت نسخه‌ای ضعیف‌تر از فیلم اصلی از آب در می‌آیند.

تقلید ضعیف و دست پایین از فیلم‌های غربی و آمریکایی برای ترسیم موضوعات ملی با دو ایراد اساسی مواجه است: اول اینکه درام، شخصت‌پردازی لایه‌های مختلف داستانی و مضمون کلی فیلم‌های مورد تقلید برآمده از فرهنگ و جامعه مبداء هستند. دوم این که موضوعاتی مانند ماهواره امید بسیار بزرگتر از آن هستند که بتوان با تقلید از فرم‌های بیگانه آنها را به نمایش درآورد.

لازم است که رسانه ملی - و به طور کلی رسانه‌ها- به این گونه افتخارات ملی اهمیت بیشتری بدهند و برای این نوع سوژه‌ها تدارک بهتر و عظیم‌تری دیده شود. بهتر است موضوعاتی مانند انرژی هسته‌ای، ماهواره امید، مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجتماعی، حماسه‌های سربازان گمنام امام زمان(عج) در تامین امنیت کشور و... در قالب‌هایی دراماتیزه شوند که مخاطب بیشتری بیابند.

امین روحانی

دغدغه

به بهانه انتشار یک فیلم ضد دفاع مقدس

نجات سردار متوسلیان!

فیلم «نجات سرباز رایان» را می‌دیدم. استیون اسپیلبرگ سال ۱۹۹۸ آن را ساخته بود؛ همان موقع هم نامزد دریافت ۱۱ جایزه اسکار شده بود. خلاصه داستانش این بود که ٤ برادر با نام خانوادگی «رایان» از طرف ارتش امریکا به جنگ جهانی دوم در منطقه «نورماندی» اعزام می‌شوند و سه تن از این ٤ برادر کشته شده و فقط یکی از آنها زنده مانده بود، خلاصه اینکه ارتش امریکا تصمیم می‌گیرد برای تسلی بخشیدن به مادر این آخرین رایان، او را به هر قیمتی که هست برگرداند، این می‌شود که گروهی ۱۰ نفره به فرماندهی سرهنگی که بازیگرش «تام هنکس» است عملیات «نجات سرباز رایان» را بر عهده‌می‌گیرند.

در طول چند روز یکی یکی افراد این دسته کشته می‌شوند و آسیب می‌بینند، تا آنجا که دیگر همه سربازها بعد از چند روز کم می‌آورند و فشارها بر فرمانده زیاد می‌شود، تا اینکه نهایتا در لحظه‌ای از فیلم (حوالی دقیقه ۱۰۰) «تام هنکس» فریادش را بر سر این سربازان بلند می‌کند و آنها را به خاطر این کم آوردنشان مورد عتاب قرار می‌دهد و دیالوگی جاری می‌کند که روی این سربازها تاثیر می‌گذارد. هر فیلمی یک صحنه اوج و یک شاه دیالوگ دارد که در آن کارگردان تمام عوامل خود را برای کامل درآمدن آن دیالوگ به کار می‌برد، شاه دیالوگ این فیلم هم همین صحنه‌ایست که تام هنکس می‌خواهد علت جنگیدن خود را برای سربازانش توضیح دهد، فکر می‌کنید توجیهی که او در این صحنه برای تداوم جنگ توسط خود می‌آورد چیست؟ عین دیالوگ او را بخوانید: «رایان برای من هیچ چیز نیست جز یک اسم و او اصلا برای من مهم نیست، اما اگر پیدا کردن او و فرستادنش به خانه، به من اجازه برگشتن پیش همسرم را می‌دهد خب در این صورت این ماموریت برای من ارزش دارد...» آری! این جمله تمام هدف فرمانده امریکایی بود از آن همه تلاش و رشادت. حال بروید و ببینید هالیوود برای تجلیل از قهرمانان خود یعنی همین سربازانی که والاترین هدفشان ازجنگ چنین اهدافی بود، چه فیلم پر مایه و پرخرج و تاثیرگذار و تحسین‌برانگیزی ساخته است.

اخیرا فیلم «دموکراسی تو روز روشن» را می‌دیدم، داستان فیلم راجع به یک فرمانده سپاه در دوران دفاع مقدس به نام «امیر ستوده» بود که پس از جنگ در بنیاد شهید سِمَتی داشت. در یک حادثه بمب‌گذاری او به کما می‌رود و از اینجا به بعدِ فیلم، سفر روح او را نشان می‌دهد در عالم برزخ، که چگونه باید پاسخگوی گناهانش باشد. خلاصه تصویری که بعد از فیلم در ذهن من مخاطب عام ایجاد می‌شود این است که «شهید خوب داریم، شهید بد داریم و الزاما هر کسی که شهید می‌شود به بهشت نمی‌رود و...»، در واقع کارگردان و نویسنده این فیلم همت خود را گذاشته بودند برای تقدس‌زدایی از مفهومی به نام «شهید».

آن «تقدس‌زایی» هالیوود را گذاشتم کنار این «تقدس‌زدایی» سینمای خودمان، حال آنکه زمان ساخت فیلم اسپیلبرگ، ۵۳ سال از جنگ جهانی دوم گذشته بود و زمان ساخت دموکراسی فقط ۲۰ سال از جنگ تحمیلی، برایم جالب بود که هنرمندان امریکایی هنوز هم که هنوز است پاسداشت کشتگان جنگهای متعدد خود را رسالتی بزرگ برای خود می‌شمارند و ما که زخمهای جنگمان هنوز هم تازه‌اند دیگر سینمای دفاع مقدس را تمام شده می‌دانیم و لجن‌مال کردن قهرمانانمان، بزرگترین رسالت هنری هنرمندانمان می‌باشد. نمی‌دانم آیا ۲۰ سال زمان کافی است برای شرمساری از به زبان آوردن نام شهدای گرانقدر همت، باقری، باکری، کریمی، زین‌الدین، وزوایی، بروجردی، چمران و جاویدالاثر احمد متوسلیان...

گرچه زمانی که او اسیر شد، من حتی به دنیا هم نیامده بودم ولی دلم برای متوسلیان تنگ شده است، کاش در ایران هم یک اسپیلبرگ داشتیم که در هفته دفاع مقدس فیلم «نجات سردار متوسلیان» را به تصویر می‌کشید تا شاید مادرش را از نگرانی در بیاورد...

نگاه

هزینه‌های تصمیمات مکانیکی در اقتصاد

حسن‌سبحانی

بعضی از ساده‌انگاری‌ها در روابط اقتصادی موجب شده‌است که رابطه‌ای مکانیکی و یک به یک بین بروز یک پدیده و راه‌های پرداختن به آن تصور شود و این ایده استنباط شود که مثلاً اگر قیمت گوشت کیلویی ۲۰۰۰ تومان اضافه شد، می‌توان با پرداخت ۲۰۰۰ تومان به مصرف‌کننده توان از کف رفته خرید او را بازگرداند تا وی بتواند بازهم همان میزان گوشت را خریداری کند که پیش از این و قبل از افزایش قیمت خریداری می‌کرد و هیچ اتفاق دیگری هم به خاطر این دو پدیده در اقتصاد واقع نمی‌شود.

اما حقایق اینگونه نیست و پدیده‌های اقتصادی چون به‌نحوی سیستمی در زنجیره‌های علت و معلولی قرار دارند، به‌واسطه تغییراتی که تجربه می‌کنند تغییرات بسیاری را هم در پدیده‌های دور و نزدیک خود اعمال می‌کنند؛ مقوله‌ای که هیچگاه به ذهنیت ساده‌انگاران خطور نمی‌کند و محاسبه درست آن است که برای بیان نسبتاً دقیق منافع و هزینه‌های یک تصمیم یا یک قانون یا یک سیاست، همه پیامدهای ناشی از اجرای آن مدنظر قرار گیرد و در محاسبه وارد شود. پدیده افزایش قیمت دلار و همچنین افزایش قیمت طلا در یکی دو هفته گذشته، منطقاً باید ناشی از اقدامات دیگری تلقی شود که در اقتصاد ایران به‌گونه‌ای تأثیرگذار در جریان است. تلاش برای کنترل افزایش قیمت نیز ناشی از افزایش تقاضا یا کاهش عرضه یا هر دو، به‌گونه‌ای است که قاعدتاً دارای منافع و هزینه‌هایی برای سیاستگذار اقتصادی است.

به‌هر دلیلی که قیمت دلار یا طلا افزایش یافته باشد مدیریت سیاستی بانک مرکزی برای کنترل اوضاع آنها و پایین آوردن قیمت، به‌معنای وارد کردن بخشی از ارزهای نفتی یا ذخایر طلا به‌بازار و پاسخگویی به تلاش کسانی است که با پیش‌بینی اوضاع اقتصادی نه‌چندان مناسبی در ماه‌های آینده، نقدینگی خود را در مسیری قرار داده‌اند که با در اختیار گرفتن منابع ارزی و ذخایر طلای کشور و نگهداری آنها، در آینده از افزایش قیمت منتفع و سودهای کلانی را از آن خود کنند؛

یعنی تلقی ایجاد کمبود در منابع ارزی یا افزایش قیمت کالاهای مورد نیاز مردم، در مرحله اول، هزینه دولت را از طریق تزریق ارز و طلا افزایش داد (هزینه‌ای که باید به‌حساب به جریان افتادن پدیده‌های دیگری در اقتصاد گذاشته شود). و در مرحله دوم ممکن است با ۲ پدیده مواجه شود. چنانچه قیمت‌ها پایین بیاید و قیمت ارز به سطوح سابق خود برگردد یا قیمت طلا ارزان‌تر شود در آن صورت این افراد صاحب منابعی شده‌اند که می‌تواند با تبدیل شدن به ریال و قرار گرفتن در مجاری سپرده‌های بانکی، از سودهای کلان بانکی بهره‌مند شود تا جایی که حتی هزینه‌های احتمالی کاهش بیش از اندازه نرخ را هم جبران کند.

اما اگر قیمت‌ها بالا بروند آنها منابعی را ارزان به‌دست آورده‌اند که با ارزش بیشتری برای آنان مواجه شده و در آن صورت با تصمیم‌گیری در این خصوص که این منابع را چگونه سرمایه‌گذاری کنند تا منافع بیشتری برای آنها داشته باشد باز هم فعال‌مایشاء در بازار نقدینگی‌های سرگردان و در عین حال ویرانگر می‌شوند و منتفع می‌گردند.

خروج سرمایه در قالب ارز و طلا می‌تواند از عوارض اجتناب‌ناپذیر چنین تحولاتی باشد که بعضاً رخ می‌دهد. رکود در معاملاتی که به نوعی به صادرات و واردات مواد اولیه و نهاده‌ها، ماشین‌آلات یا حتی کالاهای مصرفی مربوط می‌شود و انتظار برای شفاف‌شدن اوضاع نیز در محاسبات مربوط به هزینه‌ها و فایده‌های تصمیمات اقتصادی و غیراقتصادی تأثیرگذار است.

نهادهای اقتصادی کشور باید به‌دقت و به‌صورت کمّی آثار این عوارض و پیامدها را که به‌واسطه اتخاذ تصمیم‌های خطیرتری در اقتصاد ایران در حال وقوع است (هم تصمیم‌های بیرونی و هم تصمیم‌های داخلی) محاسبه و سنجش کنند تا به‌خوبی به این اذعان برسند که اقتصاد امری مکانیکی نیست که اثر یک پدیده، صرفا در پدیده دیگری جلوه کند بلکه امری سیستمی است که همچون یک موجود زنده تمامی اجزای خود را از پدیده‌ها و تصمیمات اتخاذ شده متأثر می‌کند.

منبع: روزنامه همشهری

خصوصی‌سازی کامل دانشگاه‌ها فعلاً منتفی شد

کمیسیون تلفیق برنامه پنجم توسعه صبح روز شنبه ۱۷ مهرماه توافق معاون رئیس جمهور با آقایان باهنر و عبدالهی درباره خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها و دریافت شهریه از دانشجویان را رد کرد.

توکلی در این جلسه برای رد خصوصی‌سازی آموزش عالی به کمیسیون یادآوری کرد آقایان عزیزی و باهنر و عبدالهی حق نداشتند خارج از محدوده لایحه، حکمی به لایحه برنامه اضافه کنند اما در بند ب ماده۲٤ از مجلس می‌خواهند تا دست دانشگاه‌ها را برای دریافت شهریه از همه دانشجویان باز بگذارد. این هم مخالف اصل۳۳ قانون اساسی هم مخالف بند الف ماده۲٤ لایحه برنامه و هم مخالف نظر رهبری است که در دیدار با دانشجویان در ماه مبارک رمضان با خصوصی‌سازی آموزش عالی مخالفت کردند.

یادآوری می‌شود برخی نمایندگان مجلس در طول بررسی لایحه برنامه پنجم در کمیسیون تلفیق بارها پیشنهادهایی برای خصوصی‌سازی و آزادسازی افراطی در حوزه‌های آموزش و درمان ارایه کرده‌اند که متاسفانه این پیشنهادها اغلب با تایید و پشتیبانی دولت نیز همراه بوده است.

ضرورت رویکرد عدالت‌محور وزارت علوم به مطالبات دانشجویی

بر کدامین عهد و پیمانید؟

در فرمایشی از حضرت امیر می‌خوانیم: خداوند از عالمان پیمان گرفته است که نه پرخوری ظالم را تحمل کنند و نه گرسنگی مظلوم را. آیا اساتید ما به این پیمان وفادارند؟ آیا در تئوری‌پردازی‌هایشان مردم محروم را هم دیده‌اند؟ آیا وقتی تئوریهای توسعه غربی را عینا تجویز می‌کنند...

اهمیت مسئله

در فضای رسانه ای و دانشگاهی ما تا حدی به مسئله فساد حاکمان و مسئولان پرداخته شده است اما به جرات می‌توان گفت که به مسئله فساد علمی بسیار کم پرداخته شده است. شاید یکی از دلایلش این باشد که دانشگاهیان ما فقط عادت دارند عیب‌های دیگران را ببینند نه خودشان.

در اهمیت این مسئله همین بس که در حدیثی از حضرت رسول(ص) آمده است «دو دسته از امت من هستند که اگر درست شوند جامعه اسلامی درست می‌شود، و اگر فاسد شوند جامعه اسلامی فاسد می‌شود. پرسیدند: ای پیامبر خدا! این دو صنف چه کسانی اند؟ فرمود: عالمان و حاکمان.

همچنین از حضرت امیر(ع) سوال کردند که «بدترین آفریدگان خدا پس از ابلیس و فرعون و... چه کسانی هستند؟ ایشان فرمودند: علما، در صورتیکه فاسد باشند.»(الحیاه ج ۲ص ٥٤١)

عدم شناخت مسائل و واقعیت‌ها

به نظر می‌آید مهمترین مشکل فضای علمی ما در عدم شناخت مسائل و واقعیات است.

یکی از مشکلات کشور ما اینست که شکل‌گیری نهادهای مختلف در طول تاریخ‌مان بنا به نیازهای خودمان نبوده، و بعضا بعد از تاسیس آنها تازه به فکر نیازسازی برای آنها افتاده‌ایم!

دانشگاههای ما نه تنها بر اساس نیازهای واقعی‌مان شکل نگرفته‌اند بلکه هنوز هم که هنوزست علیرغم کشف ضرورت وجود این نهاد، ما شاهد فاصله بین نیازهای واقعی مردم و مسائل مطرح در دانشگاهها هستیم.

این معضل وقتی خطرناک‌تر می‌شود که نخبگان ما، چیزهایی که مسائل واقعی مردم نیستند را به عنوان مسائل واقعی آنها جا می‌زنند و وقت و انرژی و منابع فراوانی را صرف القای مفروضات روشنفکرانه‌شان به مردم می‌کنند.

یکی از دلایل این مشکل، فاصله و شکاف بین روشنفکران و مردم عادی است.

متاسفانه ما وقتی در محیط‌های علمی قرار می‌گیریم دچار نوعی خودبزرگ‌بینی می‌شویم و ارتباط و صحبت با مردم کوچه و بازار را کسر شانمان می‌دانیم.

همین شکاف باعث می‌شود که گاهی اوقات، محیط‌های دانشگاهی ما، واقعیت‌های موجود را انکار کنند و چشمشان را بر حقایق ببندند. نمونه‌اش همین انتخابات اخیر. از ادعای تقلب بگیرید که ناشی از عدم شناخت صحیح از عقاید مردم بود تا بقیه ادعاهای آنها. روشنفکران با آب و تاب فراوان به تحلیل رفتارهای معترضین می‌پرداختند(که البته ضروری و واجب است) ولی موقعی که نوبت به تحلیل تئوریک رفتارهای مردم حامی نظام می‌رسید، سکوت می‌کردند و یا بدتر از آن به انکار واقعیت‌ها می‌پرداختند.

اجازه بدهید به این مورد کمی بیشتر بپردازیم.

همیشه به ما یاد داده‌اند که تعصب نداشته باشیم و هر جایی که واقعیت با تئوری و نظر ما مخالف بود، اشتباه خودمان را بپذیریم و واقعیت را طور دیگری جلوه ندهیم. حقیقتا چه فساد علمی‌ای بالاتر از انکار واقعیت برای جلوگیری از ابطال تئوریها. همانطور که بعضی سیاسیون حیات سیاسی خود را در انکار واقعیت دیدند، عده‌ای از نخبگان هم حیات علمی خود را در گرو این انکار دیدند. وقتی آنها دیدند برای چندمین بار پیاپی با یک نظرسنجی گسترده ملی تئوری‌های آنها ابطال می‌شود، به جای اینکه در حرفهایی که سالهاست به عنوان تئوری علمی به خورد دانشجویانشان می‌دهند تجدید نظر کنند به صرافت افتادند تا ادعای تقلب را مطرح کنند. این نکته مهمی است که چندان به آن پرداخته نشده است. نتایج پی در پی انتخاباتهای ایران و رفتارهای مردم ایران به واقع چالش بزرگی را پیش روی تئوریهایی که حرکت محتوم مردم جهان را به سمت سکولاریزاسیون می‌دانستند قرار می‌دهد. تئوریهایی که همیشه به یک عقبه چند صد ساله برای اثباتشان می‌نازیدند. (برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به مصاحبه دکتر کچوئیان با نشریه سوره شماره۲۳)

در ایام پس از انتخابات جلسه چند ساعته‌ای در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار کردند پیرامون جنبش سبز و دین، و در آن از مفاهیمی مثل الهیات مبارزه و... سخن می‌گفتند و بهتر است بگوییم تئوری‌بافی می‌کردند. جالب است کسانی که در تبلیغاتشان از دین و نمادهای دینی بیشترین سوءاستفاده ابزاری را کردند، در عرصه تئوریک رقیب را متهم به استفاده ابزاری از دین و خودشان را مبارزان دین‌محور معرفی می‌کردند. (به یاد بیاورید که سعی کردند هیچ نماد دینی را از قلم نیندازند، از سید بودن بگیرید تا الله اکبر شبانه برای براندازی حکومت دینی و ۷۲ کشته‌سازی و...). در نگاه این مثلا نخبگان، اینکه بگوییم سید بودن ملاک مناسبی برای رئیس‌جمهور شدن است ایرادی ندارد اما وقتی شخص دیگری بگوید ما مورد عنایت امام زمان بودیم و هستیم، می‌شود رمال.

از منظر این نخبگان فاسد _به لحاظ علمی_اگر مردم هم‌رأی آنها بودند، آگاه به زمان و عاقلند که باید به نظرشان احترام گذاشت اما وقتی رأی مردم در تضاد با آنهاست، این مردم می‌شوند عده‌ای گدا و گشنه که حاضرند سعادت و سرنوشت خود و کشورشان را با یک کیسه سیب‌زمینی معاوضه کنند.

تئوری داماد لرستان و فرزند آذربایجان هم نمونه دیگری است از بی‌احترامی به مردم و تناقضاتی که آنها به لحاظ علمی درگیر آن هستند.

در جلسه‌ای یکی از استاد جامعه‌شناسی تحلیلی درباره گسترش انحرافات و معضلات اجتماعی در دولت نهم ارائه داد و در ادامه از زندانیان سیاسی گفت، اما دربرابر سوال من که چرا در مورد زندان افتادن حجت الاسلام جهانشاهی سکوت کردید، مگر او هم زندانی نبود و مگر او به یکی از معضلات اجتماعی ما اعتراض نکرد؟ هیچ توضیحی نداشت که بدهد. ازاین موارد مطمئنا شما هم فراوان سراغ دارید.

متاسفانه مشکل ما به همین جا هم ختم نمی‌شود و در جایی که نخبگان مسئله را درست تشخیص می‌دهند، صرفا با تکیه بر یک منبع معرفتی یعنی کپی‌برداری از غرب، توان تحلیل درست را ندارند و فقط خود و دانشجویان را به بیراهه می‌کشانند.

پیمان خدا با علما و نخبگان

در فرمایشی از حضرت امیر می‌خوانیم اخذالله علی العلما الایقاروا علی کظه ظالم و لا سغب مظلوم، خداوند از عالمان پیمان گرفته است که نه پرخوری ظالم را تحمل کنند و نه گرسنگی مظلوم را.

آیا اساتید ما به این پیمان وفادارند؟

آیا در تئوری پردازی‌هایشان مردم محروم را هم دیده‌اند؟

آیا وقتی تئوریهای توسعه غربی را عینا تجویز می‌کنند فکری به حال اقشار مستضعف‌می‌کنند؟

آیا اساتید بالاشهرنشین که درکی از مناطق محروم کشور ندارند از عهده عمل به این پیمان برمی‌آیند؟

آیا دانشجویی که به واسطه ثروت واستفاده از کلاس‌های کنکور گرانقیمت در دانشگاه قبول می‌شود، حاضر است در مناطق محروم خدمت کند؟

آیا تا وقتی که ما، هم به صورت فیزیکی-کالبدی و هم در اذهنمان از مردم جداییم، می‌توانیم احیاگر حقوق مردم مستضعف باشیم؟...

- یکی دیگر از مظاهر فساد علمی، فاصله علم و عمل عالمان و نخبگان است.

اجازه دهید تا بازهم نگاهی به منابع روایی‌مان داشته باشیم. پیامبر(ص) می‌فرمایند: اهل دوزخ از بوی بد عالم بی‌عمل آزرده می‌شوند(الحیاه ج ۲ص٤٤١)

یا امام صادق(ع) می‌فرمایند: آنکه عذابش از همه شدیدتر است؛ عالمی است که از علم خود به هیچ روی بهره‌ای نبرده است(الحیاه ج۲ص ٤٤١)

من و شما نمونه‌ای از این شکاف را در برخوردهای ساده‌مان با بعضی اساتید درک کرده‌ایم و لازم نیست جای دوری برویم. در کلاسها، اساتید در وصف انتقادپذیر بودن و مذمت استبداد و... سخن‌های فراوانی می‌گویند اما در ارتباطاتشان با دانشجویان روی رضاخان پهلوی را در بر خورد مستبدانه سفید می‌کنند!!! حال وقتی مدعیان آزادی و روشنفکری به نسخه‌هایشان عمل نمی‌کنند، از بقیه مردم چه انتظاری می‌توان داشت؟

مدرک تحصیلی، وسیله‌ای برای فخر فروشی

متاسفانه در نظام اجتماعی نابرابر ما، راههای کسب منزلت و ارتقای اجتماعی اندکی وجود دارد و یکی از مهمترین آنها تحصیل در دانشگاه است. یعنی این احساس در مردم وجود دارد که اگر درس نخوانند و مدرک دانشگاهی نداشته باشند باید تا آخر عمر سرافکنده باشند و... متاسفانه واقعیت‌های جامعه هم به این تلقی دامن می‌زنند.

تحصیل خوب است اما برای رسیدن به اهداف مهمتر، مانند کمک به پیشرفت علم و خدمت به مردم، نه اینکه خودِ مدرک دانشگاهی تبدیل به یک ارزش و هدف شود و وسیله‌ای برای فخرفروشی شود. پیامبر(ص) می‌فرمایند: هرکس برای دنیا و مقام پیدا کردن در چشم مردمان و مورد توجه قدرتها شدن به جست و جوی علم برآید، به بابی از آن هم نمی‌رسد، جز اینکه... زبان‌درازی و دست‌درازی او بر مردمان افزایش پیدا می‌کند و بی‌توجهی او به خدا و دوری از دین در او بیشتر می‌شود(الحیاه ج۲ص ٥٣٠) می‌بینید که طبق آموزه‌های دینی ما قطعا نیت، در نتایج عمل افراد تاثیر دارد و طبیعی است دانشگاهی که با انگیزه‌های سطح پایین پابرجا باشد، مبتلا به بیماری رخوت خواهد شد. متاسفانه مسئولین هم که از فراهم آوردن امکانات شغلی و تشکیل زندگی برای جوانان ناتوانند به این روند رشد نیاز کاذبِ به دانشگاه رفتن دامن می‌زنند، تا بتوانند مدتی جوانان را سرگرم کنند تا درخواستِ شغل از جانب آنها را به تاخیر بیندازند.

دریغ از تولید علمی

اساتید و دانشجویان در پایان‌نامه‌هاشان چه می‌کنند؟ هیچ، جز تهیه ملغمه‌ای از تئوری‌های ناچسب! کارمان شده است در کنار هم قرار دادن تئوری‌های مختلف فارغ از اینکه مبادی معرفت‌شناختی آنها باهم سازگارند یا نه. متاسفانه در این روند چیزی به علم اضافه نمی‌شود بلکه فقط بارها و بارها تئوری‌ها کنار هم چیده می‌شوند. اصلا اگر شما حرف بدون ارجاع به منبع و متفکر رده دهم خارجی نزنی، حرفت را قبول نمی‌کنند. حرفی که گفته می‌شود مهم نیست، بلکه «من قال» مهم است. اساتید مراقبند که مبادا کسی حرفی از خودش یا متفکران ناشناخته داخلی بگوید که مبادا ساحت علم آلوده شود! یکی از دوستان که در پایان‌نامه‌اش به شهید آوینی ارجاع داده بود، از جانب استاد توبیخ شده بود که این حرفهای غیرعلمی را حذف کن. این استاد اطلاع ندارند که شهید آوینی درباره مسائلی مثل توسعه مطالبی دارد که بعضی اساتید پس از ۱۰ سال مطرح کردند.

در نهایت هم می‌بینیم که روز به روز حجم پایان‌نامه‌ها و مقالات قطورتر می‌شود اما دریغ از یک حرف جدید. یکی از دوستان می‌گفت پایان‌نامه دکتری یکی از دانشگاههای معتبر امریکا را دیده بود که ۳۵ صفحه بیشتر نبوده است. زیرا حرف خودش را زده بود نه اینکه حرف دیگران را تکرار کند.

زحمت بقیه بر گردن دانشگاه!

مصیبت دیگر دانشگاه‌های ما که باعث انحراف آنها از مسیر اصلی‌شان شده، اینست که دانشگاه‌ها مجبورند بار بقیه نهادها را در ارضای نیازهای متنوع جوانان به دوش بکشند. یعنی دانشگاه تبدیل شده به محلی برای انجام کارکردهای مختلف مانند ارضای نیاز به تفریح، سرگرمی، دوستی، عواطف و حتی جنسی و در این شرایط طبیعی است که تولید علم در آخرین اولویت قرار می‌گیرد. در نتیجه تا کمبودهای بیرون از دانشگاه جبران نشوند، دانشگاه هم اصلاح نخواهد شد.

اطلاعات‌دهی قطره چکانی

اجازه دهید از اینجا به بعد کمی درباره مسائل خردتر بنویسم.

خدا نکند آدم محتاج دانستن مطلبی از بعضی اساتید شود. باید خود را به هزار آب و آتش بزنیم تا نکته‌ای را اضافه بهمان بگویند. اگر هم بگویند...

معلوم نیست می‌خواهند با آن دانش چه کنند. لابد با خودشان می‌گویند، من اینقدر زحمت کشیده‌ام حالا بیایم... یا اینکه چون اساتید خودشان هم با آنها همین رفتار را داشته‌اند، حالا می‌خواهند به نوعی انتقامش را از دانشجویان خودشان‌بگیرند.

پیامبر می‌فرمایند: هرکس علم سودمندی را پنهان دارد، خداوند در روز قیامت مهاری آتشین بر دهان او خواهد نهاد(الحیاه ج۲ص ٥٣١)

آیا اگر دانشجویان از نقطه صفر شروع نکنند برای پیشبرد علم در کشور مفیدترنیست؟

مافیای مجلات!

یکی از شرایط ارتقا در نظام آموزشی ما چاپ مقاله در ژورنال‌های علمی است. یعنی یکی از ملاکهای سنجش تولید علمی اساتید، تعداد مقالات آنهاست. برای چاپ مقاله در نشریات خارجی باید حرفی را بزنیم که آنها می‌خواهند و نیاز آنها باشد و این یعنی غافل شدن از نیازهای خودمان.

همچنین آنچه را که تولید کرده‌ایم به راحتی به آنها می‌دهیم(بعضا باید مبلغی را هم به حساب آنها واریز کنیم) تا از آن استفاده کنند و بعد دانش در سطح بالاتر را از آنها خریداری می‌کنیم. درست مثل صادرات نفت خام و واردات فرآورده‌های نفتی.

علاوه بر این، مجلات علمی داخلی در خیلی موارد نه به نیت تولید و انتشار علم بلکه به این نیت ایجاد می‌شوند که بعضی اساتید بتوانند مقالات خود را در آنها چاپ کنند و ارتقا پیدا کنند. همچنین این تاکیدات موجب شکل‌گیری نوعی مافیا در مجلات علمی داخلی هم شده است. اعضای تحریریه، فضای بسته‌ای را ایجاد می‌کنند که در آن اولویت با مقالات خودشان و نورچشمی‌هایشان است و مقالات دانشجویان دانشگاههای دورافتاده و مقالاتی که خارج از چارچوب‌های بسته و پارادایم آنهاست جایی در این نشریات ندارند.

کم فروشی، کم فروشی است، چه بقال چه استاد!

استادی که قرارست فلان قدر ساعت در اتاقش برای پاسخگویی به دانشجویان حضورداشته باشد اما حضور ندارد، فرقش با کاسبی که ۲کیلو میوه را به جای ۳کیلو میوه می‌فروشد چیست؟!! این کار بعضی اساتید خیانت و - با عرض پوزش - دزدی از بیت‌المال نیست؟ حالا بماند که بعضی اساتید اصلا مشخص نیست که چه روزها و چه ساعتهایی در دانشگاه تشریف دارند، و دریغ می‌کنند از اینکه یک تکه کاغذ روی در اتاقشان بچسبانند که فلان ساعات حضور خواهند داشت تا دانشجویان بیچاره این قدر سرگردان نشوند.

زحمت از دانشجو منفعت از آنِ ما!

در یک مورد دوستی نقل می‌کرد که وقتی به استادش اعتراض کرده بود چرا نمره پایان‌نامه‌اش را کم دادند، استاد گفته بود این مورد را اصلاح نکرده بودی، در صورتیکه او اصلاح کرده بود اما چون استاد راهنما نسخه نهایی پایان‌نامه را نخوانده بوده این برداشت را کرده بود. بارها ما از دوستان شنیدیم که بعضی اساتید راهنما هم حتی یکبار متن پایان‌نامه را نخوانده‌اند حالا چه رسد به استاد مشاور. بعد ما می‌بینیم که دانشجو ماه‌ها زحمت نوشتن پایان‌نامه و مقاله را می‌کشد اما در مقالات علمی باید نام این استاد هم باشد و استاد به واسطه این مقاله امتیاز هم کسب می‌کند و یا حتی این مقالات را بعضی اساتید در کتابهای خودشان چاپ می‌کنند و صرفا در پاورقی نام دانشجو را می‌آورند. واقعا آیا اساتید راهنما به اندازه امتیازی که کسب می‌کنند در امور پایان‌نامه، دانشجو را راهنمایی می‌کنند؟

حمیدرضا مرادی

مرد مردستان

بقیه از صفحه۱۲

پیشروی کردند و عراقیها را عقب انداختند و در سنگرهای عراقی مستقر شدند. سنگرهای عراقی هم گرا داشتند. بعد از چند ساعت عراقیها مقرّ خودشان را که از دست داده بودند، زدند... حاج مرتضی با شهید کابلی در یک سنگر بودند. سنگر را با توپ زدند و سنگر از بین رفت و آوار شد، آن هم سنگرهای بتن آرمه و سفت و سختی که عراقیها داشتند...

وقتی توپ خورده بود شهید کابلی لبه سنگر بود که به بیرون پرت شده بود و سنگر روی حاج مرتضی آوار شده بود.

در آن شرایط هم نمی‌شد پیش رفت و کاری کرد. شهدایی مثل شهید کابلی را برگردانده بودند عقب اما آنهایی که مثل حاج مرتضی زیر آوار مانده بودند، نمی‌شد بیرونشان آورد. بعد که عراقیها به عقب رانده شدند و آنجا زیر آتش نبود، رفتند و آوار برداری کردند و حاج مرتضی را بیرون آوردند. همه پیکرش سوخته بود...

چهلمین روز

تکّه بریده‌ای از سخنان شیخ حسین انصاریان در مجلّه یاد ماندگار به چاپ رسیده که نقل آن را خالی از لطف نمی‌دانم. ایشان در پاسخ به این پرسش که «عدّه‌ای شبهه می‌کنند که در ورای روحیه شهادت‌طلبی رزمندگان ما هیچ منطقی نبوده و هر چه بود، احساس بود؟» چنین می‌فرمایند: «نخیر، این حرفها نیست. همین الان من نوشتاری از این بچه‌ها دستم هست که نشان می‌دهد از ریز شهادت خودشان باخبر بودند. گفته‌هاشان هم الان در خاطرم هست. یک شب در سنگری بودیم، یکی از بچه‌ها که پا منبری‌ام هم بود به من گفت حاج آقا، امشب آخرین شبی است که من کنار شما هستم و فردا رأس ساعت بهمان در فلان جا شهید خواهم شد و تیر هم درست می‌خورد به پیشانی‌ام. یا از شهید مرتضی گرکانی به یاد دارم که می‌گفت من دعوت شده‌ام؛ حداکثر تا چهل روز دیگر می‌روم نزد حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام، و درست سر چهل روز شهید شد. ایشان از کارمندان رده بالای وزارت دارایی بود و قبل از انقلاب هم نامه‌های امام را از من می‌گرفت و با دستگاههای آن موقع وزارت دارایی تکثیر می‌کرد که چون خیلی بچه تیزی بود، تا آخر هم پی به کارش نبردند. این معرفت است؛ احساس نیست. احساس نمی‌تواند از آینده خبر دهد. این عقلی است که وصل به عقل ملکوتی شده است. این الهام است. هیچ کدام از شهیدان ما نه جاهلانه وارد جبهه شدند، نه از سر احساس...»

وصیتنامه

وصیتنامه حاج مرتضی، بسیار عجیب و شگفت‌انگیز و پر از نکات و رموز پر از معناست که پرداختن به هر فرازش، خود، مثنوی‌هایی می‌شود مفصّل...

اجمالاً به دو فراز از این وصیت‌نامه اشاره می‌شود...

«بارالها، تو را سپاس می‌گویم که پس از ۱۲٤۰ روز انتظار، دیگربار رخصتم دادی تا قطره ناقابل وجودم را به دریای عظیم و مواج راهیان کربلا آمیخته و به سویت‌ای محبوب دلها پرواز نمایم. ای عزیزی که عمروبن جموح را پذیرفتی و دعایش را مستجاب و کتابش را به مهر شهادت زینت بخشیدی، مرا نیز مشمول فیض عظیمت قرار ده (اللهم ارزقنی شهاده فی سبیلک و لاتردّنی الی بیتی ابدا) خدای من مگر نه اینکه عمرو به عشق یاری پدر فاطمه سلام‌الله علیها لباس رزم پوشید. من نیز به عشق یاری پسر فاطمه سلام‌الله علیها لباس پوشیدم، اگر عمرو به سرزمین احد شتافت من نیز به سوی کربلای حسینِ تو شتابانم و در این راه اگر قلم تقدیر تو فرمان شهادتم را به امضاء رسانید چنان کن که ابتدا مزه فتح را بچشم و دشمنان تو را به ذلّت اسارت و شکست دراندازم و آنگاه از این محیط خراب‌آباد به سوی ملکوت اعلای تو پرواز کنم. اما نه به شوق آن عطایا و مواهب که در گنجینه فردوس برین ذخیره فرموده‌ای و نه به آرامگاه خویش در جوار مقدس تو و نه درک کرامت خود در پیشگاه اقدست و نه به شوق دیدار فرشتگان سپیدپوش و وصل حوران بهشت‌آرا و نهرهای سرشار از شیر و شهد و شراب و درختان سایه‌گستر و میوه افشان و... بلکه به عشق دیدن یار و نظاره یک لبخند حاکی از رضایت حسین تو به سوی ملکوت اعلای تو پرواز کنم.ای خالق من آیا می‌شود که به خواب من تحقّق بخشی، تویی که منبع نور و نعمتی، بر من که در اثر ارتکاب معاصی قلبم سیاه و دلم تاریک است، توئی که بر مبدأ و معاد قدرت داری، بر من که در این عالم فانی کمترین، بلکه هیچم، توئی که به هر چه مشیت علیای تو تعلق گیرد توانائی بر من که اگر تو نخواهی جز لاشه گندیده‌ای بیش نیستم.ای خالق من توئی که خواب همسرم را در خصوص علی فرزند خردسالم محقق کردی، خواب مرا نیز به ظهور برسان و آنچه که در ذیل درخواست اعزامم نوشته شده بود جامه عمل بپوشان.

(به دایره شهرستانها معرفی شوند تا این عزیز نیز طلعت خویش را از حسین علیه‌السلام بستانند)...»

«... مولای من میل دارم در شهادتم از مهمانانم همچنان که در اعیاد و جشنها پذیرایی می‌کنند استقبال نمایند و در صورت امکان لباس سپید بپوشند و بدون استفاده از حجله چراغان نمایند و زنها بر مصیبت حسین علیه‌السلام با خانم فاطمه زهرا سلام‌الله علیها و مردها با رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و پدر گرامیش علی علیه‌السلام و برادر جگرسوخته‌اش حسن مجتبی علیه‌السلام همراهی نموده و گریه کنند. زیرا آنگاه که من و همرزمانم در جبهه‌ها آب گوارا می‌نوشیدیم، حسین علیه‌السلام در کربلا تشنه بود. آن زمان که من بر زمین قرار گیرم در جمع یاران خواهم بود، لیکن حسین علیه‌السلام تنها و بی‌کس بود. مولای من امکان آن هست که بدن ما شناخته شود و اگر در بیابانها بمانیم کسی چشم طمع به لباس ما نخواهد داشت ولی تو خود بهتر می‌دانی که با حسین علیه‌السلام چه کردند و لذا مطمئن باشید که من هم با شما در عزای حسین علیه‌السلام گریه خواهم کرد...»

«... محبوبم، دوست دارم بر سنگ مزارم بنویسند: کمال المطلوب - لقاء المحبوب - شهید حاج مرتضی گرکانی فرزند محمدعلی، عاشقی که حسین علیه‌السلام را زیارت کرد و به دیدار دوست شتافت. تولد ۱۰ / ۱۱ / ۱۳۲۸ شهادت / ۲ / ۱۳٦٥ محل شهادت...»

گزارش

طی یک سال گذشته، تورم چطور کاهش یافت؟

چشم‌بندی یا نتیجه سیاستهای اقتصادی

طی یکسال گذشته شمس‌الدین حسینی، وزیر اقتصاد و بهمنی رئیس بانک مرکزی چنان به کاهش نرخ تورم می‌نازند که گویا برنامه‌ریزی و سیاستهای اقتصادی آنهاست که نرخ تورم را کاهش داده است! هرچند حسینی به جای برنامه‌ریزی و تنظیم سیاستهای مناسب اقتصادی علاقه دارد «کتش را در بیاورد و ماشین طرح‌های اقتصادی را هل دهد» اما مطمئنا آنچه که اقتصاد ایران را از این وضعیت خارج می‌کند تدوین سیاستهای اقتصادی مناسب است نه کت در آوردن و هل دادن!

هر آشنای با ادبیات اقتصادی می‌داند که کاهش تورم همیشه به معنای بهبود شرایط اقتصادی نیست و دلایل دیگری هم می‌تواند داشته باشد. تورم یک شاخص است که کاهش و افزایش آن گاهی نشانه بهبود شرایط اقتصادی است و گاهی عکس آن. لذا همیشه کاهش آن نشانه خوبی نیست همچنان که افزایش آن همیشه نشانه بدی نیست.

افزایش تعداد چکهای برگشتی، کاهش رشد اقتصادی به یک درصد که نشان از کاهش تولید می‌دهد، افزایش بیکاری، کسری بودجه دولت، همه نشانه‌های مسلم یک رکود اقتصادی است و نتیجه رکود در اقتصاد چیزی نیست جز کاهش تورم.

با این اوصاف طی یکسال گذشته در حالی مردان اقتصادی دولت از کاهش نرخ تورم می‌گویند که شرایط اقتصادی از یکسال گذشته نشان می‌دهد آنچه که امروز تورم را کاهش داده وجود رکود در اقتصاد ایران است.

البته برای این کاهش تورم دلایل دیگری نیز وجود دارد. از جمله آنکه هرچند متولیان ارشد بانک مرکزی اصرار دارند که در نحوه محاسبه تورم تغییری ایجاد نشده است، اما تاکنون دلیل محکمی در خصوص چند انتقاد منتقدان ارائه نکرده‌اند.

از جمله این انتقادها مربوط به تغییر ضرایب اهمیت گروه‌های کالایی است که در محاسبه شاخص تورم نقش دارند. ضریب اهمیت را به طور ساده می‌توان وزن گروهها در سبد هزینه‌ای خانوارها دانست که بانک مرکزی بدون ارائه دلیلی این ضرایب را برای برخی گروه‌های کالایی همچون گروه خوراکی‌ها، پوشاک، مسکن که سهم عمده‌ای در سبد مصرف خانوار دارند،ا کاهش داده و به جای آن ضریب اهمیت گروه‌هایی همچون گروه تفریح، تحصیل و مطالعه، گروه حمل و نقل و ارتباطات را افزایش چشمگیری داده است.

البته به جز این موضوع سیاستهای اشتباه اقتصادی گذشته دولت را نیز باید در نظر گرفت. چرا که پس از دست و دلبازی‌های دولت در تخصیص منابع بانکی در بخشهای مختلف اقتصادی از قبیل بازار مسکن، بنگاه‌های زود بازده و... این روش اثرات تورمی خود را بر جای گذاشت.

به این ترتیب دولت با آزمون و تجربه آموخت که تزریق بی‌حساب و کتاب و نادرست نقدینگی به اقتصاد چه عواقبی می‌تواند داشته باشد. اما وقتی این درس را از اقتصاد آموخت که منابع بانکی کاهش و معوقات بانکی افزایش یافت. لذا بر خلاف سیاستهای قبلی خود چنان قفل محکمی بر منابع بانکی زد تا بتواند جلوی تورم ناشی از افزایش حجم پول را بگیرد.

از طرفی وعده‌های رنگین دولت در خصوص پروژه‌های عمرانی در چند سال گذشته، هزینه‌های جاری دولت را به شدت افزایش داد.

با این اوصاف کاهش تورم نه از درایت مسئولان اقتصادی دولت است نه از چشم‌بندی و ترفند رئیس بانک مرکزی و وزیر اقتصاد؛ بلکه نشانه رکودی است که هزینه آن به مراتب بیشتر از تورم است. البته مطمئنا از چنین موضوعی هم جناب بهمنی رئیس بانک مرکزی و هم جناب شمس‌الدین حسینی مطلع و آگاه هستند.

ستایش قلم برای قهرمان وزنه‌برداری جهان

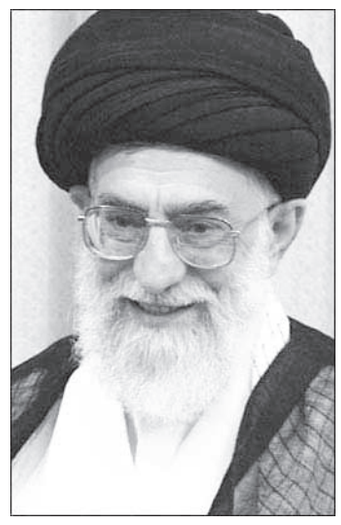

چند روز پیش وزنه‌بردار فوق سنگین تیم ملی، پس از کسب مدال طلای جهانی، آن را تقدیم کرد به شهدا! همین یک جمله دست مولایمان را بر ورق لغزاند تا پیام تشکری بنویسد...

نمی‌خواهم وارد بحث تنهایی امامم بشوم که وقتی یک نفر در بالای یک سکوی جهانی نام شهدا را به زبان می‌راند -آنقدر که این حرکت غریب است- دست مولایمان را بر ورق می‌رساند تا پیام تشکری بنویسد...

امام کجا را دیدند؟ ۲۰۰ کیلو آهن را؟ توانایی یک فرد را؟ مدال طلا را؟ پنجم شدن ایران در مسابقات را؟ سرود ملی را؟ پرچم ایران را؟ این چه اتفاقی است که دست مولایمان را بر ورق می‌رساند تا پیام تشکری بنویسد...

حتی تقدیم این مدال به شهدا هم در آن مصاحبه غریب بود، شاید هم کسی آن را ندید، اگر پیام امام نمی‌بود من متوجه مدال طلا نمی‌شدم چه برسد به واژه شهدا! شهدا غریبند، حتی در جمله‌ای که مربوط به شهداست! ولی فقط یک نفر نام شهدا را از بین آن مصاحبه استخراج کرد، آنهم مولایم بود! انگار فقط همین یک نفر امروز مسئول است تا نام شهدا را از غربت، از بین مدال و سکو و عرق و سرود ملی و پرچم ایران و گوشه مصاحبه یک قهرمان، زنده نگه دارد، انگار فقط همین یک نفر است که در قرن تبلیغات و در دلواپسی‌های سیاسی و هسته‌ای و حقوق بشر و دموکراسی و لیبرالیسم، نگران غربت شهداست، انگار همین یک نفر از نسل روح‌الله باقی مانده است که دلش برای شهدا و خانواده شهدا و مزار شهدا و اسم شهدا و راه شهدا و خود شهادت تنگ می‌شود. انگار همین یک نفر است که می‌فهمد معنای جمله «زنده نگه داشتن یاد شهدا، کمتر از شهادت نیست». انگار همین یک نفر از نسل خشکیده غیرت باقی مانده است تا تفحص کند، نه تنها در خاک، بلکه در تاریخ، در روزها، در متون، در بندها، در جملات، در کلمات و در حروف بگردد تا نگذارد نام شهید و یاد شهید غریب بماند تا نگذارد از شهدا سرسری رد شویم، تا نگذارد شهدا ما را فراموش کنند به واسطه فراموشی آنها توسط ما! انگار همین یک... نه او یک نفر نیست، والله که او به تنهایی یک ملت است.

ملتیست که در مظلومیت خود محرک همه ملتهاست به سمت خورشید... او عبد صالح خداست، او علمدار خورشید است، بیرقی از جنس چفیه، با رنگ شهادت، به وسعت همه تاریخ. آری امروز بار تمامی تاریخ از آدم تا خاتم شده است یک چفیه که بر گردن امام من است! امروز هر چه رحمت می‌بینم از وراثت اوست که از رسول الله دارد! امروز هر چه صلابت می‌بینم از شوکت سلیمانی نه، بلکه از هیبت حیدری اوست!

امروز هرچه بت‌شکنی می‌بینم از تبر ابراهیمی نه، بلکه از خطبه‌های زهرایی اوست! امروز هر چه زیبایی می‌بینم از جمال یوسفی نه، بلکه صورت حسنی اوست! امروز هرچه عزت می‌بینم، از ید موسایی نه، بلکه دست عباسی اوست! امروز هر چه زنده می‌بینم از دم مسیحایی نه، بلکه خون حسینی اوست! او فقط نه به خون بلکه به حقیقت وارث اولیاست! او فقط نه به عنوان، بلکه به طریقت نائب مهدی صاحب الزمان است... می‌خواهم کودکانه و با افتخار از روی غرور بادی به گلو بیاندازم و فریاد بزنم: او امام من است! او آبروی من است! او سید من است! ذره ذره وجودم به فدای غربتت! ای سید حسنی! ای یار خراسانی!

اهتمام ویژه صدا و سیما به رهنمود رهبری!

محمدمهدی اسلامی

فکر می‌کردم که شهادت امام صادق علیه‌السلام، که پدر علوم بوده‌اند و شاگردانی در فقه، تفسیر و علوم قرآن، کلام، تاریخ و... و حتی علوم تجربی همچون شیمی داشته‌اند، فرصت مناسبی است برای یادآوری آنکه فقه جعفری توان خوبی در تولید علم دارد و می‌توان با نواندیشی و جهاد علمی متکی بر آن معضل امروز کشور در اتکای به علوم انسانی غیراسلامی را درمان نمود.

چه بسیارند مطالبی که آن زمان در سخنان آن حضرت بوده است و بیش از هزار سال بعد بشر به آنها رسیده است. حتی برخی از آنها شهرت دارند همچون نظر ایشان در باطل بودن عناصر چهارگانه، نظر ایشان پیرامون نور و... و این نوید دهنده آن است که در بخش اصلی و هم غالب مباحث علمی ایشان که امروزه در علوم انسانی دسته‌بندی می‌شوند، گوهرهای فراوان کشف نشده می‌توان یافت؛ در علوم اجتماعی، روانشناسی، علوم تربیتی، حقوق و...

در این میانه با خود تامل می‌کردم که آیا صدا و سیما در معرفی این امام همام، روش خود را تغییر خواهد داد؟ آیا با «نگاه راهبردی به نقش رسانه در عرصه فرهنگ‌سازی» در این مناسبت وارد خواهد شد؟ آیا از رهنمود رهبر معظم انقلاب در خصوص بهره‌گیری از «هنرهای نمایشی و فیلم و سریال» برای انتقال پیام‌های دینی در کنار سخنرانی و نوحه‌سرایی بهره خواهد برد؟

گمان می‌کنم هر کس برنامه‌های صدا و سیما را در شب و روز شهادت دیده باشد، پاسخ این سوالها را خواهد دانست...

شباهت دعوای خانه سینما با فتنه ۸۸

آرش فهیم

این روزها دعوای میان مدیریت خانه سینما و معاونت سینمایی بالا گرفته است. ظاهر این دعوا چهاردهمین جشن خانه سینما و حواشی آن است. اما اصل قضیه چیز دیگری است. شاید بتوان ریشه اصلی این واقعه را در نامه‌هایی که این روزها تحت عنوان حمایت سینماگران از مدیرعامل خانه سینما منتشر می‌شود بازیافت.

با تعمق در نام‌های قید شده در حمایت‌ها، یک شاخص بسیار بزرگ خودنمایی می‌کند؛ افرادی که نامشان در صدر حمایت آمده عمدتا افرادی هستند که طی سال‌های گذشته و به خصوص در دوره موسوم به اصلاحات از بیشترین امکانات، فرصت‌ها و رانت‌های دولتی بهره‌مند بوده‌اند. این درحالی است که افرادی که حاضر نشده‌اند نامه را امضا کنند و امروز به عنوان هواداران معاونت سینمایی وزارت ارشاد شناخته می‌شوند به طور غالب سینماگرانی هستند که همواره مظلوم بوده‌اند و امکانات و فرصت کار برای آن‌ها کمتر مهیا بوده است.

این جریان با عرصه سیاسی کشور و به خصوص وقوع فتنه قابل مقایسه است. به این ترتیب که پس از انتخابات سال ۸۸ نیز افراد و گروه‌هایی که در دولت‌های قبل از دولت نهم بیشترین سهمیه را در قدرت داشتند و از رانت‌های گوناگون برخوردار بودند فتنه را ایجاد کردند و عده‌ای از همه جا بی‌خبر و مرفه بی‌درد را نیز فریب دادند و دنبال خود کشاندند. در حالی که اکثریت قریب به اتفاق مردم و به خصوص طبقات رنج کشیده جامعه در مقابل فتنه و فتنه‌گران ایستادند و در نهایت نیز پیروز شدند.

معاونت سینمایی وزارت ارشاد نیز مثل سایر مدیران این مقام در ۳۲ سال گذشته دارای نقاط ضعفی هم هست و طی یک سال گذشته اشتباهاتی هم مرتکب شده است. اما نمی‌توان تلاش او و همکارانش برای برقراری عدالت و سهیم کردن همه خانواده سینما از امکانات و فرصت‌های این عرصه را منکر شد. ظاهرا مدیریت خانه سینما علاقه‌ای به این موضوع ندارد و قصد دارد وضع موجود و شرایط نامطلوبی را که طی ۱۲،۱۳ سال اخیر -به خصوص در دوره سیاه موسوم به اصلاحات- بر سینمای این کشور سایه انداخته را حفظ کند. جالب این است که مدیران فعلی خانه سینما از جمله مدیرعامل آن خودشان از دست‌اندرکاران دولتی سینما در دولت دوم خرداد بودند که وضع سینما را به بدترین وضع آن در بعد از انقلاب دچار کردند.

هرچند نتیجه این دعوا مشخص است. جریان اقلیت اما صاحب نفوذ و قدرت که تحت عنوان حامیان مدیرعامل خانه سینما مطرح شده‌اند در نهایت مغلوب خواهند شد.

خاتمی دچار فراموشی شده؟!

مسعود شفیعی کیا

اصرار خاتمی بر اظهار بیزاری از جریان سبز و شخص میرحسین موسوی و سخن وی را که مدعی شده: «جنبش سبز اصلاحات را به انحراف کشاند.» از طنزهای روز سیاسی می‌توان به شمار آورد.

چرا که گویا خاتمی فراموش کرده که خود در اولین همایش انتخاباتی موسوی در برج میلاد، گروهک سبز را با انداختن شال سبزی بر گردن موسوی و پخش همزمان نمادهای سبز در بین حاضرین پایه گذاشته است و فراموش کرده که در پیامی آورد:

«پیروزی مهندس موسوی، پیروزی ایران، استقامت و آزادگی است، و من این پیروزی را پیروزی خود و همه کسانی می‌دانم که دوّم خرداد را آفریدند...»

فرستادگان خاتمی به سراسر کشور، وقتی متوجه محبوبیت بالای دکتر احمدی‌نژاد میان مردم شدند - که وی نیز به پیروزی مجدد آقای رئیس جمهور در ملاقاتش با یکی از وزیران دولت نهم اعتراف کرده بود - با زیرکی نامزدی حتمی خود را منتفی کرد و میرحسین موسوی که در دور بعدی انتخابات می‌توانست رقیب جدّی‌اش باشد را به این میدان پر بلا فرستاد. ولی برای فرافکنی هراس خود را چنین پوشاند و با نیش و کنایه‌های رسمی خود زمینه فتنه ۸۸ را چید. به عنوان نمونه در جمعی از هوادارانش اظهار داشت:

«یکی از موانع ورودم این است که محافظه‌کاران و به خصوص دست اندرکاران دولت نهم برنامه‌ریزی وسیعی برای تقلب در انتخابات کرده‌اند.... آنها هشت میلیون رأی آماده کرده‌اند و از طرف دیگر شخص احمدی‌نژاد هم ۱۴-۱۳ میلیون رأی دارد، لذا با این محاسبات برای برتری حداقل رأی بالای بیست ویک میلیون لازم داریم که ممکن است نتوانیم.»

گویا علاوه بر اینها خاتمی خواسته‌اش در شیراز برای تغییر قانون اساسی پیش از انتخابات و دعوتش بعد از انتخابات برای تجمعات غیرقانونی که منجر به هتک حرمت نظام و کشور و موجب خسارات مالی و جانی فراوانی به مردم و کشور شد را فراموش کرده و سخنش که می‌گفت: «مردم باید بدانند بر سر رأیشان چه آمده» و پیشنهاد رفراندوم برای اثبات دروغ تقلب را هم از یاد برده است.

شاید خاتمی نامه‌های مشترکش با موسوی را فراموش کرده چون نامه‌ای که به قوه قضاییه نوشتند و در آن الله‌اکبرهای کذایی منافقان و بازیخوران آنان را «اعتراضی که با ذکر مقدس الله‌اکبر نشان داده می‌شود» نام بردند و تجمع غیرقانونی را که در آن به نوامیس و اموال مردم تعرض شد و مساجد به آتش کشیده شد را «راهپیمایی شکوهمند روز دوشنبه» خواند و از قانون‌شکنان چنین نام برد که «شاهد حضور مردمی هستیم که احساس می‌کنند در حقّ آنها جفا شده است و در اعتراض خود رفتاری کاملاً مدنی را نشان می‌دهند.» را هم فراموش کرده است؟

آیا خاتمی مردم را فراموشکار حساب کرده یا خود دچار فراموشی شده است؟! که با فرستادن چندباره واسطه، خواهان ملاقات با رهبر معظم انقلاب اسلامی است؟!

اعضای اتاق فکر مدعیان اصلاحات وقتی که بازداشت شدند بلافاصله متوجه شکست فاز مخملی خود شدند بنابراین بی‌درنگ زبان به شماتت موسوی و رفتار براندازانه خود گشودند که اعترافات «عطریانفر» و «حجاریان» و تا حدودی «ابطحی» که اصرار داشتند مقصر اصلی را موسوی بدانند و تکیه کلام همگی بر تعریف و تمجید از خاتمی بود به خصوص عطریانفر که خاتمی را منجی اصلاحات تلقی می‌کرد و این سناریو با رمز حجاریان کلید خورد که گفت: «اصلاحات مرد، زنده باد اصلاحات» ملاقات‌های اخیر «بهزاد نبوی» با میرحسین موسوی و تهییج وی بر پافشاری بر مواضع رادیکالیش و فعالتر شدن گروهک سبز با راه‌اندازی شبکه تلویزیونی و سفرهای خارجی دختران آقای رفسنجانی نشان از سیاست چماق و هویج کودتاگران سبز دارد که با نشان دادن چنگ و دندانِ مهره سوخته‌شان و با ابراز بیزاری خاتمی و آقایِ هاشمی رفسنجانی از وی، مرعوبان درون نظام را مجاب کنند که برای کنترل تندروهای مدعی اصلاحات میانه‌روهایی که در واقع عقبه فتنه ۸۸ بودند را وارد نظام کنند. همانطور که خاتمی در بحبوحه اغتشاشات در لفافه سخن ناصحانه تهدید کرد که اگر نگذارید ما سخن بگوییم و تریبون را از ما بگیرید کار به خشونت می‌کشد. و این طرحی است که برنامه‌ریزان پشت پرده پیش از انتخابات برای همراه کردن بدنه ساده‌لوح مشهور به اصولگرا به حمایت از موسوی برنامه‌ریزی کردند که خاتمی را نماینده تندروهای مدعی اصلاحات نمایاندند و از طرف دیگر میرحسین را نماینده بخش اصولگرا و میانه‌رو مدعی اصلاحات وانمود کردند، که آرشیو رسانه‌ها گواه این خدعه است. ولی با پیش آمدن وقایع سال گذشته درونمایه ستیزه‌جوی نماینده میانه‌روان آنان مشخص شد. حال نیز برای بازی دادن ما و نفوذ مجدد خاتمی که ملاقاتهایش با «سوروس» سرمایه‌دار یهودی مصمم براندازی نظام جمهوری اسلامی در آستانه انتخابات و مقامات کشورهای غربی و عربی مانند عربستان آشکار شده است و با فاش شدن حداقل یک میلیارد دلار کمک‌های بیگانگان به فتنه‌گران که وزیر اطلاعات به اسناد آن را اشاره کرد، نباید شک کرد که این پلیتیکی است برای نجات فتنه‌گران به بهانه وحدت و همدلی. ولی مردم هشیارند.

تاج‌زاده می‌گفت کار نظام تمام است

امیرحسین ثابتی

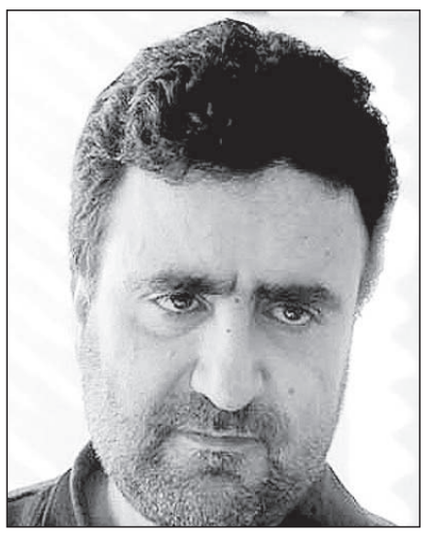

وقتی مطلع شدم بانی برگزاری جلسه خانواده زندانیان حوادث سال گذشته با هاشمی رفسنجانی، فخرالسادات محتشمی‌پور همسر مصطفی تاج‌زاده بوده است، خاطره‌ای یادم آمد که ترجیح دادم همین جا بنویسم.

بهار ۸۷ (یک سال قبل از انتخابات) گذرم به ساختمان نشریه آیین در خیابان سمیه افتاد. در آنجا تاج‌زاده را دیدم. پیش‌تر به واسطه حضورش در دانشگاه همدیگر را می‌شناختیم و چند باری هم با یکدیگر جدل کرده بودیم.

این بار هم چند کلامی در همان ساختمان با هم صحبت کردیم که بحث رسید به انتخابات سال آینده. در حین بحث تاج‌زاده جمله‌ای گفت که هنوز در گوشم باقی مانده است. حرفی که البته همان موقع هم مطمئن بودم یک بلوف سیاسی است، اما نوع نگاه وی و همفکرانش را به نظام می‌رساند. تاج‌زاده در حالی که کنار پنجره ایستاده بود و سیگار می‌کشید می‌گفت: سال آینده احمدی‌نژاد باید برود. همه چیز تمام است و مردم دیگر به این دولت رای نمی‌دهند. من هم منکر این موضوع شدم و گفتم: مردم بمیرند هم دیگر به شما رای نمی‌دهند. اما وی در جواب گفت: «اگر اصلاح‌طلبان در انتخابات آینده رای نیاورند، کار نظام تمام است. جمهوری اسلامی هم کم کم باید برود...»

همان طور که اول مطلب هم نوشتم، این خاطره مربوط به بیش از ۲ سال قبل است. یعنی اردیبهشت ۸۷. هیچ‌وقت هم قصد نداشتم اینجا بنویسم چون هنوز هم احساس می‌کنم خیلی نکته مهمی ندارد اما دیدار اخیر آقای هاشمی با خانواده‌های افرادی که یک سال قبل از انتخابات، رای نیاوردن خودشان را معادل پایان کار نظام می‌دانستند، و از قضا بانی این دیدار نیز همسر مصطفی تاج‌زاده است، از همان اقداماتی است که فقط در چارچوب پازل رفتاری یک نفر مثل آقای هاشمی قابل پیش‌بینی است...

غم هجران

بازآ، دلم ز گردش دوران شکسته است
چون کشتی از تهاجم طوفان شکسته است
آیینه خیال نهادم به پیش روی
دیدم که قلبم از غم هجران شکسته است
عمری در آتشیم و تو را ناله می‌کنیم
فریادمان به کوی و خیابان شکسته است
دیگر نوای ما ننوازد نی فراق
این ناله در گلوی نِیستان شکسته است
ما تیغ غیرتیم ولی در نیام غم
زنگار بی‌تحرّک دوران شکسته است
ما را خیال روی تو بیتاب می‌کند
عقد بلور اشک، به دامان شکسته است
درمانِ حسرتِ دلِ ما دیدن تو بود
بازآ که بی تو شیشه درمان شکسته است
در رهگذار عشق، گدایان حضرتیم
در این مسیر، کلک «پریشان» شکسته است

محمدحسین حجّتی (پریشان)

یک نماینده مجلس چقدر حقوق می‌گیرد؟

الیاس قنبری

سوال خیلی ساده است به نظر شما یک نماینده مجلس چقدر حقوق می‌گیرد؟ به گفته خود نمایندگان با احتساب هزینه‌هایی که برای رفت و آمد و اجاره دفتر و راننده به آنها می‌دهند چیزی حدود سه میلیون. خوب یک نماینده چند سال نماینده است؟

چهارسال یعنی چهل و هشت ماه. چهل و هشت ضربدر سه میلیون می‌کند به عبارتی ۱۴۴ میلیون. یعنی یک نماینده در طول چهارسال نمایندگی حالا با مزایا و اینها چیزی حدود ۱۵۰ میلیون تومان حقوق می‌گیرد. نوش جانشان ما که نگفتیم پول زیادی است ۱۵۰ میلیون تومان پول یکی از این اتومبیل‌هایی که در شمال شهر ویراژ می‌دهند هم نیست.

اما هنوز سوال اصلی باقی مانده و آن هم اینکه نماینده‌ای که قرار است در طول چهار سال و ماه به ماه ۱۵۰ میلیون تومان پول در بیاورد چقدر برای ورودش به مجلس هزینه تبلیغات می‌کند؟ مطمئنا خیلی بیشتر از ۱۵۰ میلیون. تازه ممکن است اینهمه هزینه کند و در رقابت انتخاباتی پیروز هم نشود. اگر هم پیروز شود این حقوق در مجموع عمرا نمی‌تواند سرمایه اولیه‌ای که صرف تبلیغات شده را بازگرداند.

حتی اگر هم باز گرداند باز به صرفه نیست که کسی مثلا ۱۵۰ میلیون هزینه کند تا طی چهار سال دوباره به صورت قسطی سرمایه‌اش برگردد. این حکم درباره نماینده‌های شورای شهر و خبرگان و رئیس‌جمهوری نیز صدق می‌کند. تبلیغات نماینده مجلس در یک محدوده بومی و منطقه‌ای است ولی تبلیغات ریاست‌جمهوری در سطح کشوری، مسلما هزینه‌های کلانی می‌برد.

در اینجا چند فرضیه مطرح می‌شود اول اینکه کاندیداها اصولا آدم‌های ثروتمندی هستند که برایشان هزینه تبلیغات و حقوق دولتی اهمیتی ندارد بلکه صرفا برای کسب پرستیژ و یا خدمت به کشور کاندید شده‌اند. دوم اینکه کاندیداها انسان‌های فداکاری هستند و حاضرند به قیمت ورشکستگی و زیر بار قرض رفتن نماینده و رئیس‌جمهور شوند تا به ملت خدمت کنند.

سوم اینکه کاندیداها اسپانسرهای پولداری دارند که حاضرند ریسک کنند و البته این اسپانسرها بعدها سهم‌خواهی خواهند کرد. چهارم اینکه اصلا شاید هزینه زیادی برای تبلیغات نمی‌کنند. پنجم اینکه کاندیداها از بودجه بیت‌المال به نحوی برای تبلیغات استفاده می‌کنند. ششم اینکه کاندیداها پس از ورود به مجلس با استفاده از زد و بند و پیدا کردن روابط جدید از رانت‌هایی برخوردار می‌شوند که جبران مافات می‌کند.

احمدی‌نژاد ۸۴ تا ۸۹ در یک نگاه

سیدمختار موسوی

برای دستیابی به چگونگی سیر و سلوک سیاسی و نحوه مدیریت کلان آقای احمدی‌نژاد و شناخت رمز موفقیت او و پی بردن به علل و عوامل احتمالی که ممکن است در فراز و فرود آقای احمدی‌نژاد نقش داشته باشند، باید سری به تاریخ زد و علت را در مسیرهای طی شده توسط ایشان جستجو نمود.

برای نیل به این مقصود، ابتدا لازم است به تیرماه سال ۱۳۸٤ و ایام انتخابات ریاست‌جمهوری نهم برگردیم و در این سفر تاریخی، بررسی کنیم که آقای احمدی‌نژاد در آن آزمون بزرگ، خود را چگونه به ملت عرضه نمود و چگونه در قلب میلیون‌ها ایرانی عاشق ولایت جای پیدا کرد.

بی‌تردید همانطوری که بارها مقام معظم رهبری فرموده‌اند؛ راز اقبال حقیقی میلیون‌ها مسلمان تشنه عدالت و دوستدار امامت و ولایت، از آقای احمدی‌نژاد در انتخابات تیرماه ۱۳۸٤ را باید در شعارهای انتخاباتی و تقریرات و اشارات احمدی‌نژاد جستجو کرد.

مردم شریف و فهیم ایران اسلامی که ۱٦ سال به دنبال گمشده‌های خود می‌گشتند، بعد از آشنایی با آقای احمدی‌نژاد و گوش دادن به حرفها و شعارهای وی و انجام یکسری تحقیقات پیرامون شخصیت سیاسی و مذهبی وی و پی بردن به نوع تفکرات و اندیشه‌های سیاسی و مذهبی او، به این نتیجه رسیدند که، می‌توان امیدوار بود و گمشده‌های خود را در آقای احمدی‌نژاد پیدا کرد.

آری، وقتی مردم دیدند که احمدی‌نژاد لباس علویان را بر تن کرده و پشت به منش و روش و کنش سیاست سخیف و سفلای اموی(بخوانید غربی) که دولت‌های کارگزاران و اصلاح‌طلبان دنباله رو آن بودند؛ بر مرکب سیاست علیای علوی نشسته و انگشت اشاره خود را به سمت و سوی مکتب اسلام ناب محمدی(ص) واصل مترقی و ضد دیکتاتوری ولایت مطلقه فقیه و گفتمان ناب و ارزشی امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری مدظله‌العالی نشانه رفته، به ندای او لبیک گفتند و به او رأی و فرصت دادند، تا بتواند به وعده‌هایش جامه عمل بپوشاند و نسبت به احیای ارزشهای دینی و انقلابی و خروج گفتمان امام از غربت ۱٦ ساله و آشتی دادن جامعه با اسلام سیاسی از نوع ناب محمدی و شکوفا ساختن حکومت دینی و به کمال رساندن مردمسالاری دینی اقدام عاجلی به عمل آورد.

در تیر ماه ۸٤ اهداف و آرمانهای مردم، در شعارها و نطق‌های انتخاباتی احمدی‌نژاد جمع شده بود. و از آنجایی که مردم به دنبال یک مدیر سیاسی با منش و روش علوی بودند، لذا او را برای تشکیل یک دولت مکتبی مبتنی بر سیاست علیای علوی با محوریت ولایت مطلقه فقیه مناسب تشخیص دادند.

قطعاً اهداف و آرمان‌های ملت مومن و ولایی ایران اسلامی و گمشده‌های آنها، نه تنها در امور مادی و دنیوی مثل امنیت، اقتصاد و مسائل معیشتی خلاصه نمی‌شد؛ بلکه امور مادی و دنیوی که نیازهای مشترک بین انسان و حیوان است، در اولویت اول آنها نیز قرار نداشته است.

اگر غیر از این بود، دولت‌های کارگزاران و مدعیان دروغین اصلاحات که، تلاش می‌کردند تا دنیای ایرانیان را شبیه غربیها کنند و با سرتعظیم فرود آوردن در برابر آمریکا و اسرائیل غاصب و کوچک کردن ایران و ایرانی در برابر نوکران آمریکا، و فروختن اسلام ناب محمدی و انقلاب اسلامی و ثمره خون شهدا به آنان، و تبدیل ایران اسلامی به ایرانی غرب‌زده و مبتذل، ایران را وابسته و سفره‌ها را رنگی و زندگی‌ها را تجملاتی و اشرافی کرده بودند و خلاصه ایرانیان از این بابت مشکلی نداشتند.

بنابراین احمدی‌نژاد برای پرداختن به این گونه امور پست و دنیوی انتخاب نشد، احمدی‌نژاد در راستای تکمیل پروژه حکومت اسلامی و فراهم ساختن زمینه تشکیل دولت اسلامی و تلاش برای سعادتمندی و نیک‌بختی ایرانیان انتخاب شد. و برای نیل به این اهداف و آرمانها؛ اعتماد مردم را به دست آورد و به پاستور راه پیدا کرد و بر مسند ریاست‌جمهوری تکیه زد و بالاخره دولت نهم را تشکیل داد.

آیا احمدی‌نژاد در طول حکومت چهار ساله دولت نهم، توانست رضایت معتمدین و منتخبین خود و دیگر اقشار ملت بزرگ ایران، و در رأس همه رضایت خاطر مقام عظمای ولایت را جلب کند؟

آیا احمدی‌نژاد، اهداف و آرمانهای مردم را جزو اهداف و آرمانهای خاص حکومتی خود قرار داد؟

آیا احمدی‌نژاد به تمام اهداف و آرمان‌های حکومتی خود رسید؟

احمدی‌نژاد چند درصد از گمشده‌های مردم ولایتمدار را به آنها برگردانید؟

اینها سوالاتی است که هرکدام بحث مفصلی را می‌طلبد و مجال پرداختن به آنها در این مقاله نیست.

به منظور جلوگیری از اطاله مطلب، پاسخ نسبی و اجمالی این سوالات را با طرح سوال دیگری بیان می‌کنیم.

آیا انتخاب مجدد آقای احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری دهم، دلیل بر اعتماد کامل مردم به ایشان و رضایتمندی مردم و مقام معظم رهبری از عملکرد وی و نشانهٔ تحقق یافتن وعده‌های او و از قوه به فعل درآمدن شعارهای احمدی‌نژاد در دولت نهم است؟

تردیدی وجود ندارد که به طور نسبی این اعتماد و رضایتمندی وجود داشته است که، برای بار دوم اکثریت قاطع مردم او را انتخاب کردند. اما اوضاع و احوال امنیتی بی‌سابقه‌ای که در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری دهم بر فضای سیاسی کشور حاکم شده بود و شرایط دیگر داوطلبان و رقبای احمدی‌نژاد و خطراتی که از ناحیه سایر کاندیداهای انتخاباتی و حامیان خارجی آن نابکاران، اصالت انقلاب اسلامی و اسلامیت نظام و اصل ولایت مطلقه فقیه و ماهیت جمهوری اسلامی ایران را، تهدید می‌کرد نیز، در اقبال مجدد مردم نسبت به احمدی‌نژاد بی‌تأثیر نبوده است.

از آنجایی که انتخابات ریاست‌جمهوری دهم، با آن مسائل روبروشده که همگان از آن خبر دارند و فتنه ۸۸ در کوران انتخابات کلید زده شد، لذا اولویت اول مردم ولایت‌مدار و جامعه اصولگرایان در این انتخابات، خطرزدایی از انقلاب اسلامی و حفظ جمهوری اسلامی و پاسداری از ولایت فقیه و صیانت از روحیه استکبارستیزی و یک نه خیلی بزرگ گفتن به کاندیداهای سکولار بود.

به طور متیقن، تنها داوطلب مورد اعتماد آن دسته از خواص و عوام که در آن فضای بحرانی و موقعیت اضطراری، دغدغه‌ای و اولویتی به غیر از آنچه ذکر شد نداشتند؛ و رعایت قاعده الاهم فالاهم را نصب‌العین خود قرار داده بودند، آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد بوده و لاغیر.

یعنی در بین خواص و بزرگان اصیل اصولگرایی و امت اصولگرا، بودند افرادی که با احمدی‌نژاد اختلاف سلیقه و اختلاف نظر داشتند، لیکن به قول بزرگی از جامعه اصولگرایان، از آنجایی که در آن شرایط حساس بیم تکرار فاجعه دوم خرداد را حس کرده بودند، جانانه وارد میدان شدند و از احمدی‌نژاد حمایت کردند و تا به امروز هم، در مقابل سران فتنه که دروغگویان بزرگ تاریخ انقلاب اسلامی هستند، ایستاده و از حکومت ولایی و اصالت انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی دفاع می‌کنند.

بنابراین رمز و راز موفقیت رئیس دولت نهم و انتخاب مجدد او برای ریاست دولت دهم را باید، در مکتبی بودن او و اینکه خود را سرباز کوچک مکتب اسلام ناب محمدی(ص) و خدمتگزار ملت مسلمان ایران معرفی کرده بود و عملاً به خاری در چشم صهیونیسم‌ها و استخوانی در گلوی مستکبرین تبدیل شده بود و در رأس همه در میزان ولایت‌پذیری و ولایت‌مداری و روحیه استکبارستیزی که مردم در طول چهار سال عمر دولت نهم از احمدی‌نژاد دیده بودند جستجو کرد.

آیا همین روحیات و سکنات و حسنات که معیار و میزان برتری و انتخاب احمدی‌نژاد در دوره نهم و دهم ریاست‌جمهوری بوده، هنوز هم به همان مقدار و با همان شدت و حدت، در او ساری و جاری است؟

روحیه استکبارستیزی و اعلام انزجار از صهیونیسم جهانی، در احمدی‌نژاد امروز دوچندان برابر احمدی‌نژاد ۸٤ است که جای تقدیر دارد.

آیا روحیه ولایت‌پذیری که مقدم بر ولایتمداری است و روحیه مکتبی بودن و اسلام‌خواهی و سکولارستیزی و بیزاری جستن از سکولارمآبان و خلق و خوی بسیجی و منش و روش مکتب‌گرایی و دین‌محوری که ملی‌گرایی در برابر آن رنگ و ارزشی ندارد، و دور شدن از ملی‌گرایان و روحیه عدالت‌خواهی و توسعه اسلام سیاسی و میل به هرچه اسلامی‌تر و ارزشی‌تر کردن جامعه و حرص و ولع در امر مبارزه با تهاجم فرهنگی و ریشه‌کن نمودن مقوله بی‌حجابی و بی‌عفتی در جامعه؛ به همان اندازه که در احمدی‌نژاد ۸٤ بوده یا به همان اندازه که مطلوب و مورد نظر امت ولایتمدار ایران اسلامی در حال حاضر است؛ در احمدی‌نژاد امروز وجود دارد؟

آنچه ذکر شد در صدر مطالبات اصلی مردم ولایتمدار و مقام عظمای ولایت قرار دارند و از مهمترین و شاهبیت نیازمندیهای دولت و حکومت اسلامی و دغدغه‌های عمومی جامعه می‌باشند. به همین لحاظ می‌توانند از جمله عواملی باشند که، در فراز و فرودهای دولت نهم و دهم نقش موثر و تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند که صد البته باید خیلی جدی گرفته شوند و بیش از پیش مورد توجه و عنایت شخص آقای احمدی‌نژاد قرار گیرند.

همسنگر

مروری مختصر بر ادبیات ضد جنگ

روایت سیاه از رویداد سپید

ر.مهرزاد

«کدام هنرمند است که از روحیه حماسی پرشور ملت و جوان‌های خودش در مقابل دشمنی که قصد داشت غیرت و عزت این ملت را زیر پاهای خودش لگدمال کند بتواند بگذرد و زیبایی خارق‌العاده آن را نبیند؟ اگر دیدیم هنرمندهای ما این را نمی‌بینند و به آن نمی‌پردازند، باید ببینیم عیب کار کجاست؛ یا در نگاه هنری یا در عرضه درست یا تأثیراتی که سیاست‌ها و دشمنان در فضای فرهنگی کشور دارند می‌گذارند، مشکلی وجود دارد والا چه طور می‌تواند یک ملت فراموش کند یا نبیند و نفهمد؟»

... این کلام رهبر انقلاب است در نقد یک جریان؛ جریانی که به نام ضدجنگ شناخته شده و در تلاش است تولیدات هنری و ادبی سیاه خود را با واقعه ۸ سال جنگ تحمیلی پیوند بزند. اما به گواه شاهدان، واقعه به گونه دیگر رخ داد.

هنوز طعم شیرین پیروزی انقلاب به کام جانمان ننشسته بود که کینه‌توزان آتش جنگ را برافروختند. ادبیات قبل‌تر هم وفاداری‌اش را به تاریخ و زمانه ثابت کرده بود و این بار وقتی اولین گلوله آتش دشمن بعثی شلیک شد، از پا ننشست و با مدافعان کشور همراه شد. اوایل تکلیفش ایجاد شور و انگیزه و بر انگیختن حس غیرت و دلاوری در مردم بود برای تامین نیروهای جنگ. از همین روی زبانش بیشتر حماسی بود و تبلیغاتی. رجز می‌خواند، دشمن را خوار و زبون می‌خواند و هر آن‌چه باعث تضعیف روحیه می‌شد به تیغ ممیزی می‌کشید. هرچند در سال‌های ابتدایی بودند نویسندگانی که ساز قلم‌شان ناکوک بود و به بهانه صلح‌طلبی آیه یأس می‌خواندند. کتاب «زمین سوخته» احمد محمود در این ایام بود که منتشر شد. داستان، زندگی مردی را در اهواز و در گیر و دار جنگ روایت می‌کند. اوضاع شهر نابسامان است و دزدی و گران‌فروشی به این هرج و مرج دامن می‌زند و مرد، تمام خانواده خود را در بمباران از دست می‌دهد.

نویسنده در این کتاب به بهانه روایتی رئال و مثلاً واقعی، جنگی انتزاعی را به تصویر کشیده است که قرابت چندانی با دفاع هشت ساله ندارد. رهبر انقلاب در کلامشان این کتاب را چنین تعریف می‌کند: «در همین کشور خودمان، که به قول شما خاستگاه ادبیات مقاومت است، ادبیات ضد جنگ هم از طرف آدم‌های ناباب در اینجا پا گرفت! سال‌های ۶۱ و ۶۲ آن آقای... کتاب «زمین سوخته» را می‌نویسد، که صددرصد ضد جنگ است و اصلاً حماسه‌ای در این کتاب نیست!

من تعجب کردم وقتی که دیدم در یکی از مطبوعات خودی، یکی از برادران راجع به ادبیات جنگ کتاب نوشته و کتاب زمین سوخته را جزء اولین کتاب‌هایی که در باب ادبیات جنگ است، مطرح کرده است!

چرا باید این‌طور باشد؟ گاهی می‌شود که در خاستگاه ادبیات جنگ، که محصول طبیعی‌اش ادبیات مقاومت است، کسانی می‌آیند از روی غرض ادبیات ضد جنگ را باب می‌کنند؛ مثل همین کتاب زمین سوخته!»

این حکایت زمانی است که جریان ضدجنگ چندان پررنگ نشده بود. با پایان یافتن جنگ، زبان غالب تغییر کرد و به سمت روایتگری و ثبت و نقل خاطره رفت. بعد هم، داستان‌ها و رمان‌ها بود که بر پایه همین خاطرات پا به عرصه هستی می‌گذاشت. هر چه بیشتر از جنگ گذشت، عینک ذره‌بینی بعضی از نویسندگان قطورتر شد. به قول خود می‌خواستند حقیقت را با نگاهی واقع‌گرا روایت کنند.

در اغلب این آثار شخصیت‌هایی سرگردان و مفلوک در معرکه‌ای از جنگ به حال خود رها شده بودند و مرگ، اسارت یا معلولیت سرانجام منفور و ناگزیر آنان بود و اگر روزهای بعد از جنگ را سپری می‌کردند، پی‌آمدهای شوم و نکبتبار جنگ بود که تحفه آرامش را از آنان می‌ربود و قهرمانان بازنده را از گذشته‌ای عبث به آینده‌ای موهوم می‌سپرد. البته خلق آثاری با این زاویه دید چندان بدیع و تازه نبود. پیش‌تر سربازان هیتلر وقتی از جنگی بازگشتند که هم در آن متجاوز بودند و هم شکست خورده، با نگاهی تردیدآمیز عملکرد خود را واکاوی کردند و هنگامی که پاسخی منطقی برای چرایی جنگ نیافتند دست به خلق ادبیاتی ضدجنگ زدند که به «ادبیات ویرانه‌ها» معروف شد. روسیه که طرف دیگر این جنگ بود و نیروهای مردمی آن در این مبارزه تنگاتنگ از کشور خود دفاع کردند، بعد از جنگ جریان ادبیات مقاومت را بنیان گذاشت.

با وجود مقاومت کم سابقه ملت ایران در برابر بیگانگان و شرایط –از این منظر– مشابه آن با روسیه، ادبیات ضدجنگ از ادبیات مقاومت پیشی گرفت، تا جایی که تولیدات آثار هنری مثل «فال خون» با حمایت نهادهای دولتی ترجمه و در کشورهای غربی منتشر شد؛ کتابی با پایانی تلخ و منتهی به مرگ و نابودی که نه جغرافیای سرزمین آن مشخص است و نه ملیت شخصیت‌ها، به عنوان اثری فراملی از نظر بعضی از منتقدان شناخته‌می‌شود!

این گروه از نویسندگان معتقدند برای شکل‌گیری روایتی همه جانبه از جنگ باید تنوع دیدگاه را گسترش داد، حال آن‌که این نظریه در شرایطی قابل اجرا است که حقیقتی ثابت پیش روی خالق اثر باشد. نویسنده کتاب «من قاتل پسرتان هستم» دنیایی ماتریالیستی و منقطع از عالم ماوراء را به تصویر می‌کشد و قهرمان‌های ناامید خود را در بن‌بست بی‌عدالتی‌ها قرار می‌دهد. غافل از آن که بی‌عدالتی در آن‌جا رخ می‌دهد که در بیان یک حقیقت تنها بر طرح زشتی‌های آن تاکید شود.

و این بی‌عدالتی در نقل حقایق، کار را به آنجا می‌کشاند که رهبر انقلاب نیز به نقد این جریان می‌پردازند:

«امروز ما می‌بینیم وقتی که راجع به دفاع مقدس و جنگ هشت ساله و این عظمت مطلقی که ملت ایران آفریدند صحبت می‌شود – که مهمترین موضوع هنری است و یک هنرمند درباره این جور شکوه‌های ملی، خوب می‌تواند قلم‌فرسایی یا میدان‌داری کند– بعضی از آثار در گوشه و کنار پیدا می‌شود که نه فقط عظمت را نمی‌بینند، می‌گردند یک نقطه ضعفی را –یا واقعی، یا حتی پنداری– پیدا می‌کنند و آن را مورد مداقّه قرار می‌دهند!

هدف از این کارها چیست؟ چرا باید ما این فرآورده عظیم ملت ایران را ندیده بگیریم؟! این خدمت به ملت ایران است که در تهاجمی که به مرزهای او، به شخصیت او، به عزت او، به تاریخ او، به هویت ملی او شده است این جور مردانه ایستاده و این جور شجاعانه دفاع کرده، اما حالا بیاییم آن را زیر سؤال ببریم، آن هم با زبان هنر؟! این کارها را می‌کنند. این‌ها به نظر من تصادفی هم نیست، یعنی نمی‌شود گفت حالا یک هنرمند به این فکر افتاده که می‌شود این جوری عمل کرد، نه؛ به نظر من غیرعادی می‌آید.

ما در این ماجرای هشت ساله، یک پیروزی مطلق به دست آوردیم. ما که جنگ را شروع نکرده بودیم که بگوییم فلان‌جا را می‌خواستیم بگیریم، نتوانستیم، پس ناکام شدیم؛ قضیه این نبود. قضیه این بود که دشمنی به ما حمله کرده بود و می‌خواست بخشی از خاک ما را بگیرد، همه دنیا هم به او کمک کردند، ما هم مردانه ایستادیم، ناکام شد و بینی‌اش به خاک مالیده شد و برگشت.

پیروزی از این بالاتر؟! این پیروزی را با همین ابعاد، با همه خصوصیاتی که در آن وجود دارد، با همه آن هزاران هزار ماجرایی که آن را به وجود آورده است، ما باید روایت کنیم و این کار هنرمندان عزیز ماست، کار نویسندگان است، کار سینماگران است، کار شاعران است، کار نقاشان است، کار اصحاب فرهنگ و هنر است.

...اگر این حادثه بزرگ درست روایت شود، این اثرات ماندگار خواهد شد. اگر غلط روایت شود؛ یا روایت نشود، این تأثیرات بسیار کم خواهد شد؛ نه این که به کلی از بین برود، لیکن خیلی کم خواهد شد.

اگر خدای نکرده مغرضانه روایت بشود، قضیه به عکس خواهد شد.

...اگر این کار صورت بگیرد، خواهیم فهمید که ما یک هزارم آنچه را که درباره این جنگ می‌باید تبیین کرد و می‌توان تبیین و موشکافی کرد، هنوز بیان نکرده‌ایم!»

اشاره: روزهای پر التهاب جنگ پر از خاطرات به یادماندنی است؛ خاطراتی که اگر هر روز هم آنها را گوش دهی یا در صفحات تاریخ به دنبال آنها بگردی باز از حلاوت آنها چیزی کم نمی‌شود. حضور مردان و زنان غیور این سرزمین در میدان‌های جنگ برای دفاع از آن چیزی که تمام هستی یک ملت بود خاطره حضور آنها را همیشه زنده و پایدار نگه می‌دارد. شاید آنچه در صفحات تاریخ ۸ سال دفاع مقدس بیشتر به آن پرداخته شده است حضور مردان در میدان‌های جنگ بوده و کمتر به حضور زنان در جنگ توجه شده است. اما بررسی و موشکافی نحوه حضور زنان در سالهای جنگ تحمیلی نکات جالبی را نشان می‌دهد که این تنها مختصری از این حضور نقش‌آفرین در آن سال‌های ناب جهاد است!

مثل یک مـــرد!

کتک خوردم اما در خرمشهر ماندم

حضور مسلحانه زنان از همان آغاز جنگ شروع شد. زمانی که عراق به خرمشهر حمله کرد و مردان و زنان غیرنظامی و بی‌پناه مجبور به ترک شهر شدند. اما در این میان عده‌ای از زنان و مردان غیور و شجاع ماندند تا از سقوط شهرشان جلوگیری کنند. در زمان مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر، زمانی که چتری از آتش بر شهر سایه افکنده بود و شهر پر از اجساد مطهر شهدا بود و مردان نیز تاب ماندن نداشتند، شیرزنانی ماندند تا از شهرشان دفاع کنند، تا از انقلابی که از نفس مسیحایی امامشان جان گرفته بود پاسداری کنند. این زنان علی رغم مخالفت شدید خانواده‌هایشان از شهر خارج نشدند تا برگ زرین دیگری را در تاریخ عظمت شیرزنان ایرانی به ثبت برسانند. به عنوان مثال در کتاب خاطرات اوپی‌دی نیز از زبان یکی از دختران امدادگر آبادانی می‌خوانیم: «ما در مسجد فیروز کار می‌کردیم، برادر بزرگم یکی از روزها جلوی در مسجد آمد و گفت: باید از شهر خارج شوید. ما نمی‌توانستیم خودمان را راضی به رفتن کنیم، من گفتم در اینجا به ما نیاز هست، باید برای مجروح‌ها و رزمنده‌ها غذا درست کنیم. برادرم عصبانی شد و مرا زد اما من از شهر خارج نشدم.»

آن زنان مقاوم با هر کاری که در توانشان بود به رزمنده‌ها کمک می‌کردند، پرستاری، امداد رسانی، پختن غذا برای رزمنده‌ها، نظافت محیط، کفن و دفن شهدا، نگهبانی از قبرستان‌ها در برابر حملات حیوانات، نگهبانی از انبار مهمات، و حتی مبارزات مسلحانه با دشمن، از جمله خدماتی بود این بانوان با اختیار خود و به عشق انقلاب و امام انجام می‌دادند.

نوشین نجار یکی از همان زنان افتخارآفرین است که می‌گوید: «کوکتل مولوتوف درست می‌کردیم. گونی‌ها را پر از شن می‌کردیم و در نقاط حساس خرمشهر می‌چیدیم. شب‌ها روی پشت بام مسجد جامع با اسلحه یک به یک نگهبانی می‌دادیم و هر چند ساعت یک‌بار پست خودمان را عوض می‌کردیم.»[۱]

در همان جریانات خرمشهر بود که عده‌ای از زنان ثابت کردند زمانی که اسلام در خطر باشد شجاعت‌ها و رشادت‌های بالقوه زنان آنچنان بروز می‌یابد که کسی به گرد پایشان نخواهد رسید. شهناز حاجی شاهی، از جمله آن بانوان بود که از نظر اخلاق، شجاعت، ایثار، تقوا و طهارت الگویی برای دیگران بود. مردانه می‌جنگید. با وجود شدت درگیری‌ها در آن چند روز، کسی تار مویی از ایشان ندید و کلامی به جز سلام نشنید. وقتی برای استراحت به عقب برمی گشتند، او به سرعت مشغول آماده کردن غذا می‌شد. [۲]

این مبارزات و درگیری‌ها تنها مختص به روزهای اول و خرمشهر نیست. زنانی بودند که در مناطق مرزی غرب و جنوب اسلحه به دست گرفته و از کشور دفاع کردند. برادر جانباز، ایران خواه چنین می‌گوید: «خانم فاطمه نواب صفوی، نوه شهید نواب صفوی، به عنوان دیده بان به طرف بهمن شیر رفته بود. او با اطلاعات مؤثر و مفیدی که از موقعیت دشمن می‌داد در موفقیت عملیات نقش تعیین کننده‌ای را ایفا کرد. در آخرین دیدار او را در حالی دیدم که پیکر شهیدی را با خود حمل می‌کرد. معلوم بود که از یک عملیات موفق چریکی باز می‌گردد.»[۳]

پرستاری و امدادرسانی به مجروحین

یکی از نقش‌های مهم و تأثیرگذار بانوان کمک به رزمنده‌های مجروح و زخمی بود. اما در این عمل به ظاهر زنانه، بانوان چنان شجاعت‌هایی را از خود به نمایش گذاشتند که تاریخ بشریت به خود ندیده است. یکی از خواهرانی که خود در حماسه مقاومت خرمشهر حضور داشته است، می‌گوید: «در آن روزها خواهران دو دسته بودند، عده‌ای برای مهمات‌رسانی تعیین و تعدادی هم برای امدادگری راهی بیمارستان شدند. ما به بیمارستان رفتیم. پشت سر هم مجروح می‌آوردند. دست و پاها و بدن‌های پاره پاره، که در پتو و حصیر پیچیده شده بودند. اوایل جرئت نمی‌کردیم به آنها دست بزنیم؛ ولی کم کم عادت کردیم. خواهران هر کار نیاز بود می‌کردند، از تخلیه مجروحین و پرستاری تا کار در آشپزخانه و نگهبانی از بیمارستان. امکانات بسیار کم و مختصر بود. مجبور بودیم سِرُم‌ها را به میخ آویزان کنیم، روز به روز وضع بدتر می‌شد... آب و برق نبود و آب از شط می‌آوردیم و یا شستشو را کنار شط انجام می‌دادیم. این باعث شد که آب، عده‌ای از خواهران را تا وسط شط ببرد.... که تعدادی از آنها غرق شدند.»[۴]

اگر می‌ترسیدم این‌جا نبودم

«جنگ شروع شده بود که به اتفاق چند تن از خواهران پرستار داوطلبانه به مریوان رفتیم. یک روز خواهری را برای عمل آوردند که دستش سفید سفید شده بود. حالت غش و بیهوشی داشت و از ضعف مفرط رنج می‌برد. ما بلافاصله به مداوای او مشغول شدیم. بعد که حالش بهتر شد و از وضعش پرس و جو کردیم، فهمیدیم این خواهر اهل شمال است. چندی پیش که عملیات شروع شده، نیمه شب به منطقه رسیده و اظهار داشته که می‌خواهم در یک مرکز درمانی در کنار پرستاران کار کنم. او به مدت ۷۲ ساعت، بی‌آنکه چیزی بخورد، در اتاق عمل پنس‌ها را می‌شسته و دسته‌بندی می‌کرده است. از بس که دستش داخل آب بوده، خون به دستش نرسیده و دست کاملاً سفید شده بود. این خواهر شمالی پس از بهبودی، مجدداً در منطقه ماند و به صورت تجربی به پرستاری مجروحین جنگی پرداخت.»

زهره فرهادی نیز یکی از نمونه‌های امداد رسانی بانوان را اینگونه توصیف می‌کند: «عراقی‌ها در ورودی گمرک (واقع در خرمشهر) را به شدت زیر آتش داشتند. یک نفر کنار این در مجروح افتاده بود. به هر زحمتی بود پانسمانش کردم و آن برادر و خواهر وطن خواه که با هم بودیم مجروح را سوار جیپ کردند و به عقب بردند. من ماندم تنها. امکان داشت هر لحظه اسیر بشوم. چرا که ۱۰۰ـ۱۵۰ متر بیشتر با عراقی‌ها فاصله نداشتم... از دور دیدم یک نفر با لباس سبز که مخصوص عراقی‌ها بود نزدیک می‌شود.... آمد نزدیک، دیدم از بچه‌های خرمشهر است به من گفت: «نمی‌ترسی؟» گفتم: «اگر می‌ترسیدم اینجا نبودم.» پانسمانش کردم و رفت.»

۱۷ روز اعتصاب غذا در زندان‌های عراق

اسارت از سخت‌ترین مراحلی بود که برای زنان حماسه آفرین ایران رخ داد. چرا که زن ایرانی سمبل عفت و حیا است و مرگ را به بی‌حرمتی ترجیح می‌دهد. هشت سال دفاع مقدس، هشت سال رویارویی لشکر عشق و ایمان با لشکر کفر و الحاد بود؛ لشکری که خبیثانه‌ترین رفتارها را از خود نشان داد. از کشتن مردم غیرنظامی گرفته تا در برخی مناطق حتی تجاوز به زنان. همین رفتارهای بی‌شرمانه آن سنگدلان بود که مردان و زنان را از اسارت زنان ایرانی می‌ترساند وگرنه ایرانی مسلمان از شهادت هراسی ندارد.

زنانی که به اسارت عراقی‌ها درآمدند آنچنان جسارتی از خود نشان دادند که آن سنگدلان را به تعجب واداشت. در صفحه ۳۷ کتاب دوره درهای بسته، خاطره شجاعت و اعتصاب دختران جوان اسیر ایرانی را می‌خوانیم که چگونه با ۱۷ روز اعتصاب غذا عراقی‌ها را مجبور کردند تا آنها را به صلیب سرخ معرفی کرده و آنها را از زندان سیاسی الرشید به اردوگاه مخصوص اسرا منتقل کنند. آنها حتی در آن لحظات سخت و کشنده نیز از حجاب خود دست نکشیده و الگویی برای اسرای دیگر بودند.

زنان در جنگ پشتوانه مردانند

این زنان بودند که با بستن سربندهای یا زهرا(س) بر پیشانی عزیزانشان آنان را راهی میدان‌های جنگ کرده و با درود و صلوات نه با اشک و آه و فغان، عزیزانشان را بدرقه می‌کردند. آنان زینب وار شهدای خود را با دستان خود کفن کرده و با افتخار در تشییع پیکر پاک آنها شرکت می‌کردند، بدون اینکه قطره‌ای اشک بریزند و قبل از اینکه پیکر عزیزشان را به خاک بسپارند عزیز دیگری را رهسپار میدان‌های نبرد می‌کردند تا جبهه‌ها خالی از نیرو نباشند. امام خمینی در مورد چنین زنانی فرموده‌اند: «بانوان ایرانی جانشان را، جوانانشان را، وقتشان را وقف اسلام کردند و اسلام را به اینجا رساندند.»

این بانوان نستوه و صبور در شهادت عزیزانشان اشکی نمی‌ریختند که مبادا رزمندگان دیگر روحیه خود را از دست بدهند. و تنها غمشان جا ماندن از غافله شهدا بود. به عنوان مثال در منطقه‌ای چندین شهید را با هم برای تدفین آورده بودند، یکی از مادران بیش از همه بیتابی می‌کرد. تلاش برای آرام کردن او چندان نتیجه‌بخش نبود. ناگهان زنی که چادر به دور کمر گره زده بود پیش آمد و در گوش او چیزی گفت که آرام شد و او را با خود همراه کرد. بعد معلوم شد که او مادر شهید است و اکنون پنجمین شهید او را آورده بودند تا به خاک بسپارند. مادر پنجمین شهیدش را با دست‌های خود در مزار نهاد و صبور و آرام بالا آمد و گفت: «پسر من نرفته است. این جوانان– اشاره به جوانان و همرزمان شهید– پسران من هستند آنها عزیزتر از علی اکبر امام حسین(ع) که نیستند.» آنگاه سمت سخن خود را عوض کرد و گفت: «عزیزان من، جبهه کربلاست امام حسین(ع) را تنها نگذارید.»

زنان عامل تشجیع و تقویت روحیه رزمندگان

در انتها سخنان گرانقدری از امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری پیرامون نقش بانوان در دفاع مقدس را برای متبرک شدن این بحث ذکر می‌کنم. امام خمینی(ره) فرمودند: «چنانچه یک عده از زن وارد بشوند در یک محلی که محل جنگ است، علاوه بر اینکه خودشان جنگ می‌کنند، مردها را که یک احساسی دارند نسبت به زنها، حساسیت دارند نسبت به زنها، مردها را قوه شان را دو چندان می‌کنند. این طور نیست که اینها اگر بروند دفاع کنند، فقط خودشان دفاع کرده‌اند، خیر، دفاع کرده‌اند، خودشان دفاع کرده‌اند و دیگران را هم به دفاع وارد کرده‌اند... بنابراین پیشقدم شدن شما در همه مسائل من جمله مسائل دفاعی، مسائل جهاد، مسائل کمک کردن به جبهه‌ها، وارد شدن در هر طریقه‌ای اسباب این می‌شود که مردها بیشتر وارد بشوند، مردها هم قویتر بشوند.

مقام معظم رهبری در مورد این مسئولیت مهم زنان که پشتوانه حرکت مردها بودند می‌فرمایند: «زنان کشور ما، در طول انقلاب پشتوانه حرکت مردها بودند، اگر احساسات و ایمان قوی زنها نبود، شاید بسیاری از مردهای ما این قدرت را پیدا نمی‌کردند که در میدانهای سخت مبارزات گوناگون حضور داشته باشند، امروز هم همان مسئولیت بر دوش خانمهاست.»

[۱]زنان جنگ، به کوشش سید امیر معصومی، سازمان سیاسی عقیدتی ارتش ج. ا. ا [۲] همان [۳] مثنوی کربلا در کربلا، مهری حسینی، نشر پردیسان، ۱۳۸۱. [۴] خرمشهر در جنگ طولانی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص۳۹۶.

ایستگاه صلواتی

اشاره: یکی از آن مواردی که به خصوص در سال‌های اخیر و در مطبوعات اخیر ما، خیلی مهجور واقع شده؛ صفحات کاهی و کاغذی است که بوی خاک می‌دهند و یاد یاران سفر کرده را!

بله! مقصودمان صفحاتی است که رنگ و بوی هشت سال دفاع مقدس را دارند و هنوز که هنوز است در حال و هوای آن روزهای ناب و تکرارناشدنی قلم می‌زنند و به چاپ می‌رسند.

... و شاید چندان بیراه هم نباشد اگر بگوییم؛ تنها صفحاتی که در فردای هیچ روزنامه‌ای، اخبار و گزارش‌هایش کهنه و سوخته نمی‌شوند همین صفحات دفاع مقدس هستند. همین صفحاتی که هر کدام‌شان در هر روزنامه‌ای بسته به شوق و اوج دل‌تنگی گردانندگان‌شان، اسامی متفاوتی دارند اگر چه همه‌شان یک خط و یک هدف دارند و آن‌هم؛ جاری کردن جریان سیال دفاع مقدس و جهاد که به یقین تمام نشدنی است! حالا آمده‌ایم تا به حرمت لحظه‌های نابِ تمام کلماتی که در این برگ‌های کاغذی – روزنامه‌ای چاپ شده و می‌شوند هرَ بار به سراغ همسنگری برویم و شربتی از حضور غنیمت‌وارشان بچشیم...

و امروز میهمان «مقاوَمت» کیهان هستیم و میزبان حرف‌های «محمد صرفی» مسئول صفحه «فرهنگ مقاومت».

ل.س. باقری

با تمام کمبودها ایستاده‌ایم!

صفحه ۹ روزنامه کیهان در روزهای یکشنبه «فرهنگ مقاومت» نام دارد. صفحه‌ای سیاه و سفید که سابقه‌اش به دوران دفاع مقدس بازمی‌گردد. مرور چندین صفحه «فرهنگ مقاومت» نشان می‌دهد قالب ثابت و روتینی ندارد.

بنده سه سال است این صفحه را مدیریت می‌کنم، در پاسخ به سوالات شما درباره مختصات و ویژگی‌های این صفحه ترجیح می‌دهم بیشتر درددل کنم و از مشکلات کار مطبوعاتی در حوزه دفاع مقدس بگویم.

من موانع و مشکلات در این راه را به سه دسته تقسیم می‌کنم: مشکل اول کم توجهی مطبوعات ما به این حوزه است. اغلب کسانی که در حوزه دفاع مقدس کار مطبوعاتی می‌کنند، این حوزه حکم شغل دوم را برایشان دارد و کمتر کسانی هستند که به صورت دائم و مشخص درگیر این فعالیت باشند. نگاه مطبوعات به این حوزه، عمیق و فرهنگی نیست. اینقدر دم از جنگ نرم و تهاجم فرهنگی می‌زنیم، کدام سلاح برای ما در این جبهه کارآمدتر از معرفی و ترویج فرهنگ دفاع مقدس است؟

مشکل دوم نهادهای متولی این حوزه هستند. نهادهایی که اغلب در سراشیبی بروکراسی افتاده‌اند و نگاه مناسبتی و آماری آنها باعث شده ارتباطشان با مطبوعات در این زمینه ارتباطی از نوع روابط عمومی و تعریف و تمجید از خود باشد. متاسفانه همین روحیه اداری و غیرجهادی باعث شده این نهادها اغلب دنبال مطرح کردن نام خود باشند.

مسئله سوم خود ایثارگران هستند! متاسفانه اغلب آنها قدر این گنجی را که دارند نمی‌دانند. البته منظورم در رابطه این قضیه با مطبوعات است. روحیه خاکی و فراری بودنشان از روی و ریا باعث می‌شود، این گنج در سینه آنها مدفون و خاموش بماند. برای مثال می‌توانم به ماجرای شهید علی موحد دانش اشاره کنم. خب ایشان شهید سرشناس و شاخصی است. بنده یک زمانی با بیش از ۲۰ نفر از همرزمان وی تماس گرفتم تا مصاحبه‌ای راجع به ایشان کنم اما هر کدام به دیگری پاس داد و آخرش هم هیچی! ما هم یک یادداشت نوشتیم با این تیتر؛ علی جان ما را ببخش!

البته این را هم اضافه کنم که گاهی این سکوت‌ها ناشی از ناملایمات روزگار و برخی کم کاری‌ها هم هست.

در رابطه با رویکرد این صفحه نیز عارضم: رویکرد ما مخاطب محوری و کشف آدم‌ها و سوژه‌های گمنام است. ما دست رد به سینه چهره‌های معروف دفاع مقدس نمی‌زنیم اما تجربه کاری نشان داده این آدم‌ها طی این سال‌ها حرف‌هایشان را زده‌اند و حرف جدیدی برای مخاطب ندارند. نکته دیگر اینکه چهره‌های معروف به دلیل موقعیت‌های شغلی و سیاسی–اجتماعی محافظه‌کاری و کلی‌گویی می‌کنند اما آن رزمنده‌ای که امروز فرض کنید کشاورزی می‌کند و کسی هم او را نمی‌شناسد راحت حرف‌های دلش را می‌زند و به این فکر نمی‌کند خب اگر من فلان چیز را بگویم چه می‌شود و یا چه نمی‌شود.

رویکرد بعدی ما حمایت از کارهای خوب در این حوزه است. سعی می‌کنیم کارهای ماندگار و ارزشمند را به مخاطب معرفی کرده و حمایت خودمان را نشان دهیم. برای مثال به گمانم تنها رسانه‌ای که سراغ دست‌اندرکاران مستند دفاع مقدس که سال گذشته از صدا و سیما پخش شد، رفت ما بودیم.

در آخر هم جا دارد اینجا ذکر خیری از استاد امیرحسین فردی کنم که تا همین چند روز پیش مسئول سرویس ادب و هنر روزنامه بودند و به دلیل پذیرفتن مسئولیت مرکز آفرینش‌های حوزه هنری، ما از رهنمودها و تجربه ایشان در این راه محروم شدیم. البته ایشان هنوز هم مدیر مسئول کیهان بچه‌ها هستند و لطفشان شامل حال ما هست اما کار کردن مستقیم با ایشان چیز دیگری بود.

در پایان می‌توانم بگویم حوزه دفاع مقدس در مطبوعات مانند خود دفاع مقدس مظلوم است. اگر رزمندگان ما با دست خالی روبه‌روی دشمن ایستادند و جنگیدند، بچه‌های این حوزه هم با تمام کمبودها و کاستی‌ها ایستاده‌اند و نمی‌گذارند مطبوعات ما از عطر شهدا خالی باشند.

ما و مرتضی

... و تعلقی ندارد!

شقایق وحشی آزاده است و تعلقی ندارد.

در دشت‌های دور، لابه‌لای سنگ‌ها می‌روید و به آب باران قناعت دارد تا همواره تشنه باشد و بسوزد.

داغ‌دار است و گل‌برگ‌های سرخش را نیز گویا به خون آغشته‌اند...

شهید نیز آزاده است و فارغ، قانع، تشنه، سوخته دل و داغ‌دار و غلطیده در خون...

اما میان این دو چه نسبتی است؟

کلام را، کلام انسانی را از این بینش، راهی به سوی حقیقت نیست. تمثیلی از حقیقت و بس!

بعداز آسمان

صلات خوبان

چمران برای نماز که می‌ایستاد، شانه‌هایش را باز می‌کرد و سینه‌ش را می‌داد جلو. یک بار بهش گفتم: «چرا سر نماز این طور می‌کنی؟»

گفت: «وقتی نماز می‌خوانی مقابل ارشدترین ذات ایستاده‌ای. پس باید خبردار بایستی و سینه‌ات صاف باشد.»

بابایی عباس نمازش را بسیار با آرامش و خشوع می‌خواند. در بعضی وقت‌ها که فراغت بیشتری داشت(در نمازهای نافله‌اش) آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» را هفت بار با چشمانی اشکبار تکرار می‌کرد... او همیشه نمازش را در اول وقت می‌خواند و ما را نیز به نماز اول وقت تشویق می‌کرد.

زین‌الدین جاده‌های کردستان آن قدر نا امن بود که وقتی می‌خواستی از شهری به شهر دیگر بروی، مخصوصا توی تاریکی، باید گاز ماشین را می‌گرفتی، پشت سرت را هم نگاه نمی‌کردی. اما زین‌الدین که همراهت بود، موقع اذان، باید می‌ایستادی کنار جاده تا نمازش را بخواند. اصلا راه نداشت...

جیره جنگی

شام مفصل!

با موتور رفتم محور ساموپا. دیدم یک نفر نشسته روی جداره سنگر و توی خودش است. گفتم بروم از همین بپرسم.

آقا مهدی بعد از عملیات مسلم بن عقیل مرا فرستاده بود بروم پیامی را در همین خط برسانم به حمید و من هنوز حمید را ندیده بودم. به همان ناآشنا گفتم: « سنگر این حمید آقای باکری نمی‌دانی کجاست ؟»

خیلی توی خودش بود. انگار داشت زیر لب چیزی می‌گفت که به من گفت نمی‌دانم. یا شاید چه می‌دانم.

گفتم: «پیغام مهمی براش دارم از آقا مهدی که باید بهش برسانم.»

خواستم بروم توی سنگر و از یکی دیگر بپرسم که کسی آمد گفت: « آقا حمید، بی سیم با شما کار دارد.»

برگشتم نگاهش کردم. اصلا به آن اندام لاغر و آن سکوت و آن در خود بودنش نمی‌آمد حمید باشد. آمده بودم حمید را ببینم با هیکل درشت و صدای رگه دار و نگاهی حتی خشن اما او... که رفتم توی سنگر. پیغام را گفتم. گفتم نمی‌شد با بی‌سیم گفت چون عراقی‌ها شنود می‌کردند. عراقی‌ها قرار بود از طرف ساموپا پاتک بزنند. پیغام این بود که فردا شب یکی از گروهان‌های صدوقی می‌آیند سمت راست ساموپا کمک دست حمید.

نمی‌توانستم بروم. برگشتم گفتم: «حمیدآقا ! ببخشید اگر بی ادبی کردم نشناختم‌تان.»

تبسم کرد گفت: «دَده بالام خوش گلدی !»

فردا شبش قرار بود یک گردان را ببرم خط. هوا بارانی بود. نگو شام آن شب را برای بچه‌های خط نفرستاده بودند. چون جاده را آب برده بود. یکی از بچه‌ها که رفته بود جلو فلش نشانی فلان خط را بر می‌گرداند طرف خط خودمان و یک آیفای عراقی با نشانی آن فلش می‌آید پیش ما! بچه‌ها طرفش تیر می‌اندازند و متوقفش می‌کنند. بعد که می‌روند سراغش می‌بینند ماشین پر از مرغ و چلوکباب است. مرغ برای افراد و چلوکباب برای افسرها. همان شب بین بچه‌ها پخش شان کردند.

من توی سنگر بودم که حمید آقا به آقای کبیری (مسئول ستاد) گفت: «باباشما خیلی کارتان درست است. بچه‌های ما را امشب روشن کردید. چرا همیشه از این کارها نمی‌کنید؟»

و خندید. نگو حمید داشته شوخی می‌کرده. ما هم خندیدیم. با هم خندیدیم!

***منبع: به مجنون گفتم زنده بمان.**

خدای متعالی: آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و به همراه شما جهاد نمودند، از شما هستند.
سوره توبه- آیه ۷۵

یادکردی از شهید حاج مرتضی گرکانی

مرد مردستان

م.آشنا

تولد یک پروانه

در یکی از روزهای سرد بهمن ۱۳۲۸ در خانواده حاج محمدعلی گرکانی، در محله رستم‌آباد شمیران به دنیا آمد. دوران کودکی را که پشت سر گذاشت و مقطع دبستان را به اتمام رساند به مدرسه جم رفت و در سال ۱۳۴۹ تحصیلات متوسطه‌اش را به پایان رساند و بعد از اتمام دوره خدمت سربازی، به عنوان آموزگار در یکی از روستاهای میانه، به استخدام وزارت امور اقتصادی و دارائی درآمد...

نیکوکارِ کوچک

بچه که بود، کوچکتر از آنچه بتوان از او توقعی داشت، هیچ وقت پیدایش نبود!

اگر دنبالش می‌گشتند او را در حال کمک کردن و مساعدت به دیگران می‌یافتند...

از کمک کردن در پختن سمنوی همسایه تا خانه گرفتن برای زنی نابینا و کمک کردن به پیرمردی ناتوان و... یک روز پشتی‌های خانه را می‌برد برای فقیری، روز دیگری یخچالشان را و اگر دلیل کارش را می‌پرسیدند می‌گفت: «ما دو تا یخچال داشته باشیم اونوقت اونا یکی هم نداشته باشند؟!»

حاج مرتضی

پدربزرگش (پدر مادرش) حج واجب به گردن داشت اما به علت مشکلاتی که داشت نمی‌توانست برود. دست مرتضی را که بچه بود گرفت و برد پیش آیت‌الله مرعشی در قم که اجازه بگیرد مرتضی را نائب خود کند، با آنکه خودش چند تا پسر داشت. آقای مرعشی گفته بود حالا کی را می‌خواهی به جای خود بفرستی و او در جواب مرتضی را نشان داده بود. آقای مرعشی با تعجب گفته بود ولی اینکه خیلی کوچک است. پدربزرگ جواب داده بود باشه! بالاخره یه روزی بزرگ می‌شه! و این طوری شد که مرتضی به سنّ جوانی که رسید رفت سفر حج و شد حاج مرتضی.

بهترین رفیق

رفته بود خدمت سربازی. سال ۱۳۵۰، پادگان فرح آباد و همان سال و همان جا با قاسم اعتماد سعید آشنا شده بود. قاسم اعتماد سعید هم مثل مرتضی با بقیه زمین تا آسمان فرق داشت.

آن موقع کسانی که دیپلم داشتند تحت عنوان سپاه دانش یا سپاه بهداشت یا سپاه ترویج به روستاها می‌رفتند. مرتضی و قاسم هم سپاه دانشی بودند و آن، همان زمانی بود که جشنهای دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی در شیراز برگزار می‌شد و تعدادی را از پادگانهای سراسر کشور انتخاب کرده بودند که بر حسب قدّ و اندازه و... بیاورند در فرح‌آباد آماده شوند و بعد ببرندشان به عنوان نیروهای نمایشی زمان هخامنشی... به فضل و عنایت خدا طوری شد که قاسم و مرتضی و شش نفر دیگر که انتخاب شده بودند نرفتند و آن اولین جرّقه‌هایی بود که برای مخالفت با شرایط موجود آن زمان در وجودشان زده شد و در عین حال آغاز آشنایی و رفاقت مرتضی و قاسم گشت.

و اما بعد...

خانواده قاسم، بسیار مقید و پدرش و اجدادش نیز روحانی بودند و همین باعث شده بود تا در دوران خدمت سربازی کناره بگیرد و گوشه‌گیری اختیار کند. اول بار، مرتضی رفت سراغش.

مثل هم فکر می‌کردند. هر دو از بودن در آن شرایط و اوضاع ناراضی بودند و همین آغاز آشناییشان بود... رفاقت مرتضی با قاسم در مدتی کوتاه آنقدر شدت گرفت که بالاخره با پیشنهاد خود مرتضی و مشورتهای بسیار، برادر قاسم با خواهر مرتضی ازدواج کرد و این ارتباط دو خانواده را بیش از پیش افزود... مدتی بعد هم قاسم با خواهر دوم مرتضی ازدواج کرد و دیگر یک خانواده شدند و صمیمیتشان شکل و رنگ دیگری گرفت.

شناخت

صحبتها و گفتگوهای مرتضی و قاسم به اینجا انجامید که باید اسلام را بیشتر بشناسند.

هدف که تعیین شده بود. حالا باید نسبت به این هدف شناخت بیشتری می‌یافتند. گفتند به ما از اول یاد داده‌اند اصول دین اعتقادی است؛ تقلیدی نیست. پس می‌باید خودشان می‌فهمیدند و می‌رسیدند.

خیلی فعالیت می‌کردند. جاهای زیادی می‌رفتند و افراد زیادی را می‌دیدند. از مجالس مسیحیت گرفته تا حلقه دراویش و... و هر جا که احساس می‌کردند حرفی داشته باشد، می‌رفتند. بعد که حسینیه ارشاد و جلسات مذهبی‌اش راه افتاد. به آنجا می‌رفتند و یک سری جلسات مخفی هم داشتند که بعداً لو رفت و آخرین جلسه‌شان در خیابان اندیشه بود که ریختند و گرفتند.

دست بردار نبودند. می‌خواستند خودشان برسند و بفهمند نه اینکه به گفته‌ها و شنیده‌ها بسنده کنند. حتی می‌رفتند و با پیش نمازهای مساجد بحث می‌کردند.

با آقای لاله‌زاری که نمازهای مسجد روبروی حرم حضرت عبدالعظیم حسنی را می‌خواند چند دفعه‌ای بحث کرده بودند و دفعه آخر دیگر با عصا افتاده بود دنبالشان که این سوالات چیست که شما می‌پرسید؟!

می‌گفتند: «حاج آقا می‌خواهیم به یقین برسیم.

از پرسش و پاسخ و جستجو هیچ ابا نداشتند.

این جستجوها ادامه داشت تا آنکه عطش معنوی‌شان آنها را به سمت کلام امام رضوان‌الله علیه و کوثر ناب سخنان او کشاند و بالاخره راه را پیدا کردند.

رویش

جاهای مختلفی با هم قرار می‌گذاشتند و بنا بود هر کدام گیر افتاد، آن یکی جور او را هم بکشد... حتی بعدها هم که جبهه و جنگ پیش آمد، با هم قرار گذاشته بودند که یک بار مرتضی برود جبهه و تا برگردد قاسم بماند و یک بار هم قاسم برود و مرتضی بماند تا یکی در نبودِ آن دیگری خانواده او را مثل خانواده خودش بداند و ادامه بدهد.

روز تاریخی هفده شهریور بود. با همدیگر قرار گذاشته بودند؛ قاسم و مرتضی.

نشد که همدیگر را پیدا کنند. خیلی روز عجیبی بود و خیابانها شلوغ...

در همان بحبوحه، قاسم تیر خورد و مجروح شد. یک شاگرد قنّادی او را رساند خانه. آنقدر ازش خون رفته بود که ردّ خونها روی زمین مشخص بود.

مرتضی که فهمید، خودش را رساند و رفت دنبال دکتر...

الرفیق ثم‌الطریق

با معرفی یکی از فامیلها برای مرتضی رفتند خواستگاری. جایی که به قول خودش اولین و آخرین جایی شد که برای خواستگاری می‌رفت. چهارم آبانماه ۱۳۵۴، ازدواج کرد با یک مراسم معمولی و اینگونه زندگی مشترکش را آغاز نمود که ثمره این ازدواج دو فرزند به نامهای نرگس و علیرضاست.

سالهای جهاد

مرتضی جهاد و جبهه رفتن را برای خود یک فرض واجب می‌دانست. اصلا اینطور نبود بنشیند و حساب کند که آیا به جبهه برود یا نه.

چون هم از ابتدا در جریانات مبارزه علیه رژیم ستمشاهی بود و بالطبع داخل در تمام قضایای حول و حوش انقلاب بود و هم این را برای خودش یک فرض واجب می‌دانست...

اولین بار هم در اردیبهشت سال ۱۳۶۱ راهی جبهه جنوب شد و در عملیات بیت المقدس شرکت کرد و از ناحیه پا دچار آسیب‌دیدگی شد. سپس در همان سال با اولین گروه اعزامی به لبنان همراه شد و به مدت ٤ ماه و نیم در مرز لبنان و اسرائیل از اسلام و قرآن پاسداری نمود...

معجزه

در پادگان حمید که بود، پایش شکسته بود و گچ گرفته شده بود و دکتر به او پانزده روز استراحت مطلق داده بود اما او به عقب برنگشت و ماند و گفت: «من اگر همین پانزده روز را همین جا هم بمانم پایم خوب می‌شود!»

ترسیده بود برگردد و دیگر دوباره برگشتنش، به این زودیها میسّر نشود. ماند در پادگان و چون آدم آرام و راحت‌طلبی نبود، در همان پادگان کلّی فعالیت داشت. بعد از یک هفته گفته بودند شب حمله است و برای او که پایش مشکل داشت، نقشی قائل نشده بودند. رفته بود پایش را گذاشته بود داخل آب و بعد از گذشت ساعتی، با سرنیزه گچش را باز کرده بود و گفته بود من سالمم و چیزیم نیست و تازه با آن وضعیت به بچه‌ها روحیه می‌داد. اگر چه هنوز پایش می‌لنگید اما چند کیلومتر پیاده آمده بود. نه تنها کوچکترین ابراز ناراحتی و دردی نمی‌کرد بلکه به بقیه هم روحیه می‌داد...

دکتر می‌گفت اصلا نمی‌فهمم چطوری روی این پا راه رفته اما این از دید من در علم پزشکی یعنی معجزه!

میان‌دار

می‌گویند روحیه خاصّی داشت و به هر جمعی که وارد می‌شد، آن جمع بانشاط می‌شد و روحیه خاص و ویژه‌ای می‌گرفت. در عین حال، شوخ‌طبع هم بود. مجلس‌دار و میان‌دار خوبی نیز بود. شیخ حسین انصاریان حفظه‌الله، خیلی کم در جمع می‌خندند اما تنها کسی که می‌توانست ایشان را بخنداند و سرحال بیاورد و وادارش نماید که صحبت کند، مرتضی بود...

هندوانه شور!

شوخ طبعی‌های بسیار جالبی داشت. شوخی بود اما تلنگرش را می‌زد...

هندوانه‌ای سر بریده بود و قاچ کرده بود برای بچه‌ها که دور هم جمع شده بودند. به هنداونه نمک هم زده بود!

همه می‌خواستند سهم بیشتری بردارند و بخورند و می‌گفتند این هندوانه خوردن داره‌ها! از دست حاج مرتضی. از دست ندیدا!

هر کسی خورد حالش بد شد. گفت:هان! من می‌دونستم... حرص دنیا نزنید! اینکارو کردم حرص دنیا رو نزنید. تو دنیا خیلی چیزا هست که ظاهرش شیرینه اما در عمل مضرّ و مخرّبه...

من نیتم هفت تانک بود!

یک بار به رفیق دیرینه‌اش، قاسم گفت که نیت کرده این دفعه که برگردد جبهه، هفت تا تانک بزند (حاج مرتضی آرپی‌جی‌زن بود) بعد که رفت جبهه، زنگ زده بود و به قاسم می‌گفت خیلی ناراحتم. نمی‌دونم چرا نیتم درست نیومده! فقط تونستم پنج تا تانک بزنم!

قاسم با تعجب پرسید: «تو ۵ تا تانک زدی و اونوقت ناراحتی؟»

گفت: «آره! نیتم ۷ تا تانک بود!»

قاسم با خودش فکر کرد که حتماً بچه‌های دیگر هم به تانکها شلیک کرده‌اند، چون بالاخره از چندین زاویه به یک تانک زده می‌شد، و مرتضی فکر کرده خودش تانکها را زده اما بچه‌ها شهادت دادند که مرتضی هر ۵ تانک را زده است. آن وقت خودش مغموم و ناراحت بود که چرا نیتش درست درنیامده. می‌گفتند: «بابا، روتو کم کن! تو کار اینا رو ساختی، بازم می‌گی نیتم؟

می‌گفت: «نه، نیتم خراب شد! من نیت کرده بودم ۷ تا تانک بزنم!»

گناه داره...

می‌گویند مرتضی خیلی خوش اخلاق بود. خیلی هم اهل انفاق و بخشش بود. بارها می‌شد که به کسی کمک می‌کرد و می‌فهمیدند آن طرف دروغ گفته و سرش را کلاه گذاشته باز کمکش می‌کرد و می‌گفت: «گناه داره...» و باز هم کمکش می‌کرد!

پنجمین غسل شهادت

نامه‌هایی که می‌نوشت همه عطر خلوص داشت و اشتیاق شهادت...

انگار که همه خودش را در نامه‌ها می‌فرستاد تا دلتنگیهای عزیزانش را کم کند؛ طوری که همه نامه‌هایش تبدیل به بهترین خاطرات می‌شد در ضمیرشان... یک بار در نامه‌ای که برای همسرش فرستاده بود، نوشته بود که «من برای پنجمین بار غسل شهادت کردم ولی باز هم شهید نشدم!»

قربانی

بچه دومش پسر بود. نامش را گذاشت علی... خیلی اسم علی را دوست داشت.

مأموریت داده بودند که برود سنندج، خانواده‌اش را هم با خودش برد. آنجا به علت بدی آب و هوا یا سرماخوردگی، علی را که طفلی ده ماهه بود به درمانگاه رساندند. آن موقع به دلیل شایعه پراکنی‌ها و فضای مسمومی که ضدّ انقلاب و کومله و دمکراتها علیه پاسداران مظلوم انقلاب ایجاد کرده بودند، دشمنی‌ها خیلی زیاد بود. دکتر درمانگاه آمپولی را اشتباهی به علی تزریق کرد و علی از دنیا رفت...

حاج مرتضی که خواست کودک ده ماهه را داخل قبر بگذارد، او را روی دستهایش به سمت آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا، این قربانی ناچیزو از مرتضی قبول کن»

پرواز

از اول قرارشان با قاسم این بود که وقتی یکی نیست، آن دیگری بماند و به هر دو خانواده برسد تا خانواده‌ها در نبودشان اذیت نشوند. سر این قرار بودند تا دفعه آخری که مرتضی برگشت و بالطبع نوبت قاسم بود که برود جبهه اما مرتضی گفت که برای بازپس‌گیری مهران دعوت شده و از قاسم خواست که این دفعه هم بماند.

سه ساعتی خلوت کردند. از همه چیز گفت. حتی اینکه فرزندش کدام مدرسه برود...

اگر چه حاج مرتضی از سال ٦١ منتظر شهادت بود اما این دفعه دیگر محکم و مصمّم و موقن بود به اینکه دیگر برگشتنی نیست. رفت.

ادامه در صفحه۹

حاج مرتضی سلام!

وصیتنامه‌ات را با سلام بر حسین بن علی علیه‌السلام شروع کردی و من نوشتارم را با سلام بر حسین علیه‌السلام تمام می‌کنم!

رفقایت، مادرت، همسرت و... و خیلی‌های دیگر از تو گفتند و هر کدام شمّه‌ای از آنچه بود را نمودند...

یک رفیقت نوشته بود مرتضی جان تو بزرگ بودی و هستی و خواهی بود، تو دریایی پس این قطره را دریاب...

آن رفیق دیگرت که از همه نزدیکتر بود به تو، آه می‌کشید و بغض می‌کرد و می‌گفت خوشا به حالت مرتضی که رفتی، که خوب رفتی، که قشنگ رفتی...

همسرت می‌گفت در اخلاص مرتضی برای جهاد فی سبیل‌الله همین بس که وقتی برگشت پسرمان مریض حال بود و حال بدی داشت اما مرتضی نماند و برگشت جبهه...

مادرت می‌گفت مرتضی با همه – حتی بچه‌های دیگر خودم – فرق داشت، از زمین تا آسمان...

من در حدّ بضاعت اندکم چه بگویم که در شأن تو باشدای عاشق سراپا سوخته حسین علیه‌السلام، جز آنکه عاشق باید که به صفت و صبغه محبوب و معشوق باشد، چرا که آتش عشق می‌سوزاند هر چه غیر دلدار را در سرزمین دل...

و تو چه زیبا به صبغه و صورت و سیرت، مصداق این سوختن گشتی...

سلام بر محبوب تو؛ حسینِ فاطمه...

سلام بر عشق مقدّست برای سیدالشهدا علیه‌السلام...

و سلام بر تمام آنان که چون تواند؛ انصارالحسین علیه‌السلام

«السلام علیک یا أباعبدالله و علی‌الارواح التی حلت بفنائک علیک منی سلام‌الله ابدا ما بقیت و بقی‌اللیل و النهار و لاجعله الله اخرالعهد منی لزیارتکم السلام علی‌الحسین و علی علی بن‌الحسین و علی اولادالحسین و علی اصحاب‌الحسین و علی انصارالحسین علیه‌السلام»

دلنوشته‌ای تقدیم حاج مرتضی

شبی که باران می‌بارید...

شبی که باران می‌بارید...

شبی که چشمهایم سخت می‌گریست...

شبی که تمام مفاتیح الجنان را به دنبال ردّی از هر چه نام حسین بن علی علیه‌السلام بود و یا ربطی به عاشورا داشت، سطر به سطر می‌گشتم تا معنای اشارت حاج مرتضی را بفهمم...

شبی که گم گشته بودم در افق ناپیدایی که حاج مرتضی نشانم داده بود...

چه خوب!

چه خوب...

چه خوب که قدم به قدم به عاشورا نزدیک شدیم.

چه دلنشین، که این بار شهیدی برایمان دعوتنامه فرستاد که عجیب عاشق بود. اعتراف می‌کنم که کم آوردم و در همان آنِ اول نفسم برید و به زانو درآمدم...

آخر تو که نمی‌دانی... حاج مرتضی از آن عاشقهای سینه چاک حسین علیه‌السلام است که سخت بشود به درونش راهی یافت...

از آنهاست که عمری به هر چه نگریسته، روضه شنیده و از هر چه خواسته بگوید، روضه شده است!

از آنها که شبهای درازی به پای آتشی که در دل داشته، سوخته و سوخته و سوخته...

شبی که شب عاشقی‌اش می‌گویند... به درازای عمری که می‌گذرد...

شبی که خیلی‌ها نیمه‌های آن، طاقت سوختن نمی‌آورند و خاموش می‌شوند. شبی که خیلی‌ها در سحرش به ردیف آدمهای روزمرّه ملحق گشته‌اند و خیلی‌ها به خواب رفته‌اند...

شب عاشقی حاج مرتضی به سحری پیوست که تا آخرین لحظه‌اش سوخت. از آن شمعها که تا سحر سوخت.

من داشتم از پیله می‌گفتم و از اینکه می‌گویند پیله را رها کن و به سمت آبادی پرواز کن...

یادت هست؟!

می‌گفتم کدامین آبادی؟

آیا تو غیر از کربلا، آبادی دیگری سراغ داری که من پروانه آن شوم؟

و می‌گفتم آنان که پیله را شکافتند، جز به مقصد کربلا، جایی که در آسمانش – اگر آسمانی داشت – پر گشودند فرق چندانی با پیله نداشت...

داشتم از ماجرای پروانگانی می‌گفتم که در جستجوی «انی آنست نارا لعلی اتیکم منها بقبس او اجد علی النار هدی» به فنا رسیدند و مصداق «وآن را که خبر شد خبری بازنیامد» شدند...

شبی که از آنِ حاج مرتضی بود و چون من، سائل گمگشته‌ای در طلب خبری از آنان که خبری بازنیامدشان، دیدم که کربلاست همان خبر که تباری از پروانگان عاشق در طلبش رفته‌اند و خبری از آنها بازنیامده است...

شبی سخت تاریک به درازای عمری بسیار طولانی که از من رفته بود!

شبی که طولانی بود و یا به چشم من سخت طولانی می‌آمد از فرط شدت و ابتلایش...

شبی بسیار عجیب که درمانده بودم در پیچ و خم جاده‌ای تاریک که پیدا نبود ابتدا و انتهایش و راه با حرکت هر رمل و ماسه و شنی ناپدید می‌شد!

و تنها دلخوشی‌ام بدان بود که هر از گاهی ستاره‌ای در آسمان بدرخشد و برای لحظاتی روشن نماید زمین و آسمان را...

باران می‌بارید. باران!

آنهم بعد از طوفانی سهمگین که خوف مرا در شبی تا بدین حد تاریک و سخت و طولانی می‌افزود.

باران می‌بارید و من می‌دیدم کسی را که سرتاسر جاده را فانوس‌های روشن گذاشته است و تا انتهای راه پیداست!

دانستم تنها آنجاست که همیشه روشن است و بارانی...

گفتند نامهایش زیاد است آن زمین همیشه روشن و بارانی، اما کربلایش می‌گویند! این همان بود که جستجو می‌کردم؛ تنها آبادی عالم.

و فتح باب با جناب جابربن عبدالله انصاری بود که چون به زیارت حسین بن علی علیه‌السلام رفت، گفت حسین جان،ای کاش من با تو بودم!

همان که ذکر علی‌الدوام تمام شیداییان حسین بن علی علیه‌السلام است «یا لیتنا کنّا معک»

و به راستی همین است... خبری که شد اما بازنیامد!

«حسین جان،ایِ کاش ما با تو بودیم»

و گرنه چرا «کلّ یوم عاشورا و کلّ ارض کربلا؟»

و من چگونه بگویم حاج مرتضی چقدر در این معنا یکّه تاز بود و چگونه گوی سبقت را از همه ربوده بود، در حالی که دستهایم خالی است و فرسنگها فاصله دارم با او؟

من فقط شبی از شبها و ساعتی از ساعات بوی خاکهای باران خورده را شنیدم و سوسوی فانوسهای روشن را دیدم...

داشت گریه می‌کرد.

هنوز داشت گریه می‌کرد.

حتی وقتی قلم به دست گرفته بود و داشت آخرین کلماتش را بر روی کاغذ ثبت می‌کرد و وصیتنامه می‌نوشت، گریه می‌کرد...

هنوز داشت برای حسین بن علی علیه‌السلام می‌گریست...

هنوز داشت به مصداق «بی همگان به سر شود، بی تو به سر نمی‌شود» می‌سوخت در عطش دیدار حسین بن علی علیه‌السلام...

آن همان روز وعده داده شده بود. روزی که آمده بود بعد از چهل شب و روز چشم انتظاری...

می‌نوشت که آرزوی شهادت فی سبیل الله دارد اما نه به شوق آن عطایا و مواهب که در گنجینه فردوس برین ذخیره گشته است و نه تمنای دیدار فرشتگان و نعمات مخصوص جنت و... بلکه فقط و فقط به عشق دیدار یار و نظاره یک لبخند حاکی از رضایت حسین بن علی علیه‌السلام.

چرا که «هشت بهشت ابدی منظر آن شاه نشد / تا چه خوش است این دلم کو کندش منظر خود»

دانستنِ حاج مرتضی بیچاره‌ام می‌کرد. از عشق به جنون و از جنون به عقلم می‌کشاند... عقل سرخ!

آخر تو که می‌دانی...

هر کجای این راه که به شیدایی و عاشقی از عاشقان اباعبدالله علیه‌السلام رسیده‌ام، تا خم نشده و خاک پایش را توتیای چشمهای یعقوب‌سانم نکرده‌ام، دل پریشانم آرام نگرفته است...

آخر، گم شده من کلان است. کلان...

شاید از همین روست که در این صحرای کربلا سان، به هر که می‌رسم و هر عطری استشمام می‌کنم و به هر تکّه بریده عضوی از اعضاء المقطعات کربلایی می‌رسم تک بیت معروف کربلایی داغم را تازه می‌کند...

«گلی گم کرده‌ام می‌جویم او را / به هر گل می‌رسم می‌بویم او را»

و حالا... حاج مرتضای گرکانی!

تو که نمی‌دانی. تو که نمی‌دانی این مردِ به تمام معنا مرد چگونه عاشقی کرده برای ربّ العالمین و چگونه تعبیر کرده جمله «ای کاش من با تو بودم» جناب جابر را با هزاران زخم که در دل برای سیدالشهدا علیه‌السلام داشت و آتشی عظیم که از اشتیاقِ «یا لیتنا کنّا معک» در جان...

تو که نمی‌دانی. تو که نمی‌دانی وقتی گفتند این مرد طفل چند ماهه‌اش را بر روی دستها بلند کرد و گفت: «خدایا، این قربانی را از من قبول کن» چگونه به یاد این ابیات افتادم و سخت دلتنگ شدم...

«آبی‌ای لب تشنه باز آری بجو / بو که آب رفته باز آری بجو

شرط این آبت به زاری جستن است / ور نداری دست از وی شستن است»

تو که نمی‌دانی. تو که نمی‌دانی وقتی قاسم اعتماد سعید، هم او که رفیق دیرینه حاج مرتضی بود و وصی او، می‌گفت شهدا در خویش استعداد شهادت را خدادادی داشتند اما خودشان تلاش کردند و به قابلیت رساندند، دلم می‌خواست بپرسم از او که تا بدینجا حاج مرتضی را می‌دانست و می‌شناخت که حاج مرتضی، چگونه و چه سان استعداد عاشورا فهمی و حسین یابی را به فعلیت رساند؟!

مگر هم او، حاج مرتضی گرکانی نبود که وصیت کرده بود روی سنگ مزارش بنویسند «عاشقی که حسین علیه‌السلام را زیارت کرد و به دیدار دوست شتافت»؟

به مانند شعر ساقی عطشناکانِ می‌توحید سیدنا علی‌الخامنه‌ای:

«رزق مرا حواله به نامحرمان مکن /از دست خویش، باده گلفام ده مرا»...

... یادت هست سید مرتضی آوینی و جمله همیشگی‌اش را؟

می‌گفت فکر می‌کنی وقتی شهیدی در واپسین لحظات دارد به لقاءالله می‌رسد و شاهد است چه سان قطرات خونش مقابل چشمانش جاری گشته و تقدیم دوست می‌شود، به چه می‌اندیشد...

من دانستم. دانستم یک شهید در آخرین لحظات به چه می‌اندیشد... دانستم...

در شبی که باران می‌بارید...

در شبی که چشمهایم سخت می‌گریست...

در شبی که گم شده بودم در افق ناپیدایی که حاج مرتضی نشان می‌داد...

در شبی که فهمیدم قبیله‌ای از پروانگان که به دل آتش زدند و وانرا که خبر شد خبری بازنیامد، چه بود خبرشان...

در شبی که بعد از طوفانی سخت، که گم شده بودم، کسی تمام جادّه را فانوس‌هایی روشن گذاشته بود که تا انتهای راه پیدا بود...

در شبی که از آنِ حاج مرتضی بود...

و اینک منم و ردّ دستهای مهربان آقا مرتضی مانده بر انتهای جادّه، آنجا که شبی بوی خاکهای باران خورده و سوسوی فانوسهای روشن را در آن دیدم و شنیدم...

افسوس که «ترسم که اشک در غم ما پرده در شود» و گرنه کجا نوشتن از کسی چون حاج مرتضی گرکانی پایان می‌یافت؟

... راستی تو از حاج مرتضی خبر نداری؟!

بهشت زهرا سلام الله علیها – قطعه ۵۳ – ردیف ۱۱۲ – شماره ۱۶... این آدرس زمینی حاج مرتضاست، آرمیده در کنار همرزم شهیدش، اسماعیل کابلی... شاید خواستی سری بزنی و خلوتی کنی با آقا مرتضی. اگر رفتی سلام برسان!